www.kitabmart.in

مرگ باعزت بہتر است
از زندگانی باذلت
(امام حسین علیہ السلام)

# سرور شہیدان

## حسین بن علی
## علیہ السلام

علی نقی النقوی

www.kitabmart.in

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي
سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا ۚ

(سورۂ آل عمران آیہ ۱۶۹)

کسانی را کہ در راہ خدا کشتہ شدند مردہ خیال مکن

www.kitabmart.in

# پیش نهاد

سرداد، نداد دست در دست یزید حقا که بنای لا اله است حسین

سر دادن حضرت سرور شهیدان علیه الصلوة والسلام در راه حق

حقیقتی است درخشان و تابنده که غبار شکوک و شبهات نمی تواند

آن حقیقت کبری را از نگاه خلائق پنهان نماید - ولی متأسفانه

گاه گاه صداهای شنیده می شود که دلالت می کند بر خفای

این حقیقت بر بعض اذهان و اگر این اشتباه منحصر بشخصی

باشد چندان اهمیت ندارد، ولی هرگاه بواسطهٔ

تبلیغات سعی شود در تعدیهٔ این اشتباه، آنوقت

لازم می شود بر پرستاران حقیقت که در پرده برداشتن

از آن حقیقت ثابته هرچه بتوانند سعی بخرج دهند -

همین است که برای صیانت مقام مقدس "سرور شهیدان"

از هرگونه لبس و تلبیس قلم برداشته شده است

والاتمام من الله

---

چنانکه کتاب "شهید جاوید" در ایران در عرض دو سال

دو دفعه چاپ شده چاپ اول آبان ۱۳۴۹

چاپ دوم، اردیبهشت ۱۳۵۱

www.kitabmart.in

# ربطی بمراجع تقلید ندارد *

هر یکی می داند که تقلید در مسائل فروعیهٔ عملیه می شود و موضوع احکام فقهیه افعال مکلفین اند - ولی مکلفینی که این احکام بذمهٔ آنها تعلق دارد یعنی فعل یک شخصی موضوع حکم دیگری نمی شود. پس حرکت امام علیه السلام موضوع حکم خود امام می شود که باید خود امام او را بسنجد - نه اینکه مراجع تقلید امروزه موضوع حکم امام را در دروس فقهیه خودشان

---

* نویسندهٔ شهید جاوید، بعنوان «پیشنهاد لازم الاجراء» می نویسد «مسئله قیام امام حسین علیه السلام یکی از پیچیده ترین مسائل تاریخی اسلامی است و علت این پیچیدگی، اختلافات و تعارضاتی است که در مدارک مربوط به این مسئله وجود دارد و بهمین جهت در تشخیص حقیقت این قیام نظرهای متضادی اظهار شده و از طرفی چون عمل امام حجت است باید واقعیت نهضت آن حضرت شناخته شود تا مردم بتوانند از آن پیروی کنند. بنابرین حرکت امام موضوع یک مسئله مهم فقهی و عملی است و تا موضوع حکمی مشخص نشود عمل به آن حکم غیر ممکن است. از نیرو پیشنهاد می شود مسئله قیام سبط پیغمبر ص در حوزه های علمیه بهمان سبک درسهای عالی اجتهادی (خارج) از طرف علمای طراز اول مورد تحقیق قرار گیرد و محصول اجتهاد آنان منتشر شود. تا بدینوسیله هم باین آشفتگی که در نوشته های نویسندگان و گفته های گویندگان وجود دارد خاتمه داده شود و هم مردم از سرگردانی نجات یابند و هم پیروی و بهره برداری از قیام عظیم امام میسر گردد.

www.kitabmart.in

طرح کنند و آن وقت نتوانند بر امام اجراء کنند تا امام
در عمل خود تقیید آنها نماید.
حالانکه این دوره دوره تخصص است، هیچ متخصص
فنی حق تدخل در فن دیگر ندارد. پس قیام امام حسین
علیه السلام را اگر کسی می داند که "یکی از پیچیده ترین
مسائل تاریخی اسلامی است" چرا علمای فقه و اصول
را دلوا از طراز اول باشند، صدا می دهد که این را
نه در درسهای عالی اجتهادی (خارج) بورد تحقیق قرار دهند
بلکه باید کسانیکه در رشته تاریخ رحمت کشیده اند و عمری
در این مجال بسر برده اند، محصول مطالعات خودشان را منتشر
نمایند تا دیگران هم حسب درجه خود در بررسی با سباب تاریخی
آنها را بسنجند تا شاید بیک نتیجه برسند که برای همه لااقل قبول
باشد و کسانیکه در این باره "سرگردان" اند از سرگردانی
نجات یابند.

www.kitabmart.in

# موضوع یا مبنی؟

کسی که می گوید "این حرکت امام موضوع یک مسئله مهم فقهی و عملی است" کانه می خواهد بگوید "این حرکت امام مبنای یک مسئله مهم فقهی و عملی است" چون حضرت می فرماید "عمل من در این قیام سرمشق شماست" ولی این اختصاص باین قیام امام ندارد

بحکم آیهٔ کریمه: لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة (احزاب ۲۱)

و فرمان خداوندی: قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی (آل عمران ۳۱)

هر عملی از اعمال پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در همهٔ ادوار زندگانیش سرمشق عامهٔ افراد اهل اسلام است ✗

و بحکم اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم و آیهٔ کریمه: یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین (براءة ۱۱۹) و حدیث شریف نبوی علی

---

✗ بحکم آیه: و لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة عمل رسول خدا صلی الله علیه و آله سرمشق مردم است (شهید جاوید)

www.kitabmart.in

قائله و آله افضل الصلوة والسلام : ما ان تمسکتم بهما لن
تضلوا بعدی ، و هم حدیث دیگر : مثل اهل بیتی
کمثل سفینة نوح من رکبها نجا ، هر یکی از اعمال هر هر یکی
از هداة معصومین علیهم الصلوة والسلام سرمشق هر یکی از مؤمنین است
و معلوم است که عمل پیغمبر باشد یا امام هر یکی حجت است پس
واقعیت هر یکی از آنها باید شناخته شود تا مردم بتوانند از آن
پیروی کنند .

www.kitabmart.in

# مسائل پیچیده از تاریخ حیات معصومین ع

اگر راست باشد که مسئله قیام امام حسین علیه السلام با مذاکرات
در اطراف آن در چهارده قرن حالا هم " از پیچیده ترین
مسائل تاریخی است "

آیا در سیرت جمیع معصومین ع، همین یک مسئله چنین پیچیدگی
را داراست؟

آیا در سیرت حضرت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم:

(۱) بموقع هجرت تشریف بردن حضرت ص از مکه معظمه برای
صیانت نفس و گذاشتن حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام
در حلقه تیغهای کشیده و نیزه های لرزنده چندان پیچیدگی ندارد

(۲) موافق نظر نویسنده خاص لازم است
خود را در آن زمان و قبل از وقوع حادثه فرض کنیم ـــ و لازم
است خود را از این فکر که ما در زمانی پس از وقوع حادثه هستیم
خرید نمائیم. پس را از آن ببینیم که در جنگ بدر حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم در مقابل یک هزار کفر تقریبا که مسلح بتمام اسلحه جنگ بودند

شهید جاوید ص ۳۸۴ - ۳۸۵

www.kitabmart.in

برآمدن با سیصد و سیزده اشخاص عادی که تنها سیزده شمشیر
و دو تا اسب داشتند نظر بجاری اسباب طبیعی امکان
پیروزی نظامی در بین نبوده، هیچ
پیچیدگی ندارد؟

(۳) آیا در موقع احد، با هزیمت خوردن تمام اردو و در
رفتن آنها از میدان قتال، ماندن حضرت پیغمبر خدا صلی الله
علیه و آله و سلم با زخمهائی که بحضرت رسیده و ماندن حضرت
علی بن ابی طالب ع با نبودن کسی دیگر بیاوری مدی، مسئله
پیچیده نیست؟

(۴) آیا برآمدن حضرت علی ع برای جنگیدن با عمرو بن
عبدود با اینکه همه مردان آزموده کار می گفتند که مقاومت
با این پل ممکن نیست و این تنها با هزار مرد جنگی مقابل
است هیچ پیچیدگی ندارد؟

(۵) آیا رفتن حضرت پیغمبر خدا ص بقصد عمره با جمعیتی که
بهمراهی آنها عوامل پیروزی در جنگ و تسخیر مکه مشرفه
مهیا بود و بعد با این اسباب پیروزی ترک حق خود که در
مکه داشت و برگشتن از مکه با عقد مصالحت با مشرکین

www.kitabmart.in

که غالب همراهیان آنحضرت ص از آن احساس ذلت
برای جمیع امت اسلامیه می نمودند چیزی پیچیده نیست؟

(۶) سپس از سیرت حضرت امیر ع بعد از وفات حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم باز ماندن از رفتن بمجلس
شوری در سقیفه بنی ساعده که پیروزی در تشکیل حکومت
که بزعم نویسنده خاص فریضه امام است موقوف بر آن
بود و بواسطه این تقاعد این پیروزی از دست
حضرت علی بن ابی طالب ع رفت، پیچیدگی ندارد؟

(۷) آیا رد نمودن حضرت ع اقتراح ابوسفیان را
با وعده او در نصرت و تهیه قشون جباره و پر کردن
مدینه از سوار و پیاده که البته ضامن پیروزی
آنحضرت می بود در مقابل متغلبین، پیچیدگی ندارد؟

(۸) آیا سکوت حضرت ص بعد از اتمام حجت و استمرار
آن سکوت در عرض مدت بیست و پنج سال بدون
ادنی سعی در تهیه عده و عتاد برای منقلب کردن آن
حکومت باطله امری پیچیده نیست؟

www.kitabmart.in

#

~~(۹) آیا سکوت حضرت ع بعد از اتمام حجت و استمرار آن سکوت در عرض مدت بیست و پنج سال بدون ادنی سعی~~

(۹) آیا قبول کردن حضرت امیر ع عضویت مجلس شورائی را که خلیفهٔ دوم برای انتخاب خلیفه بعد از خود ترتیب داده بود، پیچیدگی ندارد؟!

(۱۰) آیا همراهی نکردن حضرت با ثوره کنندگان در قبال عثمان بلکه سعی در اصلاح حال و فرو کردن آتش شورش، امری پیچیده نیست؟

(۱۱) آیا انکار حضرت ع از قبول حکومت بعد از عثمان تا اینکه اصرار مردم شدت گرفت و بعداً قبول آن از انها پیچیده و باز پیچیده تر نیست؟!

(۱۲) آیا خودداری حضرت ع از قبض بر فدک در زمان حکومت خود با تأثرات دردناک حضرت سیدهٔ عالمیان در این باب تا آخر نفس خود، امری پیچیده نیست؟!

و همین طور در سیرت هر یکی از ائمهٔ معصومین علیهم السلام

www.kitabmart.in

چه تفاوتی بنظر می رسد که در نگاه های عادی ما
پیچیده بنظر می آید پس چرا این همه در حوزه های
علمیه بان سبک درسهای عالی اجتهادی (خارج)
از طرف علمای ما از اول مورد تشویق قرار گرفته
است

www.kitabmart.in

نشد و نمی شود - چرا؟

راست است که عمل امام باید مورد تأسی باشد چون
باجماع امت از مآخذ احکام کتاب و سنت است
و سنت عبارت است از قول معصوم و فعل معصوم و تقریر
معصوم چنانکه بسیاری از افعال معصومین ع در ابواب
طهارت و صلوة و حج و نکاح و میراث و غیر آن مورد
بحث در کتب فقهیه برای استنباط احکام می شود
ولی عمل معصوم که مورد تأسی می شود باید معلوم الوجه باشد
و دانستن وجه فعل امام در امثال آن مسائل تاریخیه که
سابقا بیان شد بسته است بمطالعاتی در احوال سابقه و
اوضاع حالیه آن عمل که بسیاری از مصادر تاریخی اش
در دست نداریم و آنچه داریم نه مفید قطع است که
مبنای اعتقاد باشد و نه بحد ظنون خاصه است
که بنای استنباط احکام بر آنست پس هرگاه کتاب
تاریخی بنویسیم لابد از نظر بقرائن و مقتضیات احوال

www.kitabmart.in

آرائی را راجع بآن مسائل ابداء می کنیم و می کوشیم که به نتیجه
برسیم و قارئین کتاب را برسانیم ولی نمی توانیم در دروس
خارجیه فقهیه آنها را مبنای حکمی از احکام عملیه قرار دهیم
و چنانکه آیاتی از قرآن که از قبیل متشابهات
است لابد در تلاوت می آید و ثواب تلاوت بر آن مترتب
می شود و ایمان اجمالی بر آنها جزء اسلام است همین
طور همچنین افعال امام را آیات متشابهه از قرآن ناطق
باید دانست که ذکر آنها در مجالس و استماع
البته مورد ثواب عظیم است و آثاری از قبیل بکاء و
ابکاء هم بر آن مترتب می شود و مورد اجر و ثواب می باشد
ولی نمی توانیم آنها را در دروس خارجیه مبنای یک فتوی
قرار دهیم که مردم بر آن عمل کنند.

www.kitabmart.in

# آنچه شاگردان امام صادق علیه السلام نوشته اند

باید دانست که خوان نعمت علمی حضرت امام صادق علیه السلام چنان گسترده بود که هر کسی حق داشت از آن مائده انعام الهی بهره گیرد و کسانیکه از آن سفره ریزه های می چیدند از شاگردان حضرت محسوب می شدند یا خودشان را محسوب می نمودند، چه دوست باشند، چه دشمن، چه مومن باشند، چه منافق.

طوریکه اصحاب حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم همه شاگردان حضرت پیغمبر محسوب می شوند ولی ما نمی توانیم قول هر یکی از آنها را حجت شرعیه بدانیم، همانطور اصحاب حضرت صادق را که حافظ ابن عقده عدد شان را بچهار هزار رسانیده است ما نمی توانیم تماماً عدل و ثقه بدانیم پس کسیکه می خواهد ما را بلفظ "شاگردان امام صادق علیه السلام" بترساند، لازم است که شخصیت آن شاگردان را از روی مرویات خودشان هم بسنجد که شیعه بودند یا نه و باز در کتب رجال

(۱) شهید جاوید پیش نهاد - صفحه پنج

www.kitabmart.in

نگاه کند که بر فرض شیعه بودن توثیق آنها شده است

یا نه ؟!

www.kitabmart.in

ابو مخنف و هشام کلبی چه کس بودند؟

هر کسی مرویات این هر دو را در کتب تاریخ
ببیند می تواند تصدیق نکند که بسیاری از منقولات
آنها به عقائد شیعه برمی خورد و کشف می شود که این
هر دو شیعهٔ امامی نبودند و اگر شخصا میل بجانب شیعه
داشته تمام باشند از این جهت در بعض کتب آنها را شیعه
نوشته باشند، ولی کتابهائی که آنها در تاریخ نوشته اند
از مرویات شیعه جمع نیاورده اند بلکه بسیاری از روایات
را از غیر شیعه گرفته اند

www.kitabmart.in

## تصویر غلط

وقتیکه گفته می‌شود "دو نفر از شاگردان برجسته
امام جعفر صادق علیه السلام تالیف کرده اند" در
ذهن بسیاری از مردم این طور نقش می‌بندد که این
کتابهای خودشان را از افادات حضرت صادق علیه السلام
جمع آورده اند پس مطالب این هر دو کتاب نه تنها ارزش
تاریخی دارد بلکه ارزش دینی را هم دارا است. ولی
حقیقت این است که بسیاری از اشخاص بودند که گاه گاهی
در مجلس درس حضرت صادق علیه السلام رسیده دو سه
حدیث از احکام شنیدند و از شاگردان حضرت محسوب
شدند ولی آنها مثلا علاقه بموضوع تاریخ داشتند پس کتب
تاریخی نوشتند یا مربوط بموضوع سیر چیزی نوشتند و
در مندرجات این کتب هیچ استفاده از حضرت صادق نکردند

---

شهید جاوید ص ۴

www.kitabmart.in

دلیل بسیار قوی بر این مطلب این است که در تاریخ
سعایی یافت می شود نظیر بل جل چنانکه در کتاب
"شهید جاوید" ص ۷۷ عنوان قرار داده

"دو شکل" در ضمن آن می نویسد *

"آنچه مسلم است مؤرخان اسلامی که در قرن دوم
هجری تازه شروع بنوشتن تاریخ نموده اند نتوانسته اند
مسلم بن عقیل را بدست آورند و بنویسند ——
مؤرخان نتوانسته اند این مشکل را حل کنند"

اگر آن دو شخص صاحبان مقتل کتابهای خودشان
را همچون حضرت امام جعفر صادق نوشته بودند چرا از حضرت
حل این گونه مشکلها را نپرسیدند و اگر در این باب آنها
هیچ رابطه بحضرت صادق نداشتند، چرا آدم باید
عبارت که "آنچه شاگردان امام صادق علیه السلام نوشته اند"
بردم را گول دهد؟!

* ص ۸۰

www.kitabmart.in

و هرچه در کتب رجال تفحص می‌کنیم توثیق آنها نشده است
که حدیث آنها بدرجهٔ صحت برسد. علاوه بر این
آنها شخصاً و عیناً شاگرد حضرت صادق علیه السلام باشند
ولی یک روایتی هم از مرویات آنها در تاریخ منقول از
حضرت صادق علیه السلام نیست، پس آنچه آنها
در تاریخ نوشته‌اند، لابد منقول از اشخاص دیگر است که
برای ما مجهول اند.

www.kitabmart.in

آیا نوشته‌های کلبی و ابومخنف بدست ما رسیده؟

بعد از تسالم بر اینکه کتابی که باسم "مقتل ابی مخنف" در دست ما هست و در بازارها فروش می‌رود، قطعی البطلان است (۱) باید قبول کرد که اصل نوشته‌های ابومخنف و کلبی بدست ما نرسیده (۲). آنچه هست این است که "مطالبی را که تاریخ طبری در موضوع قیام امام حسین علیه السلام نوشته از دو کتاب نام برده نقل کرده (۳)

آنوقت اگر بالفرض ابومخنف و کلبی موثق هم باشند، باید دید که مقام طبری در اعتبار چیست؟

---

(۱) شهید جاوید حاشیه ص ۲۸۰ و ۲۸۱ "کتاب پر افسانه‌ای که بنام مقتل ابی مخنف معروف است و بضمیمه جلد دهم بحار نیز چاپ شده — این کتاب است پر از دروغ و افترا — محدث نوری در لؤلؤ و مرجان ص ۱۵۶ در باره این کتاب می‌گوید "این مقتل موجود که به ابی مخنف نسبت می‌دهند مشتمل است بر بعضی مطالب منکره مخالف اصول مذهب و البته آنرا اعادی و جهال بجهت پاره‌ای از اغراض فاسده در آن کتاب وصل کرده‌اند ~~(۲) شهید جاوید حاشیه ص ۲۸۱ این کتاب~~ ص ۴۶۹ در ضمن مدارک کتاب "مقتل منسوب بابی مخنف مجهول المؤلف"

(۲) شهید جاوید حاشیه ص ۲۸۱ "این کتاب غیر از آن مقتل ابی مخنف است که طبری از آن نقل می‌کند و آن کتاب پر ارزشی بود که متاسفانه بر دسترس ما نیست (۳) شهید جاوید ص ۴

www.kitabmart.in

## مقدار طبری در میزان اعتبار

طبری یکی از اجلهٔ علمای اهل سنت است و بنده هم بحسب
و از این تاریخی برفعت مقامش قائل هستم و در کتب خود
بسیار از آن نقل کرده‌ام و می‌کنم ولی مزیتی که طبری
در مقام تاریخ نویسی دارد این است که او هرچه باو
رسید با دیانت و امانت نقل کرده حتی چیزهایی که مخالف
نزعهٔ سنیتش باشد هم می‌نویسد و از این است
که بعض متعصبین نویسندگان سنی چون می‌بینند که بعضی
از نوشته‌های طبری بعقائدشان برمی‌خورد بنا کرده‌اند
که او را بجلوه آرند که شیعی بوده ولی خیلی چیزها هم نوشته
که بعقائد شیعه برمی‌خورد از این جهت ما نمی‌توانیم قبول
بکنیم و حقیقت هم این است که او از ما نبوده
آیا نقل شریف رضی ره یک فقره از مجلدات
سیزده گانه تاریخ طبری را در نهج البلاغه ای که متجاوز از

www.kitabmart.in

پانصد صفحه دارد و بنقل شیخ طوسی در یک جا یا چند جائی
از کتاب تلخیص الشافی که در مقابل سنیها نوشته شده
و باید در مقام استدلال از کتب سنیها نقل شود،
طبری مقامی را دارا می شود که مطالبه شود از علمای
طراز اول که ~~[illegible]~~ منقولات وی را در حوزه
های علمیه برای استنباط احکام شرعیه مورد بحث
قرار دهند

www.kitabmart.in

# جنبهٔ بشری امام

صحیح است که پیغمبر و امام دارای دو جنبه هستند :-

۱- جنبه ملکوتی ۲- جنبهٔ بشری

ولی از نظر جنبهٔ بشری هم "هم سطح مردم دیگر" (۱)
نیستند و الا چرا آنها متبوع باشند و مردم دیگر
تابع و چرا افعال آنها سرمشق مردم دیگر باشد؟
و چرا مابین آنها و دیگران این فرق باشد که حضرت
امیرالمؤمنین ع بفرماید : انا صنائع ربنا والناس
بعد صنائع لنا ؛ (۲)

پس آنها در جنبهٔ بشری مشارک ما هستند ولی
سطح بشریت آنها بآن بلندی است که با مرتبهٔ جنبهٔ
ملکوتی شان سازگار باشد

---

(۱) شهید جاوید "پیش نهاد لازم الاجرا" ص شش آمده
"از نظر جنبهٔ بشری هم سطح مردم دیگر میخوردند و می نوشتند
مریض می شوند و می میرند"

(۲) نهج البلاغه نامه ۲۸ منقول در "شهید جاوید" "پیش نهاد" صفحه شش

www.kitabmart.in

## نکتهٔ بسیار مهم

کیفیاتی که برای پیغمبر و امام بحسب جنبهٔ ملکوتی شان است مثل آنکه

(۱) آنها مهبط ملائکه اند (۲) آنها منزل وحی و مورد الهام اند (۳) آنها حامل علوم لدنیه اند

و افعالی که از آنها بحسب این جنبه بصدور می آید مانند :—

(۱) اظهار معجزات (۲) اخبار از علوم غیبیه

هیچ کدام قابل تأسی و لائق تقلید برای عامهٔ خلائق نیست پس آنچه امر باتباع آن شده و سرمشق برای ما قرار داده شده همان افعالی است که از آنها بحسب جنبهٔ بشری بظهور می رسد پس اگر آنها بحسب جنبهٔ بشری هم سطح مردم دیگر باشند چنانکه نظر نویسنده شهید جاوید است چرا باید افعال آنها سرمشق ما باشد ؟!

www.kitabmart.in

# علم غیب

با اقرار باینکه ائمه اهل بیت ع علاوه بر علوم الهامی که دارند وارث علوم انبیاء و ملائکه و علوم خاتم پیغمبران صلی الله علیه و آله و سلم می باشند" (۱) کاستن از آن باینکه "البته علوم اختصاصی خداوند از این کلی خارج است" (۲) و در جاهای دیگر از این علوم اختصاصی جای مردن خود یا کسی دیگر را قرار داده بحجت، وما تدری نفس بای ارض تموت" (۳)

ولی در قرآن، ما تدری نفس بارض تموت تنها وارد نشده بلکه با چیزهای دیگر است که ۱ـ

(۱) علم الساعة (۲) ینزل الغیث

(۳) یعلم ما فی الارحام (۴) وما تدری نفس ماذا تکسب غدا (سوره لقمان ع ۳)

(۵) ما تخرج من ثمرات من اکمامها

(۶) وما تحمل من انثی ولا تضع الا بعلمه (حم سجده ۴۷)

---

(۱) شهید جاوید - پیش نهاد صفحه هفت

(۲) حاشیه صفحه ~~هفت~~ پیش نهاد (۳) شهید جاوید حاشیه ص ۲۴۸

"مصلحت چنین بوده است که مکان شهادت آنحضرت هم بطور دقیق مشخص نباشد و ممکن است

www.kitabmart.in

پس اگر ما همه اینها را از آن کل خارج کنیم دیگر
آن کان وما یکون و ما هو کائن که امام عالم
آنست چیست (۱) و چطور امیرالمؤمنین علیه السلام
پیش از ششصد سال قبل از زمان مغولیها
از خونریزیها و کشتارهای آنان و از وضع قیافه‌ها
و لباسها و اسبهای این گروه آدم کش خبر میدهد (۲)
پس حق این است که این همه چیزها از علم اختصاصی
خداوند باین معنی است که بدون عطای او برای هیچ کس
حاصل نمی‌شود چنانکه فرموده: لا یحیطون بشیئ
من علمه الا بما شاء (بقره ۲۵۵)
ولی ما نمی‌توانیم بر عطای او حجر کنیم و این بخشش او
منوط بنظر حکمت او است. گاهی حکمت وی
اقتضای حجب می‌دارد و گاهی مقتضی عطا می‌شود
پس چنانکه حکم بایجاب کلی در این باب درست نیست،

(۱) شهید جاوید پیش نهاد صفحه هفت
(۲) صفحه هشت

www.kitabmart.in

سلب کل هم در هیچ شعبه از شعبه های علم غیب
صحیح نمی باشد

www.kitabmart.in

# عمل بمجاری طبیعی و علم عادی

بلی، راست است که امام مکلف بر عمل طبق علم غیب
نیست بلکه بر طبق موازین عادی و علم طبیعی عمل می کند
و مکلف بهمین است، بنابرین قیام حضرت سید الشهداء ع
نیز باید بر اساس موازین عادی بررسی شود و عیب
ندارد که کتابی که در این موضوع نوشته شود عمل
حضرت حسین علیه السلام را از نظر مجاری عادی
و با صرف نظر از معتقدات دینی ما که در باب جنبهٔ ملکوتی
و علم غیب امام علیه السلام است بررسی کند تا عمل
سبط پیغمبر ص بتواند سرمشق مردم دیگر واقع گردد. ✗
ولی چنانکه سابقا گفته شد، بشریت نبی و امام هم
هم سطح مردم عادی نیست بلکه بمناسبت علو مرتبهٔ ملکوتی
ایشان از مستوای بشریت دیگران بلند تر است. پس
همچنانکه نبی و امام با اینکه بشر اند، از سهو و نسیان بری اند

---

✗ شهید جاوید پیش نهاد صفحه یازده

www.kitabmart.in

طوریکه بعد از گذشتن دورهٔ قمیّین مابین شیعه
مجمع علیه شده است بلکه باید از ضروریات مذهب
شیعه شمرده شود، همین طور ملکه بررسی احوال و عواقب
در آنها نسبت بدیگران بمراتبی بلندتر از دیگران
باید باشد که نمی توان قبول کرد که آنها در اشتباهاتی
مبتلا می شوند که عواقب وخیمه از روی اشتباهات
بر آنها مترتب شود و حتی عواقبی که مردم عادی بعلوم
عادیهٔ شان بر می رسند و می کوشند که آنها را ملتفت
کنند ولی آنها بحرفهای ایشان گوش نمی دهند و آن
عواقب را بر نمی رسند.

آیا این معنی بجلالت قدر و علو قدر یک هادی ملت و زعیم
مطلق خلق در دین و دنیا شایان است، تعالوا
عما یقول الظالمون.

پس برای کتابی هم که «نهضت حسین بن علی علیه السلام»
را از نظر مجاری عادی و با صرف نظر از علم غیب امام
بررسی کرده باشد ✱ روا نیست که از علو مرتبه

---

✱ شهید جاوید پیش نهاد ص یازده

www.kitabmart.in

# عواقب و خیمهٔ قیام حسینی حسب نظر

## نویسندهٔ «شهید جاوید»

۱ـ «خسارت جبران ناپذیر» که در فاجعهٔ اسف انگیز کربلا علاوه بر زیانهای مالی یک عده از شریف ترین و برگزیده ترین رجال اسلامی و ذخائر بزرگ ارزشمندی که دارای عالی ترین صفات انسانی و نمونه های کامل مکتب قرآن بودند طعمهٔ آتش جنگ شدند و خانواده های آنان بی سرپرست و پریشان گشتند (۱)

۲ـ «ذلت مردم» که باید گفت پس از کشته شدن امام حسین مردم مسلمان در برابر حکومت یزید ذلیل تر و زبون تر شدند زیرا با کشته شدن امام آرزوهای آنان بر باد رفته و امیدها به ناامیدی مبدل گشته و خود را شکست خورده و بی پناه میدیدند (۲)

۳ـ «ضربت خوردن اسلام» (۳)

---

(۱) شهید جاوید ص ۳۳۹ (۲) ص ۳۴۰

(۳) ص ۳۴۲

www.kitabmart.in

۴- "شکست علمی" بعضی از بزرگان فرموده اند

"در سراسر فقه شیعه حدیثی از امام حسین نقل نشده و بعضی فرموده اند فقط یک حدیث از آنحضرت نقل شده است (۱)

"یک علت اساسی اینکه از سید الشهداء ع اخباری در فقه نقل نشده همان کشته شدن آنحضرت بود (۲)

۵- محیط مسموم: حکومت ضد اسلام بنی امیه پس از شهادت امام کوشش می کرد با تبلیغات وابسته داری آنحضرت را یک فرد مهاجم و طغیانگر (العیاذ بالله) معرفی کند (۳)

بدیهی است این تبلیغات سوء چون بوسیله دستگاههای دولت بنی امیه و با پول بیحساب خزانه مملکت انجام می شد تاثیر چشمگیری در قشرهای مختلف مردم کرده و افکار عمومی را نسبت به امام علیه السلام بدبین مینمود و محیط فکری مردم را مسموم می کرد (۴)

۶- محیط اسلامی بر اثر تبلیغات مسموم حکومت بنی امیه باندازه ای آلوده شده و افکار مردم بی خبر بطوری پر

(۱) شهید جاوید ص ۳۴۴ - (۲) کتاب ام بره ص ۳۴۶
(۳) ص ۳۴۹ (۴) ص ۳۵۰

www.kitabmart.in

ضد امام حسینؑ تحریک گشته بود که قشرهای وسیعی از
همین مسلمانانی که بجد آنحضرت ایمان داشتند امام را
(العیاذ بالله) از دین بیگانه می پنداشتند و تازه
باید ثابت کرد که آنحضرت از دین بیگانه نبوده است (۱)

(۱) شهید جاوید ص ۳۵۳

www.kitabmart.in

ملتفت بودن مردم عادی باین عواقب

حسب تصریحات «شهید جاوید» مردم عادی ملتفت باین
عواقب بوده اند چنانکه نوشته:
«عبدالله بن مطیع سیاستمدار معروف که در شورشهای
ضد بنی امیه نقش مؤثری داشت وقتی که بین مکه و مدینه
امام حسین ع را ملاقات کرد، ضمن سخنانش با آنحضرت گفت
لئن هلکت لنسترقن بعدک اگر تو کشته شوی حکومت
موجود ما را برده و اسیر خود خواهد کرد.
زید بن ارقم پیرمرد صحابی آنگاه که با خشم و تنفر از
مجلس عبیدالله بن زیاد خارج گشت گفت «انتم
معشر العرب العبید بعد الیوم قتلتم ابن فاطمة
امرتم ابن مرجانة»
«شما که پسر فاطمه را کشتید و پسر مرجانه را بحکومت پذیرفتید
از این پس بردگان حکومت خواهید بود.
آنچه عبدالله بن مطیع و زید بن ارقم گفتند وقوع پیوست
و پس از حادثه کربلا مردم بردگان دستگاه حکومت
شدند
از ابو اسحاق سبیعی پرسیدند * مردم چه وقت ذلیل شدند

www.kitabmart.in

گفت : حین قتل الحسین آنگاه که امام حسین ع
را کشتند (۱)

عبدالله بن جعفر ضمن نامه ای به امام حسین ع می نویسد

ان هلکت طفی نور الارض

" اگر تو کشته شوی نور زمین خاموش می شود (۲)

(۱) شهید جاوید ص ۳۴۱ (۲) ص ۳۴۴

www.kitabmart.in

# حاصل سخن

معلوم است که عبدالله بن مطیع و زید بن ارقم و ابو
سبیعی و عبدالله بن جعفر هیچ کدامشان دارای علم
نبوده و هرچه اینها می گفتند از روی مجاری طبیعی
علم عادی بوده، با این آنچه اینها گفته بودند همه اش
در وقت آتی بوقوع پیوست پس اگر فرض شود طور
نظر شهید جاوید است که امام با این عواقب (عیاذ
ملتفت نبوده، مرتبه اش در عقل عمومی فروتر از مر
دیگران می شود،
هر کسی که صاحب وجدان باشد می تواند ادراک نماید که کس
ملتفت نشود بعواقبی که مردم عادی ملتفت آن باشند
از روی اشتباهات هم خودش را در ورطه خطر بیندازد و هم
مردم را بآن عواقب وخیمه مبتلا کند، ابداً لائق نیست که عمل
سرمشق مردم دیگر واقع شود پس آیا باید کسی احتمال
بدهد چه برسد باین که عقیده داشته باشد که امام حسین

www.kitabmart.in

که عقلش چکیدهٔ عقل پیغمبر است" (۱) و "افق دیدش
از مردم عادی خیلی وسیع تر است" (۲) چیزهای را نداند
که اشخاص عادی نظر بمجاری طبیعی و علم عادی می دانستند
از روی اشتباه (والعیاذ بالله) قدمی بردارد که چنان عواقب
وخیمه بران مرتب بشود. "آیا چنین مطلبی را می توان
امام که بزرگترین و عاقل ترین شخصیت جهان اسلام است
نسبت داد" (۳)

(۱) شهید جاوید ص ۴۸ (۲) ص ۳۱۶ (۳) ص ۴۸

www.kitabmart.in

# عمل امام چه گونه بود؟

کسانی که درباره قیام مقدس امام حسین علیه السلام
و برنامه آنحضرت نظریات گوناگونی بوجود آورده اند
اول باید مشخص کنند که قدمی که امام برداشته ایجابی بود
یا سلبی؟ اگر آنقدم ایجابی باشد، البته بحثی در آن
می رود که مقصود اش از این عمل چه بود؟ و تعبیر از آن
باسم نهضت و ثوره و مانند آن درست است و اگر واقعا
آنقدم سلبی باشد، پس بحثی که لازم است در این است
که آخر حضرت ترک کاری که ترکش منجر شد بانجام عواقب
بعدی چرا اختیار فرموده و لازمش بحث در این است
که آخر آن کار چه عیبها و منقصتها داشت که امام برای
آن کار حاضر شد و برای کشیدن تمام آنچه بر ترک آن
مترتب شود حاضر گردید و چون آخرین نتیجه که برآ
مترتب شدنی بود کشته شدن و اسیر شدن عیال و اطف
است پس همین است که تعبیر از آن باین عبارت می شود

www.kitabmart.in

که حضرت برای کشته شدن و اسیر شدن عائله اش حاضر شد
و چون ترک آن عمل که بران این همه عواقب مترتب می شود
مبنی بر رضای الهی است که بآن متعلق است از این جهت
می فرمود که شاء الله ان یرانی قتیلا و شاء الله
ان یراهن سبایا . یعنی تعلق مشیت بآن بلا واسطه
نیست بلکه بواسطهٔ آن امریست که منجر می شود باین
نتائج و همان انکاری که بران کشته شدن حضرت مترتب
شد چون سبب بقای اسلام بود از این جهت
می گوئیم که کشته شدن حضرت سبب حیات جاودان اسلام
شد چنانکه خواجه چشت گفت :
حقا که بنای لا اله است حسین

www.kitabmart.in

# قیام ابتدائی یا قیام دفاعی؟

خود "شہید جاوید" گفتہ :-

"قیام مسلحانہ بر دو قسم است :- ۱- ابتدائی

۲- دفاعی ۔

قیام ابتدائی آنست کہ شخصی یا جمعیتی نارا

باشد یا بفکر تشکیل حکومت بیفتد و بدون اینکہ

آن شخص یا جمعیت از طرف دستگاہ حکومت مورد تجاوز

واقع شود بر ضد حکومت موجود دست قیام و انقلاب

مسلحانہ بزند برای در ہم کوبیدن حکومت تمام قدرت

خود را بکار ببرد

و قیام دفاعی آنست کہ شخصی یا جمعیتی از طرف دستگاہ

حکومت یا دستگاہ دیگری مورد تجاوز واقع شود و برای

حفظ و نگہداری خود یا مرام و مسلک یا دین و مذہب

یا شرف و حیثیت خود جنبش کند کہ آن تہاجم را دفع

کند"

---

۴۰ "شہید جاوید" ص ۱۱۰ و ۱۱۱

www.kitabmart.in

بهتر این است که اینطور قیام بنام مقاومت خوانده شود زیرا در اینصورت، قیام فقط ایستادگی در برابر تجاوز است (۱)

پس از تامل کامل در مدارک تاریخی چنین معلوم می شود که قیام امام با تهاجم حکومت شروع شده (۲)

" حکومت یزید با تکامی قدرت سر نیزه خود از امام خواسته است که قبل از هر چیز خلافت فرزند معاویه را بر سمیت بشناسد و تسلیم بی قید و شرط وی گردد و درباره این مطلب بقدری پافشاری و سختگیری کرد که حسین بن علی در معرض خطر بازداشت و شاید هم کشته شد و قرار گرفت و قیام خود را از همینجا شروع.

پس قیام امام با تهاجم حکومت یزید شروع شده است (۳)

---

(۱) شهید جاوید ص ۱۱۳ (۲) ص ۱۱۶

(۳) ص ۶

www.kitabmart.in

## اشتباه

حالانکہ واقع این طور است کہ قیام امام قیام ابتدائی نبوده پس کسانیکہ قیام امام را بلفظ نهضت و نوره و مانند آن تعبیر می کنند مثل علامہ سید بہت الدین شہرستانی کہ کتابش را «نهضة الحسین» نامیده، و لو خود شان در اشتباه نباشند ولی این تعبیر دیگران را در اشتباه می اندازد و ایہام قیام ابتدائی پیدا می کند کہ خلاف حقیقت است.

www.kitabmart.in

## توجه

حالا که مسلّم شد که قیام امام قیام ابتدائی نبود، قیام دفاعی بود، باید فهمید که تشکیل حکومت فریضهٔ امام نیست والّا باید حضرت ع در ادای وظیفهٔ خود، قیام ابتدائی نماید.

چرا باید منتظر باشد که ابتداء و تهاجم از طرف مخالف شده باشد، آنوقت حضرت در مقابل آن هرچه بتواند بکند و برای دفاع بکوشد.

www.kitabmart.in

# اقدام از جانب کیست؟

چون معلوم شد که قیام امام قیام دفاعی بود لازماً مشخص
می شود که اقدام از جانب مخالف است. حالا اگر اقدام
از جانب امام حسین می بود، آنوقت مقصود حضرت را از
اقدام او می بایست فهمید. ولی چون اقدام از جانب یزید
بود پس باید مقصود یزید بررسی شود که او این قدم برای چه
برداشت. آن وقت می توان فهمید که امتناع حضرت امام حسین
علیه الصلوة والسلام از تسلیم شدن بدست یزید چه
اهمیتی دارد.

بدون این ملاحظه ها هر چه گفته شده و گفته می شود در این
زمینه همه بی اساس است ولو گوینده هایش اشخاصی
باشند که در دوره ازادوار ماضی مراجع تقلید بودند

~~از این امر بنظر پیروان نظر فراموش شده هم مسلم است که اقدام~~
~~از جانب یزید بود. بین شهید جاوید ص ع حکومت یزید~~
~~با تکای قدرت سر نیزه خود از امام خواسته است که قبل از هر چیز~~
~~خلافت فرزند معاویه را برسمیت بشناسد و تسلیم بی قید و شرط وی~~
~~گردد و در باره این مطلب بقدری پافشارد سخت گیر بود که حسین بن علی ع~~

www.kitabmart.in

# اقدام از جانب کیست؟

چون معلوم شد که قیام امام ع قیام دفاعی بود، لازماً مشخص می‌شود که اقدام از جانب مخالف است. حالا اگر اقدام از جانب امام حسین ع می‌بود، آنوقت مقصود حضرت ع را از اقدام او می‌بایست فهمید. ولی چون اقدام از جانب یزید بود پس باید مقصود یزید بررسی شود که او این قدم برای چه برداشت. آن وقت می‌توان فهمید که امتناع حضرت امام حسین علیه الصلوة والسلام از تسلیم شدن بدست یزید چه اهمیتی دارد.

بدون این ملاحظه‌ها هر چه گفته شده و گفته می‌شود در این زمینه همه بی اساس است ولو گوینده‌هایش اشخاصی باشند که در دورهٔ از ادوار ماضی مراجع تقلید بودند.

~~از این امر بنظر پیرو این نظر فراموش شده هم مسلم است که اقدام از جانب یزید بود. بین شهید جاوید ص ع حکومت یزید با تکای قدرت سر نیزه خود از امام خواسته است که قبل از هر چیز خلافت فرزند معاویه را برسمیت بشناسد و تسلیم بی قید و شرط وی گردد و در باره این مطلب بقدری پافشارد سخت گیر بود که حسین بن علی ع~~

www.kitabmart.in

معلوم می شود که این نظر با مرتکزات ذهنیه جمهور علمای شیعه
بر می خورد. از این رو در خلال یکهزار سال با وجود یکه چندین
صد بزرگان علمای شیعه بوجود آمدند که عدهٔ زیادی از آنها
از پایه گزاران اسلوب علمی و اجتهادی در فقه و اصول و
تفسیر و کلام بشمار می روند و دارای روش تحقیقی و اجتهادی
در علوم اسلامی می باشند، آن نظر مورد اعتناء نه شد
و حقیقت این است که این نظر فراموش نشده بود بلکه جمهور علمای
شیعه او را لائق قبول ندانستند منتهی اینکه بعضی او را
به مورد طعن قرار دادند و برخی از جانب سید علم الهدی ~~اعتذار~~ عذر
~~کرده~~ آوردند که او در مقام مناظره با سنیها بحسب مسلمات
آنها حرف زده و عقیده اش این نبود چنانکه ملا آقا
دربندی علیه الرحمه تحت عنوان :-

ما العذر فی خروجه من مکة باهله وعیاله | بچه سبب حضرت از مکه با زن و بچه بیرون آمد

می نویسد :-

۴۶ وما ذکره السید المرتضی | و آنچه سید مرتضی در توجیه آن

www.kitabmart.in

فی تحقیقه انما هو علی ما
علیه دیدن السید فی مباحثاته
واجوبته عن العویصات
والمعضلات من الزام
العامة وافحام اهل الضلال
والخلاف علی بناء الامر
علی ذکر المقدمات
المتسالمة والقواعد و
الوجوه المقبولة عندهم

ذکر نموده، تنها بر حسب عادت سید
است در مباحثات و جوابهای خود در حل
مشکلات و مسائل پیچیده در الزام سفیها
و خاموش نمودن مخالفین حق
از بنا کردن بر مقدماتی که
پیش آنها مسلم و قواعد و
اصولیکه نزد آنها
محل قبول باشد

باز می گوید :—

المتراءی من ظاهر کلام
المحقق المجلسی ان ذلک
من السید المرتضی انما
هو من باب ما علیه اعتقاده
کلا ثم کلا . حاشا ثم حاشا
ان یکون اعتقاد المرتضی
علی ذلک

از ظاهر کلام علامه مجلسی
چنان بنظر می آید که این
از سید مرتضی از باب امور است که
بر آن اعتقاد او است - حاشا
و کلا - حاشا ثم حاشا
از اینکه اعتقاد سید مرتضی
بر این باشد

www.kitabmart.in

# متقدّمین با متأخّرین

باید دانست که در مقام نقل اخبار متقدّمین بواسطهٔ
قرب عهد، البته قوی تر است از روایات متأخّرین
ولی در مقام استنباط و استنتاج غالباً رأی متأخّرین
اقرب بصواب می باشد نسبت بآراء متقدّمین و از
همین جهت باب اجتهاد پیش ما مفتوح مانده و اگر بنا باشد
که ما را کسی بترساند از اقوال بزرگان دور سابق "چون
بزمان ائمهٔ معصومین نزدیک تر بوده اند" پس باید در باب
عقائد قول صدوق و قمیین دیگر را که جملهٔ از آنها متقدم تر از
صدوق بودند راجع بتجویز سهو و نسیان بر نبی و امام قبول کنیم
و بگوئیم که قائل شدن به برائت آنها از سهو و نسیان درجه
از غلو است و در فقهیات اتفاق کسانیکه پیش از محقق
حلی بودند بر انفعال چاه بملاقات نجاست را مقدم
داریم بر اجماع متأخّرین که قائل اند بجریان کلم آب جاری
بر چاه ولو آبش قلیل باشد و و و و

www.kitabmart.in



و این مقتضی سد باب اجتهاد است حتی در فقهیات ،
چه برسد بباب عقیدۂ و تاریخ که تقلید در انها زمینه
ندارد .

www.kitabmart.in



# بسیار عجیب بلکه از اعجب عجائب

حالا نظر مرحوم شیخ طوسی و سید مرتضی علم الهدی که بعد از ایشان تا هزار سال جلوی چندین صد از علماء و مجتهدین و [illegible] پایه گزاران اجتهاد در دین بوده و مورد تبع انها نگردیده — تا بزرگی یکی از نویسندگان می خواهد که حضرت امام حسین صلوات الله علیه را ملزم گرداند که او نیز سیصد سال پیشتر باید اتباع نظر شیخ و سید نماید چنانکه بگوید —

" رئیس فقهای شیعه مرحوم شیخ طوسی قدس سره (چنان) می فرماید — و استاد شیخ طوسی عالم بزرگوار مرحوم سید مرتضی علم الهدی قدس سره (چنان) می فرماید —

" در صورتیکه شیخ طوسی رحمة الله علیه در این مطلب تردید دارد — و سید مرتضی رحمة الله صریحاً می گوید حرام است چگونه می توان بی پروا این نسبت را با امام داد "

معنی فقره اخیری این است که چگونه (امام علیه السلام) بی پروا مخالفت این دو عالم بزرگوار می نماید —

---

شهید جاوید ص ۲۲۵

www.kitabmart.in

آیا این تصور یا تصویر از قلم یک نویسنده شیعی مایهٔ تعجب یا اسف آور نیست؟

## بر این هم بس نه

حکم بر امام بنا بر فتوای آقایان

بر بنای اصول مذهب بالیقین می دانیم که بایست عمل امام بنای فتاوای فقهاء باشد ولی پیرو نظر فرامرزش شده می خواهد حکم بر امام کند بنا بر فتاوای آقایان و آن هم بچه الفاظ جسورانه که :—

"اگر امام حسین دانسته برای کشته شدن رفته باشد بنا بر قول شیخ طوسی کار شبهه ناک انجام دادی و بنا بر قول سید مرتضی کار حرامی کرده است. در این صورت نه تنها از مقام عصمت تنزل می کند بلکه از عدالت هم ساقط می شود یعنی از حد یک امام جماعت هم پائین تر می آید" [1]

آه! بیچاره حضرت سید الشهداء علیه السلام! حالا نه تنها امامتش بلکه درجهٔ عدالتش هم که بحد امام جماعت باشد موقوف شده بر عمل بر فتوای شیخ طوسی یا سید مرتضی. و این تصوریست که تکاد السموات یتفطرن منه وتنشق الارض وتخر الجبال هدا

---

[1] شهید جاوید ص ۴۵۶

www.kitabmart.in

## با نظر سنیها چه فرق دارد؟

چون می بینیم که یک گروه با انصاف از اهل سنت قیام آنحضرت را یک قیام اصلاحی غیر قابل اجتناب در مورد حکومت اسلامی دانسته و گروه دیگر از اهل سنت به حرکت امام با چشم انتقاد نگریسته و گفته اند جنبش حسین بن علی یک شورش ابتدائی بود که لازم بود حکومت وقت برای حفظ نظم و آرامش آن را سرکوب کند (۱)

بعد از این دو نظر که مابین اهلسنت وجود داشته و دارد "آن نظر فراموش شده" که بتازگی علم بیرحمی بر آن افراشته شده، چه خصوصیتی دارد تا علاوه بر آن دو نظر مستقلاً بشمار آید؟!

---

(۱) شهید جاوید پیشنهاد ص سیزده (۲) همین صفحه بعد از بیان آن دو نظر "نظر دیگری در حدود ده قرن پیش از طرف بزرگان علمای شیعه در باره قیام امام اظهار شده که در این اواخر تقریباً فراموش گشته و

www.kitabmart.in

آغاز بحث بر نظر فراموش شده"

با موافقت بر این طریق که "بررسی و تحقیق بر اساس منطق و استدلال - دنبال گشته باشد" زیرا اگر بحث جنبهٔ تحقیق تاریخی داشته باشد و از نظر تاریخ تجزیه و تحلیل شود فائدهٔ آن عمومی تر خواهد بود و مردم غیر شیعه نیز بمطالعهٔ آن رغبت خواهند کرد" و

چون این نظر فراموش شده در کتب کلامیهٔ شیعه ابداء شده و آن هم در مبحث امامت پس برای سنجیدن آن در باب موقف حسینی ناچاریم که یک ملاحظهٔ کلامی در رشتهٔ حکومت با امامت و مطالعهٔ تاریخی در محیط سیاسی اسلام بعد از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بنمائیم تا موقف حضرت امام حسین علیه السلام به اساس موقف اسلاف شان بررسی شود

---

و ایضاً شهید جاوید ص ۲

www.kitabmart.in

# امامت با حکومت

علمائے کلام می گویند :-

الامامة ریاسة عامة فی امور الدین والدنیا نیابة عن النبی ص

" امامت بمعنای ریاست عمومی در امور دین و دنیای مردم است بعنوان جانشینی پیغمبر ص "

پس چون این " ریاست " نیابة عن النبی ص است باید رشتهٔ حکومت با نبی ص بررسی شود آنوقت ما رشتهٔ حکومت با امام را هم برمی رسیم

قرآن در بسیار جاها امر باطاعت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فرموده :-

اطیعوا الله ورسوله (الانفال ۲۰ و ۴۶)

اطیعوا الله واطیعوا الرسول (مائده ۹۲)

ومن یطع الله ورسوله ویخش الله ویتقه فاولئک هم الفائزون (نور ۵۲)

---

[1] شهید جاوید ص ۵۹

www.kitabmart.in

واطیعوا الرسول لعلکم ترحمون (نور ۵۶)

النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم (احزاب ۶۷)

وما کان لمؤمن ولا مؤمنة اذا قضی الله ورسوله

امرا ان یکون لهم الخیرة من امرهم ومن یعص

الله ورسوله فقد ضل ضلالا مبینا (احزاب ۳۶)

همین وجوب اطاعت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم

بعنوان پیغمبر بود که از آن بحکومت پیغمبر تعبیر

می توان کرد.

این حکومت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم

را من جانب الله بصورت بعثت حاصل شده بود

که کار خدا است.

الله اعلم حیث یجعل رسالته (الانعام ۱۲۴)

نه اینکه حضرت مامور شده باشد بتشکیل حکومتی برای

خود. بعبارت دیگر حکومت منصب الهی بود که الله

سبحانه برسول سپرده — نه اینکه حکم تشریعی

بود که حضرت مکلف باشد بتاسیس حکومت یا

www.kitabmart.in

تشکیل آن برای خود یا دیگری.

پس حاکم مفترض الطاعه بودن صفتی است از جانب خدا که برای پیغمبر ثابت است و اطاعت نمودن از آن فریضه ایست که از جانب خدا بذمه خلق عائد گردیده و حقیقةً این همان اطاعت خدا است.

چیز دیگری نیست چنانکه می فرماید:

ومن یطع الرسول فقد اطاع الله (نساء ۸۰)

ورای این تصور حکومتی جزء دین نیست.

و آن وجوب اطاعت به حضرت پیغمبر اختصاص نداشت بلکه هر پیغمبری در دوره خود و دائره خویش مفترض الطاعه بود چنانکه قرآن می گوید:

وما ارسلنا من رسول الا لیطاع باذن الله (نساء ۶۴)

~~الا لیطاع باذن الله~~ ~~(نساء ۶۴)~~ اما هیچ کس از انها باستثنای معدودی چند مثل داود و سلیمان تشکیل حکومت نکرد.

و چون امام ریاستی که دارد به نیابت پیغمبر است پس رئیس امت یعنی مفترض الطاعه که نیست

www.kitabmart.in

مقتضای «واولی الامر منکم» (نساء ۱۵۹) از جانب
خدا است و اطاعت او فریضه ایست که از جانب
خدا برای امام بذمه خلق عائد می شود و دیگر تأسیس
حکومتی ورای آن بحکم تشریعی فریضه امام نیست و
نه سعی در تحصیلش بر امام واجب است.
و از این جهت در زیارت درباره ائمه اهل بیت علیهم السلام
وارد شده «و ساسة العباد» یعنی شما زمامداران و
سرپرستان بندگان هستید» (۱)
نه اینکه «ولتکونوا ساسة العباد» «باید شما زمامدار و
سرپرست بندگان شوید»
بعبارت دیگر انتم ساسة العباد جمله خبریه است که
دلالت بر ثبوت می کند نه انشاء که دلالت بر طلب بکند.

---

(۱) شهید جاوید ص ۵۹

www.kitabmart.in

و خود امام چون می بیند که فهم شخص مخاطب بعلل آن
کار نمی رسد، می فرماید: "شاء الله کذا
و چه کنم! مشیت الهی همین است"
معنای "وظیفه مخصوصه" بودن هم این نیست که
علتی و مصلحتی ندارد و معنای فرمایش شان
که شاء الله، این نیست که مصلحتی در آن نیست
چون پیش ما عدلیه احکام و افعال الهی هم معلل
باغراض است پس هیچ حکم و کار او و لازما
مشیت او "گزه" یعنی بی مصلحت نمی باشد
حقیقت این است که بحکم "البلاهة ادنی
الی الخلاص من فطنة بتراء" از دریچه چ
یک فرد شیعه ساده" دیدن و "بیک جمله کوتاه
به بحث و گفتگو خاتمه دادن و گفتن که "حسین بن
امام بود و وظیفه مخصوص داشت که بآن عمل کرد
جای هیچ گونه بحث و گفتگو و چون و چرا نیست
نزدیک تر بصواب است از نظر چندین
بزرگ که عمل امام را نتیجه اشتباهات در تشخیص
موضوع و بررسی نکردن عواقب قرار دهند

www.kitabmart.in

# افعال الٰهی و اعمال خلفای الٰهی

کسی که قائل بوجود خدای توانا باشد، آیا می‌تواند تصور کند محیطی را که در آن اسباب پیروزی برای خدا فراهم نه باشد؟

حالا که این معنی لائق تصور نیست، چرا خدا با قدرت بر تبدیل اوضاع مهلت داد امثال نمرود و فرعون را که آنها یک مدت درازی خلق خدا را بنده خود بگذارند و چرا با توانائی خود آنها را استیصال نه کرد؟

همین طور خلفای او که محال مشیة الله هستند، هیچ وقت از سازگاریهای سیاسی محیط استفاده نمی‌کنند بلکه نظرشان بمقتضیات حکم ربانی می‌باشد تا خدای آنها بخواهد خاموش می‌باشند و سکون و سکوت می‌ورزند در حالیکه فی العین قذی و فی الحلق شجی[1] بلکه با متغلبین مماشاة هم می‌کنند چنانکه حضرت علی بن ابی طالب



(۱) نهج البلاغه ط مصر ص ۳۵

www.kitabmart.in

## استبصار

چون امامت امام منوط باسباب مادی نیست بلکه بانتخاب خداوندی است بر بنای کمال صلاح ذاتی که تعبیر از آن بعصمت می شود از این جهت حضرت حسین ع بضمن نامه ای که بوسیله مسلم برای مردم کوفه ارسال داشت مرقوم فرمود:

فلعمری ما الامام الا العامل بالکتاب والقائم بالقسط والدائن بدین الحق و

که نگارنده "شهید جاوید" نیز با اینکه عادت دارد در ترجمه عبارات عربی اضافاتی و تغییرات بر حسب اغراض خودش نماید.

---

نمونه آن در صدر همین نامه است که امام مرقوم فرموده: فان کتب الی انه قد اجتمع رأی ملئکم و ذوی الحجی منکم علی مثل ما قدمت به رسلکم، ترجمه اش می نویسد: اگر مسلم ابن عقیل بمن بنویسد که بزرگان و خردمندان شما متفق گشته اند که برای نجات از حکومت ظالمانه بنی امیه حکومت عادلانه اسلامی را بزعامت من تشکیل بدهند» (شهید جاوید ص ۹۵)

www.kitabmart.in

اینجا ناچار ترجمه کرده

«زمامدار و رئیس حکومت اسلامی فقط کسی است که بقرآن کریم عمل کند و بر اساس عدالت رفتار نماید و بدین جهت [illegible] علاقه‌مند باشد»

فرمود که «برای زمامداری و ریاست حکومت اسلامی باید کسی سعی نماید که بقرآن کریم عمل کند» بلکه فرمود «کسی هست»

داعی برای حضرت بنوشتن این فقره این شد که آنها نوشته بودند: لیس علینا امام «بر سر ما امامی نیست» — حضرت در جواب، خطاء آنها را در این تعبیر ظاهر فرموده یعنی چرا می‌گوئید که ما امام نداریم، اگر می‌دانید که من عامل بکتاب و قائم بعدل و دائن بدین حق هستم پس من امام شما هستم.

این همان حقیقتی است که ما قبلاً آن را تا حدی کافی بوضوح رسانیده‌ایم که حکومت امام معصوم محتاج تشکیل نیست، این حکومت برای او ثابت است، کار دیگران تنها شناختن و اطاعت احکام او است.

www.kitabmart.in

## نتیجه بررسی در موضوع حکومت

مقتضای این منصب الهی که نبوت و رسالت یا امامت است
افتراض اطاعت مطلقه است، پس هر حکومتی رسمی قائم
شود باید رئیس آن حکومت یا خود امام باشد
یا کسی که امام با و تفویض این حق کرده باشد -
همان حکومت عادله شرعیه دینیه می باشد و هر حکومتی
که بضد آن قائم شود باطل است و زمامدار آن
غاصب حق امام است و دست برداشتن از آن
و تفویض امر با امام فریضه همچنان مردم است
ولی بر امام واجب نیست که برای تحصیل حق
خود شمشیر بکشد یا بصورت دیگری سعی نماید -
این معنی منوط بنظر امام است و هیچ مفتی حق
ندارد که بر امام فتوای خویش را [illegible] کند و بگوید
که بر امام سعی در تحصیل حق خود واجب است.

www.kitabmart.in

## ملاحظه

(از روی دین است)

چون حکومتی که بنظر ما امر ثانوی است از جانب خداوند و دلیلی تاسیس حکومت یا تشکیل نظامی برای زمامداری مردم اصل در شرع ندارد و تکلیفی بآن متعلق نیست، از این جهت در کتب فقهیهٔ شیعه از طهارت تا دیات کتابی با اسم کتاب الحکومة یا کتاب الریاسة یا کتاب الامارة نیست که در آن بحث شود که در چه حالات تاسیس حکومت واجب می شود و بر گاه حکومتی تشکیل شود وظیفه اش چیست و چه طور باید زمامداری مردم بعمل آرد؟

بلی احکامی در فقه در باب قبول عمل از حکام جور یا عطایای آنها وارد شده است، غیر از این در این باب چیزی نیست

سرّش همین است که حکومتی که صحیح است داخل اصول دین است و غیر از آن اساسی برای حکومت از روی دین نیست.

www.kitabmart.in

# گفتهٔ ناسنجیده

کسی که می گوید :—

" رسول خدا (ص) سیزده سال در مکه مردم را دعوت به اسلام فرمود، ولی چون هنوز حکومت آنحضرت تشکیل نشده بود پیشرفت چشمگیری نصیب اسلام نشد، اما پس از آنکه به مدینه هجرت فرمود و حکومت اسلامی تشکیل یافت در فاصله‌ای کمتر از ده سال تقریبا سراسر جزیرة العرب را زیر نفوذ خود آورد "

نمی دانیم مرادش چیست؟ آیا پیش از هجرت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مفترض الطاعة نبود، بعد از هجرت شد؟

پس آیا آیه در قرآن هست که بعد از هجرت نازل شده باشد و اعلان تشکیل حکومت بآن شده؟

یا آیا در تاریخ روزی بسراغ می رسد که حضرت مجمعی

---

شهید جاوید ص ۶۰

www.kitabmart.in

فراہم آوردہ دران اعلان حکومت خود فرمودہ باشد

اگر پیش از ہجرت حکومت آنحضرت تشکیل نشدہ بود

پس رفت چشمگیری نصیب اسلام نشد" چہ طور

اسلام از مکہ بمدینہ رسید و چہ طور این جمعیت فراہم

شد کہ بمقابلہ آنہا سراسر جزیرۃ العرب زیر نفوذ

آنحضرت آمد ؟!

www.kitabmart.in

## یک نکته

همه می دانند که امر بالمعروف و نهی عن المنکر از واجبات کفائی است. از این جهت مکلف باین دو تکلیف عامهٔ مکلفین هستند و در قرآن آمده:

ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

و نیز: یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله

و در جای دیگر: کونوا قوامین بالعدل شهداء بالقسط

پس اقامهٔ عدل هم تکلیف عامهٔ افراد است

اگر معنی اینها تشکیل حکومت باشد لازمش

[illegible]

www.kitabmart.in

صحت اعتقاد اهل سنت بر اینکه تشکیل حکومت وظیفهٔ
خلق است، نه وظیفهٔ حق سبحانه و تعالی بهمین دلیل که
"اجرای قوانین اسلام واجب است و تشکیل حکومت
مقدمهٔ آنست و مقدمهٔ واجب واجب است" ✱
اما همین دلیلیست که صاحب آن نظر فراموش شده
در مقام ردّش آن کلام معروفی را وارد کرده که صاحب
معالم در بحث مقدمهٔ واجب متعرض آن شده و مردم از آن
در این وهم افتادند که سید قائل بتفصیل است بین
سبب و غیر سبب که مقدمه اگر سبب باشد بوجوب
ذی المقدمه واجب می شود و اگر غیر سببی باشد بوجوب
ذی المقدمه واجب نمی شود پس هرگاه صاحب نظر مذکور
این دلیل را ابطال می کند، چرا پیرو آن بزرگوار
به تبعیت عامه ~~باین دلیل تمسک نماید~~ باین دلیل
برای اثبات وجوب تشکیل حکومت تمسک نماید!

---

✱ شهید جاوید ص ۶۰

www.kitabmart.in

# گرفتن حق واجب نیست

دروغ است گفته کسی که می گوید :-
"کسی که به روح فقه اسلامی آشنا باشد می داند
که گرفتن حق (مگر در موارد خاص) واجب است"
زیرا که حقیقت برخلاف این است یعنی
کسی که به روح فقه اسلامی آشنا باشد می داند
که گرفتن حق (مگر در موارد خاص) واجب نیست
والا زوجه باید مهر را کاملاً بگیرد، زوجه حر و نباید
شبی از شبهاش را ببخشد. صاحب دین نتواند دین را
اسقاط کند و و و
فرق مابین فرض و حق همین است که فرض بدست ما
نیست و ما نمی توانیم او را از گردن خود برافگنیم ولی
حق بدست خود ما است، هرگاه بخواهیم می گیریم
و هرگاه نخواهیم نمی گیریم، اختیار بدست ما است
پس جنگیدن برای تحصیل حق منوط بنظر امام است که

---

شهید جاوید ص ۶۱

www.kitabmart.in

بسته بظروف و احوال است. اگر امام نظر بمفادات
اجتماعی و مصالح عامه صلاح در جنگیدن بداند می جنگد
و آن وقت نصرت امام بر هر یکی از اهل ایمان واجب
است و احکام جهاد بر آن مترتب که اگر کشته شود
در نصرت امام بمرتبه شهادت می رسد و اگر امام جنگیدن
را برای حق خود نظر بمصالح عامه اسلام و مسلمین
درست نمی داند صبر می ورزد و سکوت می کند و
تعرض بحکومت نمی کند. ولی از سکوت و
اغماض و اعراض امام آن حکومت حکومت شرعیه بحساب
نمی رود بلکه ظالم و جائر و غاصب شمرده می شود.

www.kitabmart.in

# پیشوایان دین با محیط های سیاسی

نبی یا امام تنها بر محیط سیاسی نگاه نمی کند که پیروزی ایشان در حصول اقتدار در این اوضاع چقدر امکانات

این فصل ناظر است بتراوش "شهید جاوید" در آغاز بخش اول که عنوان قرار داده "امام حسین ع و محیط سیاسی اسلام" و زیر این عنوان نوشته: "حکومت عدالت کش معاویه ابن ابی سفیان با مرگ وی بپایان رسید و یزید بن معاویه هنوز جای پای خود را محکم نکرده و بهترین فرصت پیش آمده است که مردم آزادی خواه نیروهای خود را متشکل کنند و خلافت اسلامی را بمرکز اصلی خود برگردانند و در پرتو قدرت خلافت اجتماع ناسالم رنجوری را که زیر ضربات شلاق حکومت ضد اسلام معاویه چون بیمار مختصر می بوده است از چنگال اهریمن ظلم برهانند.

بدیهی است برای گرداندن خلافت بمرکز اصلی خود قبل از هر چیز وجود رهبر لایقی لازم است که در پرتو لیاقت و محبوبیت خویش برای این کار اقدام کند و لائق ترین شخصیتی که مورد احترام دوست و دشمن است و حقا او باید در این موقع حساس با در دست گرفتن قدرت خلافت جهان اسلام را از این وضع پریشان نجات دهد حسین بن علی است.

محیط سیاسی اسلام نشئه قیام و اقدام اوست و روح بزرگ و اصلاح طلب امام پیش از وقت منتظر فرصت بود که پس از

www.kitabmart.in

روشن دارد، این کار سیاستمداران دنیا است
نبی و امام نظرش بر مصالح آفاقی و اجتماعی و عواقب
دررسی می باشد که غالباً نگاه محدود دیگران بآن نمی رسد
پس طوریکه احکام الهی بر بنای حکمت مطلقه ربانی لازماً
مصالح و عللی دارد ولی هرگاه ما نمی توانیم بآن حکمت و
علت برسیم، می گوئیم این حکم تعبدی است، معنایش
این نیست که این حکم علتی و حکمتی ندارد بلکه معنایش اظهار
قصور مشاعر ما است از بررسی علتش، همین طور اعتراف
قصور ما است از منتهای نظر آن رهبران دین که تعبیر
از آن می کنیم باین که "امام بود و وظیفه مخصوصی داشت که
بآن عمل کند"

---

(بقیه حاشیه سابق) مرگ معاویه اگر شرائط مساعد باشد اصلاحات
وسیعی را در زمینه تشکیل حکومت و سایر شئون حیاتی مسلمانان
شروع کند و از کشور اسیر و ضربت خورده اسلام کشوری آزاد
و آباد بسازد و چنانکه آرزوی مردم عدالتخواه است جهان
اسلام را بسوی تکامل مادی و معنوی رهبری نماید" (شهید جاوید ص ۴ و ۵)
در شهید جاوید ~~[illegible]~~ آمده "اگر از دریچه چشم
یک فرد شیعه ساده باین حادثه نگاه کنیم ممکن است با یک جمله کوتاه به بحث و
گفتگو خاتمه دهیم و مثلاً بگوئیم: "حسین بن علی امام بوده و وظیفه مخصوصی داشت که

www.kitabmart.in

و خود امام چون می بیند که فهم شخص مخاطب بعلل آن
کار نمی رسد، می فرماید: شاء الله کذا
"چه کنم! مشیت الهی همین است"
معنای "وظیفه مخصوصه" بودن هم این نیست که
علتی و مصلحتی ندارد و معنای فرمایش شان
که شاء الله، این نیست که مصلحتی در آن نیست
چون پیش ما عدلیه احکام و افعال الهی هم معلل
باغراض است پس هیچ حکم و کار او و لازما
مشیت او "گزه" یعنی بی مصلحت نمی باشد
حقیقت این است که بحکم "البلاهة ادنی
الی الخلاص من فطنة بتراء" از دریچه چشم
یک فرد شیعه ساده" دیدن و "بیک جمله کوتاه
به بحث و گفتگو خاتمه دادن و گفتن که "حسین بن
امام بود و وظیفه مخصوص داشت که بآن عمل کرد
جای هیچ گونه بحث و گفتگو و چون و چرا نیست"
نزدیک تر بصواب است از نظر چندین دانشمند
بزرگ که عمل امام را نتیجه اشتباهات در تشخیص
موضوع و بررسی نکردن عواقب قرار دهند

www.kitabmart.in

# افعال الهی و اعمال خلفای الهی

کسی که قائل بوجود خدای توانا باشد، آیا می‌تواند تصور کند محیطی را که در آن اسباب پیروزی برای خدا فراهم نه باشد؟

حالا که این معنی لائق تصور نیست، چرا خدا با قدرت بر تبدیل اوضاع مهلت داد امثال نمرود و فرعون را که آنها یک مدت درازی خلق خدا را بنده خود بگذارند و چرا با توانائی خود آنها را استیصال نه کرد؟

همین طور خلفای او که محال مشیة الله هستند، هیچ وقت از سازگاریهای سیاسی محیط استفاده نمی‌کنند بلکه نظرشان بمقتضیات حکم ربانی می‌باشد تا خدای آنها بخواهد خاموش می‌باشند و سکون و سکوت می‌ورزند در حالیکه فی العین قذی و فی الحلق شجی (۱) بلکه با متغلبین مماشاة هم می‌کنند چنانکه حضرت علی بن ابی طالب



(۱) نهج البلاغه ط مصر ص ۳۵

www.kitabmart.in

می فرماید: اسففت اذ اسفوا و
طرت اذ طاروا ※

و هرگاه خدای آنها می خواهد می ایستند
کانهم بنیان مرصوص، ولو یک نفر
هم بهمراهی ایشان نباشد.

※ نهج البلاغه ط مصر ص [illegible]

www.kitabmart.in

# حضرت امیر ع با محیط های سیاسی

حضرت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بامر الهی
از دنیا برفیق اعلی شتافته معلوم است که هنوز
هیچ کس نیست که در مرکز حکومت جای پای خود را
محکم کرده باشد. حالا بهترین فرصت است که برای
باقی گذاردن خلافت اسلامی بمرکز اصلی نیروی خود را
آدم متشکل کند و در پرتو قدرت خلافت، اجتماعی
را که تا حال سالم است و هیچ رنجوری ندارد، از ضربات
شلاق حکومتی که ضد اسلام باشد جلوگیری کند و نگذارد
که در "چنگال اهریمن ظلم برود و چون بدیهی است که
برای برقرار داشتن خلافت بمرکز اصلی قبل از هر چیز
وجود رهبر لایقی لازم است که در پرتو لیاقت و محبوبیت
خویش برای این کار اقدام کند و لایق ترین شخصیتی
که مورد احترام دوست و دشمن است و حقا او باید
در این موقع حساس با در دست گرفتن زمام خلافت
جهان اسلام را نگذارد که در وضع پریشانی مبتلا شود،

www.kitabmart.in

حضرت امام المتقین علی بن ابی طالب است، محیط
سیاسی اسلام تشنهٔ قیام و اقدام اوست و روح
بزرگ و اصلاح طلب امام هم باید این فرصت را
از دست نه دهد. آیا این نبود محیط سیاست
اسلام و این نبود موقع حضرت امیر و این نباید باشد
آرزوی مردم
ولی می بینیم که حضرت امیر این موقع سیاسی را
از دست می دهد و غیر از اتمام حجت با اظهار حق
خود بزبان و دیگر ادنی جنبشی هم برای مقاومت
با نیروی غصب کنندگان حق خود نمی کند
حتی در مجلسی که انصار برای منتخب کردن خلیفه
ترتیب داده بودند، حاضر هم نشد
هرگاه مردمان عادی از قریش بحجت اینکه با
پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در نسبت بقریش
مشارک اند با نیروی سخن رانی انصار را مجاب
کنند، حضرت امیر با آن قدرت بیان و طلاقت و
فصاحت فوق العاده که از خطبات نهج البلاغه هویداست

www.kitabmart.in

بحجت قریب ترین خلق بودن برسول ص و سوابق
حسنهٔ خود و تصریحات پیغمبر خدا ص بولایت و خلافت
بویژه
و در غدیر خم که کمی مدت بر آن گذشته
بود سخن رانی می فرمود آیا ممکن بود که دیگران
پیش بروند و بقواطع براهین حضرت سرپای
خودشان را نیفگنند
خوب این وقت اگر کسی خیال بکند که از آن
اجتماع سقیفه حضرت علی بن ابی طالب را خبردار
نکرده بودند یا بمشغولیتی که بدفن حضرت پیغمبر داشت
نمی توانست آنجا تشریف برد بعد از این
وقتی که بزرگترین شخص از بنی امیه در زمان جاهلیت
سمت زعامت داشت یعنی ابوسفیان پیش حضرت
علی ع می آید و می گوید که لاملأنها خیلا و رجلا
شما برای طلب حق خود بایستید من در بسیاری شما
مدینه را از سوار و پیاده پر می کنم چرا این
امکان پیروزی را حضرت علی ع از دست می دهد و با جواب درشت

www.kitabmart.in

او را از خود رد می نماید

اگر کسی بگوید که چون بر ابوسفیان اعتماد نداشت
از این جهت گوش بحرفش نداد، می گوئیم که حضرت
امام حسین علیه السلام بر مواعید اهل کوفه کی اعتماد
داشته و اگر اعتماد داشت چرا مسلم بن عقیل را
برای مطالعه احوال شان فرستاد. همین طور اگر حضرت
علی بن ابی طالب بر وعده ابوسفیان اعتماد نداشته باشد هم
می توانست بیک نحوی اختیارش نماید و به بیند که
او در قول خود چه قدر استوار است نه اینکه بیکباره
تشرش زده از خود براند و اگر حالا هم باین محیط
سیاسی استفاده نمی برد پس بعد از این وقتیکه در اطراف
مملکت بواسطه منع زکوة اضطراب زیادی بود
و مانعین زکوة که نسبت ببعضی از آنها از تاریخ
چنین ظاهر می شود که اینها مخالف اسلام نبودند از این
جهت اقامه نماز می کردند ولی این نظام حکومت را
قبول نه داشتند از این جهت منع زکوة کرده بودند

www.kitabmart.in

اگر حضرت علی بن ابی طالب با آنها اتصال پیدا می‌کرد
و با ارتش آنها در قلب حکومت شمشیر
می‌کشید و طبعاً اکثر بنی هاشم با حضرت مساعد آنها
می‌شدند و شاید ابوسفیان هم با ارتش خود کمک
می‌کرد و بعید نیست که انصار هم که زخم خورده حکومت
وقت بودند برای یاری می‌ایستادند، باتفاق این
همه نیروها البته امکانات پیروزی برای حضرت
بسیار درخشان بود.

از این هم بگذریم، وقتیکه خلیفهٔ اول از دنیا رفت
معلوم است که دوم هنوز جای پای خود را محکم نکرده
از این جهت عوامل پیروزی برای حضرت امیر فراهم
بود و در آن شرائط می‌توانست در پناه قدرت ارتش
خویش اسلام و مسلمانان ضربت خورده و اسیر شده را
نجات دهد و اینک عوامل پیروزی امیرالمؤمنین ع

۱- ضعف حکومت. اولین عامل پیروزی امیرالمؤمنین
ضعف حکومت بود زیرا حکومت دوم به چند دلیل از حکومت
اول ضعیف‌تر بود.

www.kitabmart.in

۱- هر حکومتی که میخواهد جانشین حکومت ساقط شده سابق
گردد در آغاز کار تزلزل دارد و مردم با دیده تردید
بان می نگرند و منتظرند ببینند زمامدار جدید می تواند
بر اوضاع مسلط گردد یا نه

۲- سابقه گاندیهای حاضر از جهت خشونت طبع
خود که بلفظ فظ غلیظ القلب مابین مردم معروف و مشهور
بوده طوریکه خود حضرت امیر ع وصف نموده :-
حوزة خشناء یغلظ کلامها فصاحبها کراکب
الصعبة ان اشنق لها خرم وان اسلس لها
پس اجتماع ناسالم رنجور بدست او در ستوه چنانکه
فرموده : منی الناس لعمر الله بخبط وشماس وتلون
واعتراض (۳) پس در این حال اگر حضرت علی بن
ابی طالب ع با آن شجاعت تاریخی خود قیام نماید این
همه اشخاص آزادی طلب با حضرت بر علیه حکومت
می ایستادند

۳- هر که مطالعه تاریخ نموده می داند که خالد بن الولید

(۲) خطبه شقشقیه - نهج البلاغه
شهید جاوید ص ۲۹
(۳) ایضا خطبه مذکوره

www.kitabmart.in

یکی از برجسته ترین شخصیات عرب در تاریخ بحسب
ماضی جاهلی و مستقبل اسلام خود با خلیفه دوم مغایرتی
داشته پس بسیار مترقب بود که این شخص هم لا
لحب علی بل لبغض فلانه نیروهای خود را بموافقت
حضرت علی بن ابی طالب ع صرف نماید

۴ - آن قوه اموی که زعیمش ابوسفیان اول
پیشنهاد کمک بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام کرده بود
و بحسب نظر عبد الله العلائلی همین قوه با استعمال نیروهای
موالی و اعجام خلیفه دوم را از بین برد و بموافقت حضرت امیر
تصمیم می کرد که اجتماع نا سالم رنجوری را که زیر ضربات
شلاق "خبط و شماس و تلون و اعتراض" بسر برده
از چنگال اهریمن ظلم برهاند

باز پیش بروید بعد از کشته شدن خلیفه
دوم معلوم است که هیچ کس نیست که جای پای
خود را محکم کرده باشد و حضرت علی بن ابی طالب ع را
جزء آن مجلس شوری قرار داده اند که از خودشان
یک شخصی را باید بسمت خلافت موسوم نمایند، حالا

www.kitabmart.in

اگر حضرت علی بن ابی طالب ع بخواهد نیرو های [illegible]
برگردانیدن خلافت بمرکز اصلی خود فراهم سازد بسیار
آسان است — در شوری غیر از [illegible] پنج نفر بیش
که نبودند [illegible] ارتش پاسپورت بیعت خلیفه ای نکرده بودند
آیا حق حضرت علی ع در خلافت تا بحال محتاج اولی است
که برود تنها یک خطبه مشتمل بر وجوه استحقاق خود برای
خلافت اسلامی در آن مجلسی که ارکانش حاضر برای
قبول حق نبودند و همه شان اسیر اغراض و اهواء بودند
القاء فرماید
اگر حضرت علی بن ابی طالب ع این وقت تنها رجال بنی هاشم
را با خود می برد و خطبه را القاء می فرمود در حالیکه شمشیر
کشیده در دست او می بود و دور آن منزل که مجلس
شوری در آن مرتب بود نعره های شیران بنی هاشم
می بود صورت واقعه باین نحو بظهور نمی رسید که
صغی رجل منهم لضغنه و مال الآخر لصهره مع هن
و هن [illegible] این همه "ضغن و صهر و هن و هن"
با سطوت دست حیدر کرار با قرار ایمان و لا و جان و
تسلیم مبدل می شد و چون حکومت حضرت ع مسلم می شد

۸۲

[illegible] نهج البلاغه ط مصر ص ۳۹

www.kitabmart.in

آن وقت محیط مساعد می‌شد که اصلاحات وسیعی را
در سایر شئون حیاتی مسلمانان شروع فرماید و از کشور
اسیر و ضربت خورده اسلام کشوری آزاد و آباد بسازد
و چنانکه آرزوی مردم عدالتخواه می‌بود جهان اسلام
را بسوی تکامل مادی و معنوی رهبری نماید
باز در تمام مدت این خلافت از بدیهیات تاریخ است
که همواره شلوغ و جنجال بود و خلیفه وقت اصلا جای پای
محکم نگرفت و در تمام این مدت بهترین فرصت برای متشکل
کردن نیروها بود بلکه نیروها از خود داشت متشکل می‌شد تنها
مسئله استفاده کردن از آنها بود ولی حضرت علی بن
ابی طالب ع هیچ استفاده از آنها نمی‌کند بلکه در فرو کردن
آتش خشم مردم هر چه ممکن است سعی بکار می‌برد و
هرگاه مساعی وی در این باب بسر حد نجاح نمی‌رسد
گوشه‌گیری اختیار می‌کند و هیچ مساعدتی بارتش مهاجمین
نمی‌فرماید. حتی اینکه پیر در نظر فراموش شده هم در رد
ماربین آلمانی می‌نویسد:
"معلوم می‌شود در تاریخ اسلام درست وارد نبوده مثلا

www.kitabmart.in

در صفحه ۱۸ می گوید "قتل عثمان بوسیله تحریکات و تبلیغات بنی هاشم انجام شده" و این برخلاف حقیقت است

اگر تشکیل حکومت فریضه امام باشد چرا تحریکات و تبلیغات بنی هاشم که سرور آنها حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب ع است در ضد حاکم جائر حقیقت ندارد

بعد از کشته شدن خلیفه هم چون مردم بر حضرت برای قبول کردن حکومت هجوم می آورند حضرت انکار بلیغ می فرماید ← هر کسی می تواند بفهمد که اگر تشکیل حکومت بر امام فریضه لازم باشد چه طور جائز می شود برای امام که از ادای فریضه ادنی انکاری هم بر لب آرد نه که الحاح مردم بانتها برسد آنوقت بکراهت قبول فرماید

آیا بعد از این آیات بینات از سیرت معصوم ع آدم باید خیال کند که اینها از محیطهای سیاسی استفاده می کنند و همیشه در صدد تحصیل حکومت هستند و باید باشند؟

۸۴

شهید جاوید ص ۳۳۳

www.kitabmart.in

حالا نظر کنید بموقف حضرت حسن بن علی ع
اینجا نیروهای کوفه ضامن پیروزی باشد از اول مهیا
بود اگر چند شخصی معلوم شود که جاسوس حکومت
مخالف هستند چرا باید یک حکومتی که بر پا است
بواسطه این چند نفر شکسته شود
آیا در موقعیکه حضرت علی بن ابی طالب ع زمام
حکومت را در دست داشتند اشخاصی نبودند که
غدر و خیانت از آنها بظهور رسیده باشد
حاکم آنها را مجازات می کند و بکیفر کردار می رساند
نه اینکه بسبب چندی از اشخاص حکومت را از دست
دهد با اینکه نیروهایی از اهل کوفه و اردوی منظم
و مرتب موجود بود و از حضرت حسن بن علی ع بسیار
اصرار داشتند که بر سر حکومت بماند و با معاویه صلح
نورزد نیروهایی که ابدا با جماعتی از اهل کوفه
که پاشان و پریشان بود و هیچ سامان و اسباب
برای جنگیدن با حکومت شام مهیا نداشتند طرف

www.kitabmart.in

مقایسه نیستند، با وجود این نیرو با حضرت امام
حسن ع حکومت را پشت پا زده گوشه عبادت را
اختیار فرمود و آن محیطی را که برای حکومت وی
مهیا بود بمصالحت معاویه از خود برهم زد
حضرت امام حسین ع را بعد از مصالحت امام حسن برجسته
ترین رجال شیعه تحریک می کردند که حضرت حسن را بر صلح
ایشان بگزارید و شما بایستید و ما با شما هستیم
اگر حضرت امام حسین ع می خواست از این نیرو با
استفاده می کرد و همین ارتشها را که تا بحال مرتب کرده
با خود می گرفت اما حضرت هم از این محیط سیاسی
هیچ استفاده نمی کند و صبر می کند تا بیست سال که
هر سالی از آن سالها از آن نیرو با می کاست و آن
ارتشها را پراکنده می ساخت

www.kitabmart.in

# یک گمان بی مورد

از این جا تا چند صفحه می خواهیم نگارشهای شهید جاوید را که در صفحه ۱۶۰ شروع شده نقل کنیم که ربط زیادی بسطور سابق ما دارد:

بعضی از صاحب نظران گمان کرده اند، علت اینکه امام حسین ع پس از وفات حضرت مجتبی ع تا معاویه زنده بود قیام نکرد، این بود که معاویه ظاهر دین را حفظ می کرد و از این جهت خطرش برای اسلام باندازه یزید نبود ولی یزید حتی ظاهر دین را حفظ نمی کرد و از این جهت خطرش برای اسلام بیش از معاویه بود و لازم بود بر ضد او انقلابی بوجود آید

ولی نظر دیگری در اینجا هست که معاویه هیچگاه ظاهر دین را حفظ نمی کرد و خطر او برای اسلام اگر بیش از یزید نبود کمتر هم نبود

اینک برای اینکه روشن شود معاویه ظاهر دین را حفظ نمی کرده فهرست مختصری از اعمال ضد دین او را که بی پرده انجام می داد ذکر می کنیم

www.kitabmart.in

www.kitabmart.in

برای رسیدن بهدف حیوانی خویش از هیچگونه جرم و
جنایتی خودداری نمی کرد و چون با امیرالمؤمنین
و خاندان وی دشمن بود از هیچگونه ظلم و
تجاوز نسبت بخاندان حضرت دریغ نمی نمود
اینک فهرست بسیار مختصری از جنایات و
اعمال ضد دین که بی پرده انجام می داد
از باب نمونه ذکر می کنیم :-

۱- شرابخواری (الغدیر ج ۱۰ ص ۱۷۹) (۱)
۲- پوشیدن لباس ابریشم (الغدیر ج ۱۰ ص ۲۱۶)
۳- استعمال ظرف طلا و نقره (الغدیر ج ۱۰ ص ۲۱۶)
۴- استماع آواز (شرح ابن ابی الحدید ج ۱۶ ص ۱۶۱)
۵- قضاوت بر خلاف اسلام (الغدیر ج ۱۰ ص ۱۹۶)
۶- ترک مجازات دزد (الغدیر ج ۱۰ ص ۲۱۴)
۷- بر سمیت شناختن فرزند زنا (شرح ابن ابی الحدید ج ۱۶ ص ۱۸۷)

---

(۱) چه قدر اینکه است که کسی کتاب برای غیر شیعه نوشته باشد
طوریکه در "پیش نهاد لازم الاجراء" اعلام کرده است باز در امثال
این امور تاریخی حواله پای (الغدیر) بدهد - با اینکه این چیزهائی است
که اگر یک خورده زحمت کشیده شود در کتب تاریخ متعدد سراغ
آنها می رسد.

www.kitabmart.in

۸- جنگ با علی بن ابی طالب علیه السلام که تلفات آن تا هفتاد و پنج هزار و بیشتر نوشته اند (مروج الذهب ج ۳ ص ۳۰)

۹- اعزام نیروهای نظامی برای قتل و غارت شیعیان امیرالمؤمنین ع (الغدیر ج ۱۱ ص ۱۶ و ۱۷ و ۱۸)

۱۰- قتل مالک اشتر (مروج الذهب ج ۲ ص ۴۰۹)

۱۱- اعدام حجر بن عدی و یارانش (الغدیر ج ۱۱ ص ۵۲)

۱۲- اعدام عمرو بن الحمق (الغدیر ج ۱۱ ص ۲۱)

۱۳- تجاوز بمصر و قتل محمد بن ابی بکر نماینده علی ع (مروج الذهب ج ۲ ص ۴۰۹)

۱۴- قتل عام شیعیان امیرالمؤمنین ع (الغدیر ج ۱۱ ص ۲۸)

۱۵- جعل احادیث در مذمت علی ع (الغدیر ج ۱۱ ص ۲۸)

۱۶- جعل احادیث در مدح عثمان (الغدیر ج ۱۱ ص ۲۹)

۱۷- امر به لعن علی ع در خطبه نماز جمعه (الغدیر ج ۱۰ ص ۳۴۷)

۱۸- قتل امام حسن مجتبی ع (مروج الذهب ج ۲ ص ۳۲۷)

۱۹- تحمیل ولیعهدی یزید (کامل ابن اثیر ج ۳ ص ۵۰۳)

۲۰- خواندن نماز جمعه در روز چهارشنبه (مروج الذهب ج ۲ ص ۳۲)

معاویه همه این جنایات را بغیر از قتل امام حسن مجتبی علیه السلام

www.kitabmart.in

بی پرده و با کمال جرأت و جسارت انجام میداد
و کمترین پرده پوشی و ظاهرسازی در کار وی نبود.
اگر ما جنایات معاویه را قبل از سلطنت او
با جنایات یزید قبل از سلطنت وی مقایسه کنیم
جنایات معاویه خیلی بیشتر است"
(تا اینجا است مرتبا اقتباسات "شهید جاوید" از
ص ۱۶۳ ، بعد از آن می گوید ص ۱۶۴
مجموع خونهای که معاویه قبل از سلطنتش یعنی در زمان
استانداری و یا غیگریش ریخته است تا صد هزار
یا بیشتر می رسد. اینها برخی از جنایات معاویه است
که قبل از سلطنت مرتکب شده است.
ولی آلودگیهای یزید قبل از سلطنتش عبارت بود از عیاشی و
هرزگی و میمون بازی و شکار تفریحی و قمار و شرابخواری و
اشباع غریزه جنسی و فرو رفتن در کامجوئیهای دیگر
اگر گناهان یزید را که قبل از سلطنت مرتکب شده با اعمال
ضد اسلام معاویه قبل از سلطنتش و با صد هزار خونی که از

www.kitabmart.in

مسلمانان بیگناه ریخت مقایسه کنیم، بدون تردید جنایات
معاویه قبل از سلطنتش صدها برابر جنایتهای یزید
بوده است. این بود مقایسه جنایات معاویه و یزید
قبل از سلطنت آن دو ~~[illegible]~~
اما پس از سلطنت

(تا آنکه می نویسد)
ص ۱۶۵ اگر جنایات دوران سلطنت بیست ساله معاویه
با جنایات سلطنت سه ساله یزید مقایسه کنیم بدون
تردید جنایات معاویه بیشتر خواهد بود
(تا آخر دنباله مقایسه که تا ص ۱۶۸ طول می کشد
بعداً در ص ۱۶۸ " حالا فرض می کنیم (بفرض محال)
که معاویه تظاهر به دینداری میکرده است. شکی
نیست که اگر کسی در ظاهر خود را طرفدار دین جلوه دهد
ولی کارهایش مخالف دین باشد خطرش برای دین
خیلی بیشتر از کسی است که خود را دیندار جلوه نمی دهد
تا صفحه ۱۶۹ " معاویه بچند علت خطرش برای
اسلام بیشتر بود

www.kitabmart.in

۱- حیله گر و مرموز بود

۲- بنیانگذار بسیاری از اعمال ضد دین بود

۳- مدت حکومتش طولانی تر بود، باین سلطنت ضربات شکوبنده تری به اسلام زد ※

## بعد از هلاک معاویه

وقتیکه حکومت عدالت کش معاویه بن ابی سفیان بامرگ وی بپایان رسید و یزید بن معاویه هنوز جای پای خود را محکم نکرده و بقول «شهید جاوید» (۲) «بهترین فرصت پیش آمده است که مردم آزادی خواه نیروهای خود را متشکل کنند و خلافت اسلامی را بمرکز اصلی خود برگردانند و در پرتو قدرت خلافت اجتماع بسالم رنجوری را که زیر ضربات شلاق حکومت ضد اسلام معاویه چون بیمار محتضری شده است از چنگال اهریمن ظلم برهانند

※ تا اینجا اقتباسات «شهید جاوید» بود

~~(۲) ص ۴~~

www.kitabmart.in

# الفات نظری بسوی بررسیهای سابق

اگر تشکیل حکومت فریضهٔ امام باشد باید اینها
همیشه در صدد توطئه اسباب باشند پس چرا
حضرت علی بن ابی طالب بیست و پنج سال خاموش
بماند تا مردم دور و ر ایشان را بگیرند و هجوم آورند
و چرا بعد از صلح امام حسن ع بیست سال حضرت امام حسین
خاموش بماند و حتی حسب اعتراف پیرو نظر فراموش شده
" در هیچ تاریخی دیده نشده است که امام حسین ع
قبل از این تهاجم (طلب بیعت یزید) یعنی قبل از مرگ
معاویه هیچگونه توطئه ای بر ضد حکومت بنی امیه
کرده باشد بلکه در نامه ای که خود امام در جواب معاویه
نوشته هرگونه توطئه ای را بر ضد حکومت وی تکذیب
فرموده است . معاویه بن ابی سفیان با امام حسین ع
نوشت : بمن رسما گزارش رسیده که تو قصد
انقلاب داری . مبادا کاری بکنی که ایجاد اختلاف
نمائی و مردم را در فتنه بیندازی "

www.kitabmart.in



امام در جواب معاویه نامه ای تند و کوبنده ارسال
فرمود و در آن برخی از جنایات معاویه را برشمرد و
ضمن آن نامه نوشت " گزارشی که بتو رسید دروغ
محض است و من هیچگاه قصد انقلاب بر ضد
حکومت تو نداشته ام و ما اردت لک حربا و لا
علیک خلافا و نخواسته ام بر ضد تو شورش کنم
و دست بجنگ بزنم (رجال کشی ص ۴۹ الامامة والسیاسة
ج ۱ ص ۱۸ "

با اینکه حکومت معاویه غیر اسلامی بود و جنایات بی حد و
حصر دستگاه حکومت در پیش چشم امام حسین بود و تنها
یکی از جنایات معاویه تحمیل ولیعهدی یزید بر مردم
بود که باید گفت حکومت یزید یکی از سیئات معاویه
است و این نامه را آنحضرت وقتی بمعاویه نوشت که
قبلا ولیعهدی یزید بر مردم تحمیل شده بود و با اینکه
امام در همین نامه می نویسد " و انی لا اعلم فتنة
اعظم علی هذه الامة من ولایتک علیها " من

www.kitabmart.in

هیچ نقشه ای را برای ملت مسلمان وخیم تر و
زیان بخش تر از حکومت نمی دانم " با همه اینها
امام حسین علیه السلام جواب می دهد من هیچگاه
قصد انقلاب نداشته و هیچگونه توطئه ای بر ضد
حکومت نکرده ام ،
بنابراین تا معاویه زنده بود امام حسین توطئه ای
بر ضد او نکرد " " (۱)

آیا این کافی نیست برای فهمیدن این که انقلاب
سیاسی هیچ وقت هدف نگاه حضرت حسین بن
علی نبوده و این وظیفه امام از جانب حضرت حق تعالی
نبوده ؟

## الجدا از هلاک معاویه

وقتیکه حکومت عدالت کش معاویه بن ابی سفیان
با مرگ وی بپایان رسید " یزید بن معاویه بجای
جای پای خود را محکم تکرده و بقول " شهید جاوید "

---

(۱) شهید جاوید ص ۱۲۳ ← ۱۲۴ (۲) ص ۱۴

www.kitabmart.in

"بهترین فرصت پیش آمده است که مردم آزادی‌خواه
نیروهای خود را متشکل کنند و خلافت اسلامی را
مرکز اصلی خود برگردانند و در پرتو قدرت خلافت
اجتماع سالم و نجوی را که زیر ضربات شدید
حکومت ضد اسلام معاویه چون بیمار محتضری شده است
از چنگال این همه ظلم برهانند."

---

"و لایق‌ترین شخصیتی که مورد احترام
دوست و دشمن است وجود او باید در این موقع
حساس با در دست گرفتن قدرت خلافت جهان
اسلام را از این وضع پریشان نجات دهد حسین
ابن علی است."

حالا که حکومت یزید پیشقدمی کرده برای جلوگیری
از هر گونه جنبش اصلاحی حسین بن علی و چند نفر
از شخصیتهای دیگر را تحت فشار قرار داده که با یزید
بیعت کنند و حکومت او را برسمیت بشناسند
و حالا که حکومت یزید با تکای قدرت سرنیزه خود

www.kitabmart.in

از امام خواسته است که قبل از هر چیز خلافت
فرزند معاویه را بر سمیت بشناسد و تسلیم بی قید و
شرط وی گردد و درباره این مطلب بقدری پافشاری و
سخت گیری کرد که حسین بن علی را در معرض خطر باز
داشت و شاید هم کشته شدن قرار گرفت (۱)

و باید دانست که هنوز حکومت یزید در حجاز قائم
نشده است و مردم اینجا حلقه بیعت یزید در گردن
ندارند پس اگر امام مقصودش تأسیس حکومت
باشد این بهترین فرصت است برای تأسیس حکومت
و عوامل پیروزی بحدی که این وقت برای حضرت امام
حسین فراهم بود هیچ وقتی بعد از این فراهم نخواهد شد

(۲) و اینک عوامل پیروزی امام

۱- ضعف حکومت - اولین عامل پیروزی امام حسین
ضعف حکومت بود، زیرا حکومت یزید بچند دلیل
از حکومت معاویه ضعیف تر بود.

---

(۱) شهید جاوید ص ۶ (۲) شهید جاوید ص ۲۹ تا ۳۶
بعنوان تلخیص

www.kitabmart.in

۱- هر حکومتی که میخواهد جانشین حکومت ساقط شده سابق گردد، در آغاز کار نوسان و تزلزل دارد و مردم با دیده تردید بآن می نگرند و منتظرند ببینند زمامدار جدید می تواند بر اوضاع مسلط گردد یا نه؟

۲- سوء سابقه یزید و خامی و بی لیاقتی وی نیز علت دیگری برای ضعف حکومت بود و همین سابقه ننگین و بی لیاقتی خلیفه جدید تزلزل حکومت را بیشتر می کرد و بسیاری از سیاستمداران ورزیده اطمینان نه داشتند که یزید بتواند بر اوضاع مسلط گردد و حق بجانب آنان بود

۳- رنجش مردم:-

دوم از عوامل پیروزی حسین بن علی علیه السلام رنجش مردم از حکومت وقت بوده زیرا ستمگریهای بی حد و حصر معاویه در دوران بیست ساله حکومتش جان مردم را به لب آورده بود و از این حکومت عدالت کش و قانون شکن بشدت متنفر بودند و این جنبه منفی

www.kitabmart.in

احساسات مردم بود

۳- افکار عمومی :-

سوم از عوامل پیروزی امام موافقت افکار عمومی
بود زیرا شکی نیست که بغیر از شام در سراسر کشور وسیع
اسلامی افکار عمومی با زمامداری حسین بن علی موافق بود و
این جنبهٔ مثبت احساسات مردم بود

۴- لیاقت رهبر :-

چهارم از عوامل پیروزی امام حسین لیاقت آنحضرت بود
زیرا بتصدیق دوست و دشمن حسین بن علی که رئیس خاندان
پیغمبر بود لایق ترین فردی بود که در سراسر کشور عظیم
اسلامی وجود داشت و از شرق تا غرب جهان اسلامی
شخصیتی بعظمت و لیاقت فرزند پیغمبر وجود نداشت
هرگاه ضعف حکومت بعداً بدرجه باشد که
در همان آغاز حکومت یزید در ایامی که امام حسین
در مکه توقف داشت عبدالله زبیر در مکه شورش کرد
با تجهیز نیروی نظامی آماده مقابله با قدرت حکومت
شد و آنگاه که از طرف یزید برای سرکوب کردن



شهید جاوید ص ۶

www.kitabmart.in

سر باز فرستاده شد در یک برخورد نظامی عبدالله
زبیر نیروی دو هزار نفری یزید را شکست داد و
فرمانده نیروها را دستگیر کرد و بنا بر یک نقل زیر ضربات
شلاق کشت و طول نکشید که نفوذ عبدالله زبیر
در سراسر حجاز گسترش پیدا کرد و بعد از شورش
دیگری نیز به رهبری نجدة بن عامر حنفی در یمامه
بوجود آمد و یزید بن معاویه تا زنده بود نتوانست
شورش عبدالله زبیر را در حجاز و شورش نجدة بن
عامر را در یمامه سرکوب کند (۱)

هرگاه ضعف حکومت یزید و نیروی امام حسین علیه السلام
در مکه بحدی باشد که «هنگامی که امام حسین علیه السلام
از مکه حرکت کرد مأمورین مسلح حاکم آنحضرت را
تعقیب کردند و خواستند بمکه برگردانند ولی در مقابل
مقاومت شدید امام از برگرداندن عاجز شدند
و برگشتند» میدانیم که حاکم مکه بشدت در تعقیب
امام بود و دستور داشت آنحضرت را بازداشت

(۱) شهید جاوید ص ۲۹ - ۳۰

www.kitabmart.in

کنند و نزد یزید بفرستند و شاید هم مامور کشتن او
بود و در اینصورت طبعاً باید همه نیروی خود را برای
برگرداندن کاروان فرزند پیغمبر ص و باز داشت وی
بکار برد با این وصف می بینیم از برگرداندن و باز داشتن
حضرتش عاجز بود و این دلیل بر ضعف حکومت است (۱)
این همه ضعف حکومت در حالی نمایان است که بیعت
یزید در تمام معمورهٔ اسلامی بتکمیل رسیده است و در تمام
اطراف ملک چه حجاز و چه عراق و چه ایران حکومت
یزید مسلم شده است اما در آن وقتی که ولید طلب بیعت
یزید از امام کرده است هنوز خلافت یزید در
حجاز مسلم نشده بود و از بدیهیات تاریخ
است که در مدینه مرکزی برای اردوی حکومت نبود.
از این جهت بعداً وقتیکه اهل مدینه قلادهٔ حکومت یزید
از گردن شان بیرون کرده انداختند ارتشهای که
برای سرکوب آنها آمد از شام بوده و این وقت
که ولید بن عتبه حاکم مدینه حضرت امام حسین ع را

(۱) شهید جاوید ص ۳۰

www.kitabmart.in

برای بیعت یزید طلبیده است پیش ولید
غیر از مروان بن حکم پیر زال کسی دیگر نیست
و حضرت امام حسین ع این وقت تنها نیستند بلکه
با جوانان بنی هاشم که شمشیرها در دست داشتند
تشریف برده بودند. پس اول قدمی که بتقاضای
محیط سیاسی این وقت لازم بود برداشته شود
این بود که ولید و مروان هر دو را بکشند و اعلان
هلاکت معاویه با قیام حکومت حضرت حسین بن علی ع
بشود که "مورد احترام دوست و دشمن بود" (۱)
این وقت با کشته شدن ولید و مروان، مدینه
و سپس همه حجاز بی درنگ در تصرف امام حسین ع
می آمد

## یک نکته

ضمنا توجه باین نکته در اینجا لازم است که در آن زمان
خرید اسلحه برای همه کس آزاد بود و طرفداران حسین بن علی ع

وسط صفحه آتیه

(۱) شهید جاوید ص ۵ از اینجا تا همه عیون
عبارات "شهید جاوید" است که در اثبات نیروی حضرت امام حسین
بهنگام توجه بعراق نوشته است، همه اینها بتغییر قلیل در آغاز کار
در مدینه بوقت طلب ولید

www.kitabmart.in

می توانستند، اسلحه جنگی فراوانی مشابه اسلحه‌ای که حکومت
یزید در اختیار داشت تهیه کنند چنانکه در کوفه زیر نظر مسلم
تهیه کردند. و نیز بیشتر مسلمانان بعلت تشویقاتی
که اسلام درباره تعلیمات نظامی کرده است بفنون جنگی
ساده آنروز آشنا بودند بنابراین نیروهای طرفداران
امام از نظر تعلیمات نظامی و اسلحه جنگی قدرت هرگونه
مقابله نیروهای حکومت داشتند
تائید این نکته
همین اهل معنی وقتیکه قلاده بیعت یزید از گلو بیرون کرده آماده مقابله
چند روزی با ارتشهای حکومت جنگیدند.»
این در موقعی بود که دو سال بر استقلال حکومت یزید
گذشته و جای پای یزید محکم شده بود پس وقتی که معاویه
از دنیا رفته است و هنوز حکومت یزید در حجاز مسلم
نشده اگر حضرت امام حسین ع نیروی خود را که از بنی هاشم
و موالی آل هاشم بود ترتیب داده در مدینه حکومت خود
تشکیل می‌کرد بعداً مکه هم زیر حکومت حضرت می‌شد و
نیروئی که عبدالله بن زبیر بمساعدت آنها چند سال با حکومت
یزید مقاومت کرد و یزید نتوانست آنها را سرکوب کند

www.kitabmart.in

نیروهای که در کوفه با امام بود که حسب بیان «شهید جاوید»
ص ۳۷ «در حدود صد هزار نفر بود و نیروهای بصره
نیز پشتیبان آنان می شدند و ایرانیها هم که لابد
با اینها موافقت می کردند ویژه ازین جهت که شهربانویه
مادر حضرت زین العابدین از ایران بود» پس آیا این
همه نیروها مجتمعاً یک نیروی بزرگی نبودند که یزید را
مقاومت با آنان آسان نبود؟

## این هم بالای همه

صاحب شهید جاوید نظرش این است که اگر حکومت
یزید مزاحم امام حسین ع نمی شد، باز هم لازم بود که
حضرت برای تأسیس حکومت قیام ابتدائی نماید
ص ۱۳۱ بعنوان «یک نکته» می سراید
«هر کسی از خود می پرسد که اگر حکومت یزید مزاحم
امام حسین ع نمی شد آیا آنحضرت در خانه اش
می نشست مثل زمان معاویه از فعالیتهای انقلابی
خودداری می کرد؟ در اینجا باید گفت همانطور که

www.kitabmart.in

خود امام فرموده بود، پس از مرگ معاویه در بارهٔ انقلاب
فکری خواهم کرد. و از طرفی آنحضرت حدیثی از رسول خدا
نقل کرده که فرموده است هر کس زمامداری ستمگری را
ببیند که حقوق خلق و احکام خدا را پایمال می کند وظیفه
اوست که در تغییر ظلم او بکوشد و گرنه خدا با همان زمامدار
ستمگر محشورش می کند. بنا بر این اگر یزید هم
مزاحم امام نمی شد باز تکلیف آن حضرت بود برای تغییر
حکومت ظلم اقدام کند. ولی چون این تکلیف مثل همه
تکالیف دیگر مشروط بقدرت است لازم بود امام
در درجه اول بررسی و ارزیابی قدرت خویش بپردازد
و در صورت امکان تحصیل قدرت کند آنگاه اگر قدرت
نظامی وی بحد کافی بود بمنظور نجات اسلام برای تشکیل
حکومت اقدام فرماید.
بنا بر این اگر حکومت یزید مزاحم امام حسین نمی شد
باز هم آنحضرت پس از مرگ معاویه که طبعا حکومت
بنی امیه لرزان و ضعیف می شد بررسی اوضاع سیاسی و
ارزیابی نیروی نظامی خویش می پرداخت و اگر شرائط

www.kitabmart.in

مساعد بود برای تشکیل حکومت عادلانهٔ اسلامی
و سوزاندن ریشهٔ ظلم اقدام می فرمود ——
آری چیزی که هست اگر حکومت با امام تهاجم
نمی کرد ممکن بود آنحضرت ارزیابی و بررسی اوضاع
سیاسی را در میان مدینه شروع کند و با این سرعت و
شتاب آنهم مخفیانه و شبانه بمکه هجرت نفرماید
و اگر لازم شد در فرصت دیگری مثلا در ایام حج
بمکه مسافرت نماید تا تماسهای لازم را با مردم سایر
اقطار اسلامی برقرار سازد و زمینهٔ کار خود را روشن تر
و مطمئن تر گرداند و در هر صورت معلوم بود
که تماسهای امام باید در درجهٔ اول با عراق و
بخصوص با کوفه برقرار شود چون هستهٔ مرکزی
نیروهای آن حضرت در کوفه بود و فاصله بین
مکه و مدینه در حدود هشتاد فرسخ است یعنی
مدینه نسبت بمکه هشتاد فرسخ بکوفه نزدیک تر
است و هشتاد فرسخ با در نظر گرفتن وسائل
حمل و نقل در آنروز مسافت زیادی بود بنابران

www.kitabmart.in

اگر رابطه امام با مردم کوفه از مدینه برقرار می شد هشتاد
فرسخ راه کم می شد و ارتباط با کوفه سریع تر انجام می گرفت
و اخبار زودتر می رسید و مشکلات در راه نهضت
کمتر می شد.

## نیروهای امام بحد کافی بود

هرگاه «نیروهای مسلح امام حسین تنها در کوفه
در حدود صد هزار نفر بود که نیروهای بصره پشتیبان
آنان بودند» پس «بیشتر از صد هزار مرد شمشیرزن
در کوفه و بصره در اختیار داشت که بفرزند پیغمبر
عشق می ورزید (۱)

و اضافه کنید نیروهای مدینه را که توانست
بعد از مسلم شدن حکومت یزید تا ارتشهای حکومت
بجنگد ولی چون تنها بود هزیمت یافت. پس
اگر اینها جزء نیروهای دیگر بودند در حالیکه هنوز
حکومت یزید مسلم هم نشده بود البته این نیروی

---

(۱) شهید جاوید ص ۳۷

www.kitabmart.in

بود ناقابل تسخیر

چون حضرت در مدینه حکومت خود را تشکیل می‌فرمود

بعبارت "شهید جاوید" ص ۳۷ "مردم یمن و حجاز و

خراسان و آذربایجان و سایر استانهائی که عدالت

امیرالمؤمنین ع را دیده بودند بی درنگ بکمک فرزند پیغمبر

می‌شتافتند. آنگاه هیچ قدرتی در مقابل قدرت امام

تاب مقاومت نداشت (۱)

(۲) همه می‌دانند که شخصیت امام حسین ع خیلی عظیم‌تر

و محبوب‌تر از عبدالله زبیر بود و از این رو تا وقتیکه امام

در مکه بود عبدالله زبیر تحت فشار افکار عمومی ناچار

بود بحضور آنحضرت بیاید

در جائیکه عبدالله زبیر که شخصیتش از امام ضعیف‌تر

بود بتواند در مقابل حکومت یزید بسختی مقاومت کند

در اینصورت بدون تردید امام حسین ع با آن شخصیت عظیم

و محبوبیت بی‌نظیر بهتر از عبدالله زبیر می‌توانست در

مقابل حکومت یزید مقاومت نماید و سرانجام حکومت یزید را

---

(۱) ص ۳۷

(۲) از اینجا ببعد عبارات شهید جاوید

ص ۹۲ تا ۹۴ هست

www.kitabmart.in

در کام خود فرو برد و هضم کند یا لااقل با کمال اقتدار
در برابر آن بایستد.

## بعد از یزید

اگرچه مرگ یزید قبلاً پیش بینی نمی شد ولی مقاومت
مردانهٔ حکومت حسینی در برابر حکومت یزید طبعاً باین
نتیجه می رسید که
پس از سه سال که یزید مرد و کشوری آشفته و پریشان
پشت سر خود گذاشت، معاویه بن یزید از خلافت
کناره گیری کرد و حکومت خاندان ابی سفیان متلاشی
شد و مروان حکم تصمیم گرفت با عبدالله زبیر بیعت
کند در این موقع شخصیت بزرگ حسین بن علی بود که می
توانست با آن درایت و کفایت و محبوبیت بی نظیر
خود زمام کشور آشفتهٔ اسلامی را بدست گیرد و
مملکت را از هرج و مرج و آشفتگی نجات بخشد
بدیهی است در چنین شرائطی شخصیت های دیگری مثل
عبدالله زبیر نمی توانستند در مقابل قدرت عظیم امام
مقاومت کنند و ناچار تسلیم می گشتند یا ساکت می شدند
و حسین بن علی ع زمامدار با اقتدار اسلام پیروزمندانه

www.kitabmart.in

کشور را بسوی تکامل مادی و معنوی راهبری می کرد و
چنانکه آرزوی رسول خدا بود جهان اسلام را بمدارج
عظمت می رسانید.

## وحدت سیاسی

بدیهی است اگر حکومت نیرومند اسلامی چنانکه دلخواه
امام حسین بود تشکیل می شد چون زعامت کشور
بدست سبط پیغمبر می افتاد و طبعا بعد از و خاندان
رسالت بودند که کشور عظیم اسلامی را رهبری می کردند
یک وحدت سیاسی نیرومند و ثمربخشی بوجود می آمد
و درینصورت کاملا طبیعی بود که پس از گذشتن
نیم قرن یا کمتر سراسر جهان اسلام تابع اهل بیت
عصمت میشدند و این همان حقیقت تشیع است.
آنگاه این شگاف و اختلاف زیانبار که
منشأ اصلی آن سقیفه بود از میان برداشته
می شد و دیگر دو گروه متضاد بنام شیعه و سنی
وجود نداشت و از این راه این همه ضربه به اسلام
وارد نمی گشت و در حقیقت امام حسین زیانهای را

www.kitabmart.in

که حکومتهای سابق خصوصاً حکومت ضد اسلام پسر ابی سفیان
در طول پنجاه سال بر اسلام وارد ساختند جبران می‌فرمود
پس باید گفت بوجود آن یک وحدت سیاسی و از
بین رفتن اختلافات ملل و مذهبی که ریشه آنها اختلاف
در حکومت و خلافت بوده از آثار ثمربخش و پرارزش
حکومت حسینی می‌بود (۱)

(۱) تا اینجا چند صفحه بعیون الفاظش از شهید جاوید
نقل شده تا از آن نتیجه گرفته شود

www.kitabmart.in

# حالا باید دید

با همه این امکانات روشن، حضرت امام حسین مثل
بزرگان خود و مثل سیرت اولائی خود که پیش از [illegible] مرگ
معاویه بود این موقع زرین را از دست می دهد و با قدرت
خود بر اعدام ولید و مروان، آنها را اعدام نمی کند
و حکومت خویش را در مدینه تشکیل نمی نماید تا همه
آن نتایجی که نگارنده «شهید جاوید» در عبارات
حلقه بحلقه خود که بنزدیکی سابقا درج شد مرتب
گردد و بحسب نظر سیاسی که صد در صد بنیان مطالب
شهید جاوید بر اساس آن ترتیب داده شده
سبب آن واقعه خونین که آن را باسم «فاجعه
کربلا» می نامند، خود حضرت شده و عهده دار تمام
تبعات آن گردید که یکی یکی را «شهید جاوید» بعبارات
ملین خود بجلوه آورده و ما آنها را هم باصل الفاظ «شهید جاوید»
در این کتاب ایراد خواهیم ساخت.

www.kitabmart.in

## تذکر

حالا آن دو دانشمند بزرگوار که بر حضرت مسلم بن عقیل ایراد گرفته اند که او چرا ابن زیاد را بر طبق رأی شریک نکشت و می فرمایند:

لو کان فعل مسلم من قتل ابن زیاد ممکن منه و وافقه علیه شریک لبطل الامر و دخل الحسین الکوفة غیر مدافع و حسر کل احد قناعه فی نصرته و ظاهره مع اعدائه

اگر مسلم عبید الله را کشته بود نقشه های ابن زیاد باطل می شد و امام حسین بدون مزاحم وارد کوفه می گشت و همه آدم آشکارا بکمک وی می شتافتند و هر کس در دل خواهان یاری آن حضرت بود به نیروهای وی می پیوست و با دشمنانش مبارزه می کرد

این نظر را با ترجمه که درج شد نویسنده شهید جاوید در ص ۳۴۳ کرده و در جای دیگر تفصیل این حکایت را چنین سرائیده:

(۱) شهید جاوید ص ۳۴۳

www.kitabmart.in

شریک بن اعور پسر حارث همدانی که یکی از سیاستمداران
معروف و از شیعیان مخلص امام حسین بود همراه
عبیدالله بن زیاد از بصره به کوفه آمد و در کوفه مریض
شد و در منزلی که مسلم بن عقیل مخفی بود بستری
گشت و خبر بیماری وی به عبیدالله زیاد رسید و
تصمیم گرفت به عیادتش برود.

شریک بن اعور به مسلم گفت ابن زیاد به دیدن من
می آید تو برای کشتن او آماده باش. آنگاه بطور
غافلگیر بوی حمله کن و او را از میان برگیر. اگر او را کشتی
حکومت کوفه را قبضه می کنی و در قصر حاکم نشسته
بفرمان روائی می پردازی و هیچکس با تو مخالفت
نخواهد کرد و اگر من سلامت خود را باز یافتم به بصره
بر می گردم و آن شهر را زیر فرمان تو می آورم.

"شریک بن اعور" که سیاستمداری ورزیده و
راستگو است و از افکار عمومی مردم عراق بخوبی
آگاهی دارد می گوید: اگر ابن زیاد کشته شود
همه مردم کوفه مسخر فرمان مسلم خواهند شد و هیچکس

www.kitabmart.in

با وی مخالفت نخواهد کرد و می‌گوید: بصره برای
پذیرفتن حکومت حسینی آنقدر آمادگی دارد که کافی است
خود او به بصره برگردد و مردم را به پذیرفتن فرمان
مسلم بن عقیل دعوت کند.
چنین نیست که شریک بن اعور برای خوش آمد
مسلم چند جمله مبالغه آمیز گفته باشد بلکه خواسته است
یک واقعیت محسوس و حقیقت ملموس را بیان کند و آن
واقعیت اینست که افکار عمومی مردم کوفه و بصره پشتیبان
امام حسین و خواهان حکومت آنحضرت است و
با کشته شدن ابن زیاد کوفه و بصره و سپس همه
عراق بی درنگ در تصرف مسلم در خواهد آمد و حسین
ابن علی پیروزمندانه وارد کوفه خواهد شد.
یا للاسف
آه بیچاره مسلم بن عقیل که دو نفر آقایان
بزرگوار و به پیروی آنان نویسنده "شهید جاوید"
تمام تبعه کشته شدن حضرت امام حسین و تاراجی
خانواده اهل بیت رسول را بسر او می‌گزارند لا حول
ولا قوة الا بالله

www.kitabmart.in

## نمونهٔ عمل برای مسلم

اینهائی که بر حضرت مسلم رض ایراد گرفته اند باید
اول همین ایراد را با همین اسلوب و تعبیر بر خود حضرت
سید الشهداء علیه السلام بنمایند که اگر حسین ع
ولید و مروان را کشته بود، نقشه های یزید باطل
می شد و امام حسین ع بدون مزاحم بر سر حکومت حجاز و
عراق و یمن و ایران و سائر نقاط اسلامی غیر از دمشق و
مصر متمکن می شد و همهٔ مردم آشکارا دور و بر وی
جمع می شدند و هر کس در دل میلی بسوی آل رسول ص
داشت به تیروهای وی می پیوست و با دشمنانش
مبارزه می کرد...

ولی حضرت ولید و مروان را نه کشت و سبب
شد که نقشه های یزید بروی کار بیاید که بتاراجی
خانهٔ اهل بیت رسول و کشته شدن اولاد رسول ص بینجامد
آیا همین است مقصود کسی که این نظر مرده را
بگور رسیده و رانبش قبر نموده بمنظر عام آورده است؟!

www.kitabmart.in

# پرسش پاسخ خواه

در شهید جاوید ص ۱۰۵ آمده که قیام آنحضرت
با تهاجم حکومت شروع شد و امام برای نپذیرفتن
خلافت یزید بسختی مقاومت کرد و بعد از آن حضرتش
برای تشکیل حکومت اقدام کرد که
ما می پرسیم که اگر تشکیل حکومت وظیفه امام است
چرا باید حضرت انتظار بکشد که تهاجم از جانب یزید
بشود و چرا خودش ابتدا اقدام برای تشکیل حکومت بر ندارد
پاسخ این بذمه پیر و نظر فراموش شده است

www.kitabmart.in

# نتیجهٔ بررسی

نتیجهٔ بحث این است که اعمال این رهبران روحانی را نباید بر ترازوی سیاست دنیوی سنجید والا آدم خود هم گمراه می شود و دیگران را هم اسباب گمراهی فراهم می آورد.

طوری که حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام در یکی از السنه و اقلیم دانا ~~نهج البلاغه~~ می فرماید:

لولا الدین لکنت ادهی العرب

و بنابش طوریکه شریف رضی ایراد نموده فرمود: لولا کراهیة الغدر لکنت من ادهی الناس

نظر این رهبران دین در اعمال خود همیشه بسطح بلندی می باشد که نگاه سیاستمداران دنیا بآن نمی رسد. از این جهت خیال می کنند و بجلوه می آرند که اقدامات شان از راه اشتباه است، با این که عمل آنها مبنی بر اشتباه نمی باشد بلکه اینها در اشتباه اند که مقام ایشان را نفهمیده اعمال آنها را بر مقائیس سیاست پست دنیا می سنجند.



نهج البلاغه ط مصر ج ۱ ص ۴۴۱

www.kitabmart.in

## نظر فراموش شده چه ضرر دارد؟

ضررش همین بس است که این نظر تهمتهائی را
که با امام علیه السلام می زدند تقویت می کند
حالا ببینید شهید جاوید ص ۱۷۲ تا چندین صفحات
بعدی

تهمتهائی که به امام می زدند

"عمال حکومت استبدادی یزید هم در آن ایامی که
فرزند پیغمبر را مورد تهاجم قرار داده بودند و هم پس
از شهادت آنحضرت کوشش می کردند که او را آشوب
و فتنه انگیز بنامند و اقدام وی را اقدام بر ضد امنیت
و بدینوسیله تجاوز دستگاه حکومت را نسبت به امام
[illegible]
حسین و خاندان پیغمبر توجیه نمائید
[illegible]
نظامیان حاکم چه گفتند؟
[illegible]
هنگامیکه امام حسین از مکه خارج شد عمرو بن سعید
حاکم حجاز که در آن سال بعنوان امیرالحاج از طرف یزید

www.kitabmart.in

تعیین شده بود مأموران مسلح خود را بریاست برادرش
یحیی بن سعید برای تعقیب کاروان حسین بن علی فرستاد
که آنحضرت را بمکه برگردانند. آنگاه که کاروان
امام از مکه خارج شده بود نظامیان مسلح حاکم او را
تعقیب کردند و خواستند فرزند پیغمبر را بمکه برگردانند
امام از برگشتن بشدت امتناع کرد تا آنجا که زد و
خورد باشلاق هم بمیان آمد. عمال حکومت که از جلب
آنحضرت مایوس شدند بوی گفتند: اما تتقی الله
تعالی تخرج من الجماعة و تفرق بین هذه الامة
"آیا از خدا نمی ترسی که از جماعت مسلمانان خارج
می شوی و در میان امت تفرقه می اندازی"
منطق سازمان حکومت سرنیزه اینست که حسین
ابن علی از خدا نمی ترسد و تقوی ندارد و بر ضد امنیت
اجتماعی اقدام می کند پس لازم است دولت خیرخواه
صد در صد ملی !! ! حسین را که عامل فتنه و آشوب
است ؟ ؟ ؟ سرکوب کند —

www.kitabmart.in

با این منطق می خواهند تجاوز حکومت یزید را نسبت
بسبط رسول اکرم ص حق بجانب جلوه دهند

ابن زیاد بمسلم چه گفت ؟

هنگامیکه مسلم بن عقیل را امان دادند با صورت و دهان
مجروح دستگیر کردند و نزد عبید الله زیاد حاکم مغرور
عراق آوردند، او بمسلم گفت :

یا ابن عقیل اتیت الناس و امرهم جمیع و کلمتهم
واحدة لتشتت بینهم و تفرق کلمتهم

" ای پسر عقیل تو آمدی تا در بین مردمی که با هم متحد
بودند تفرقه بیندازی و اختلاف ایجاد کنی "

(تا آنکه می گوید)

حاکم حجاز چه گفت

---

نه تنها در ایامی که امام حسین ع مورد تجاوز دستگاه
حکومت واقع شده بود بوی تهمت می زدند بلکه
پس از شهادت آنحضرت نیز عمال حکومت سر نیزه
سعی می کردند که اعمال وحشیانه و غیر انسانی خود را

www.kitabmart.in

حق بجانب جلوه دهند و امام حسین را محرک فتنه و
بوجود آورنده حادثه کربلا بخوانند
در محیط حکومت اختناق و وحشت که کسی جرأت
نفس کشیدن نداشت جیره خواران دولت با کمال
بی شرمی در اجتماعات عمومی بر ضد فرزند پیغمبر ص
که با شمشیر استبداد بخاک و خون غلطیده بود سخنرانی
می کردند و ناسزا می گفتند.
پس از کشتار دلخراش و غم انگیز کربلا ابن
زیاد که فاتح جنگ بود خبر قتل امام را بعنوان یک مژده
مسرت بخش به جیره خواران دولت گزارش داد
و از جمله توسط پیکی این خبر را برای عمرو بن سعید
حاکم حجاز فرستاد. حاکم حجاز عمرو بن سعید که در آن
هنگام در مدینه بود بعنوان نماینده یزید در میان
اجتماع مردم بمنبر رفت و خبر قتل امام حسین را بطور
رسمی باطلاع مردم رسانید و حاکم در سخنرانی خود سعی
کرد کشتن فرزند پیغمبر ص را یک عمل دفاعی و ضروری که

www.kitabmart.in

حکومت یزید برای جلوگیری از تهاجم حسین بن علی انجام
داده است جلوه دهد. او ضمن سخنرانی خود در مسجد
مدینه کنار مرقد پیغمبر گفت من میل نداشتم این طور
پیش آمدی واقع گردد و دلم نمیخواست حسین بن علی
کشته شود و مایل بودم مثل همیشه که او بدی میکرد و ما از وی
میگذشتیم این بار هم از خطای او درگذریم و آسیبی
بوی نرسد ولکن کیف نصنع بمن سل سیفه
یرید قتلنا الا ان ندفعه عن انفسنا ولی با کسیکه
شمشیر میکشد و میخواهد ما را نابود کند چه کنیم ما جز
اینکه بحکم ضرورت از خود دفاع کنیم و او را بکشیم
چه چاره داشتیم

با این تبلیغات میخواهند امام حسین را عامل
یک تهاجم مسلحانه بخوانند و جنبش آنحضرت را در
افکار عمومی محکوم نمایند

ص ۱۷۷ تحت عنوان :—

"اهل سنت چه میگویند؟"

www.kitabmart.in

(از یک دسته از آنها نقل می کند که)
"گفته اند" حسین ابن علی ع آنطور که باید و شاید
در ارزیابی قدرت حکومت و سنجش قدرت خویش
دقت نکرد"

(باز می گوید) بعضی از آنان در خرده گیری و انتقاد تا آنجا
پیش رفته اند که حرکت امام را برای خود او و برای اسلام
و برای مردم مسلمان تا روز قیامت زیان آور پنداشته اند"
ص ۱۷۸ - ۱۷۹ گفتار ابن خلدون

ابن خلدون ضمن اینکه اهل سنت امام حسین را برای قیام و
زعامت مسلمانان تصدیق می کنند نظر میدهد که ارزیابی
امام درباره نیروی نظامی خویش دقیق نبوده است
او می گوید: واما الحسین فانه لما ظهر فسق یزید
عند الکافة من اهل عصره بعث شیعة اهل البیت
بالکوفة للحسین ان یأتیهم فیقوموا بامره فرای
الحسین ان الخروج علی یزید متعین من
اجل فسقه لا سیما من له القدرة علی ذلک

www.kitabmart.in

وظنها من نفسه باهليته وشوكته فاما الاهلية
فكانت كما ظن وزيادة واما الشوكة فغلط
(رحمه الله) فيها

" اما درباره حسین باید بگوئیم ، وقتیکه فسق یزید
نزد همه مردم زمانش ظاهر گشت پیروان اهل بیت
پیغمبر ص در کوفه از حسین بن علی درخواست کردند
بکوفه برود و آنان در قیام بضد یزید یاریش کنند ،
حسین دید چون یزید فاسق است قیام بر ضد او
واجب است خصوصا بر کسی که قدرت بر قیام دارد
و حسین بن علی گمان کرد هم اهلیت برای قیام دارد
و هم قدرت و گمان وی درباره اهلیت خود صحیح بود
بلکه بیش از آنچه شرط خلافت و اهلیت داشت
ولی گمان وی درباره قدرت خود اشتباه بود که خیال
کرد می تواند با نیروی نظامی خویش در قیام پیروز
گردد ، خدایش رحمت کند

www.kitabmart.in

ص ۱۷۹ گفتار طنطاوی

شیخ محمد طنطاوی استاد دانشکده لغت عرب

در این باره می گوید

احسن الحسین رضی الله عنه ظنه بمن التفوا حوله

الذین الحفوا فی استفزازه لقیامه بطلبها

و لم یحسب لصرامة الامویین و شدة شکیمتهم

حسابا و لم یستعرض ما غرر به العراقیون

اباه و اخاه فیما سبق

«حسین بن علی رضی الله عنه از روی خوش باوری

با کسانیکه اطراف او جمع شده بودند و شدیدا او را

برای قیام و قبضه کردن خلافت تحریک و تشویق می کردند

اطمینان پیدا کرد از نیرو قیام کرد - ولی از طرفی

قدرت و شوکت بنی امیه و شدت عمل دستگاه

حکومت را بحساب نیاورده و از طرف دیگر

فریب کاری مردم عراق را که قبلا پدر و برادرش

را فریب داده بودند از نظر دور داشت

www.kitabmart.in

ص ۱۸۰ گفتار عبدالوهاب نجار

عبدالوهاب نجار استاد دانشگاه الازهر مصر هم درباره قیام امام حسین نظری شبیه نظر شیخ محمد طنطاوی دارد، او می گوید :-

من الظلم ان یقال ان یزید اشخص حسینا الی العراق فان حسینا ذهب الی العراق مختارا مغترا بما جاءه من اهل العراق و بما یعتقده لنجاحه من قرابة رسول الله

"این ظلم است که کسی بگوید یزید حسین بن علی را ناچار کرده است که بعراق برود زیرا حسین بن علی باختیار خود بعراق رفت و او از دو جهت فریب خورد :-

۱- خیال کرد مردم عراق که دعوتش کرده اند در یاریش وفادار خواهند بود.

۲- خیال کرد قرابت با رسول خدا چنان مقام اجتماعی بوی داده است که می تواند در این قیام پیروز گردد

www.kitabmart.in

ص ۱۸۱ گفتار خطیب

محب الدین خطیب مصری اظہار نظر چند نفر از کسانی را که
می خواستند امام حسینؑ را از سفر عراق منصرف کنند و
کوشش رد کرد در این راه که دند نقل می کند آنگاه می گوید:-
فلم یفد شیئ من هذه الجهود فی تحویل الحسین عن
هذا السفر الذی کان مشئوما علیه و علی الاسلام
و علی الامة الاسلامیه الی هذا الیوم و الی قیام الساعة
و کل هذا بجنایة شیعته الذین عرضوه بجهل و غرور
و رغبة فی الفتنة و الفرقة و الشر

"این همه کوششی که این افراد خیر خواه برای منصرف کردن
حسین بن علی از سفر کوفه کردند بی نتیجه ماند و سرانجام
حسین اقدام بسفری کرد که برای خودش و برای اسلام و
برای امت مسلمان تا امروز و تا قیامت زیان آور بود
و همه این زیانها بسبب جنایتی بود که شیعیان وی مرتکب
شدند زیرا شیعیان او بودند که از روی نادانی و غرور و حب
فتنه انگیزی و ایجاد شر و اختلاف حسین بن علی را برای

www.kitabmart.in

قیام و سفر عراق برانگیختند"

تا اینجا بود سخنان این پنج نفر که "شهید جاوید" آنها را نقل کرده و سپس سعی در اظهار نقاط ضعف در آنها بخرج داده است

نظر فراموش شده است که سرچشمه این همه سخنان است

حالا صاحب این نظر فراموش شده و پیروش و لویان حرفها که اینها زده اند راضی نباشند و خواسته باشند یا حالا بخواهند که رد آنها کنند. ولی متاسفانه با آن نظر خودشان دیگران باید بهمین نتیجه ها برسند و اگرچه تعبیرات مختلف است ولی روح مطلب صاحبان آن نظر همین می باشد که این پنج نفر یا هم نظرهای آنان می گویند یا بگویند یا پیش از آن عمال حکومت یزید تهمتها با امام حسین ع زده باشند یا حالا اتباع شان بزنند.

نماینده آن نظر از اینان گله دارد که اینان تجاوز حکومت یزید را نسبت با امام از نظر دور داشته و توجه نکرده اند که عمال حکومت سر نیزه تا بحضرت تها جم کردند ——— این نویسندگان اهل سنت

www.kitabmart.in

چون تهاجم حکومت یزیدی را بحساب نیاورده اند،
در درک ماهیت قیام امام دچار اشتباه شده
و نتوانسته یا نخواسته اند تشخیص بدهند که عامل
اصلی این حادثهٔ خونین حکومت تجاوزکار یزیدی
بوده نه حسین بن علی" (۱)

ولی این "نویسندهٔ شیعی" را چه کنیم که حسب
موازین دستگاه حکومت و حسب موازین تودهٔ اهل سنت
و حسب موازین خاورشناسان در همهٔ مراحل
تهاجمات حکومت سببش را در تظاهرات و
محاولات و افکار و اعمال حضرت امام حسین نشان
میدهد

مثلاً در زمان قیام مکه می گوید:—
ص ۱۹۲ "منظور آنحضرت این بود که خلافت تحمیلی
یزید را نپذیرد و علت نپذیرفتن خلافت یزید را
برای مردم بیان فرماید و ضمناً اوضاع سیاسی عراق و
قدرت نظامی خویش را ارزیابی کند تا در صورتیکه شرائط
مساعد باشد خلافت اسلامی را بمرکز اصلی خود برگرداند

---

(۱) شهید جاوید ص ۱۸۲ - ۱۸۳

www.kitabmart.in

(خودش می گوید) بدیهی است از هنگامیکه امام حسین ع
از مدینه بمکه هجرت فرمود طبعا از طرف سازمان حکومت
همه کارهای آنحضرت را زیر نظر گرفته و اوضاع و احوال وی
را به یزید گزارش می دادند و این وضع تا چهار ماه
ادامه داشت "

باین عبارت عذر مهیا می کند برای حکومت یزید که
چرا در مکه بر حضرت تهاجم کردند؟ آیا عمال یزید در
جواز تهاجم بیشتر از این لازم دارند که بگویند

سیوم بقیه دارد

شهید جاوید ص ۱۹۳ " بعلت شخصیت اجتماعی عظیمی که
امام در بین مردم داشت در میان ملت مسلمانان خصوصا
شیعیان علی ع هیجان شدیدی بوجود آمد و مردمی که
از اطراف کشور وسیع اسلامی بمکه می آمدند با عشق و
علاقه فراوانی بخانه فرزند پیغمبر ص می رفتند و هر دسته ای
از مردم درباره مسائل مورد علاقه خود سوالاتی می کردند
و جواب می شنیدند

www.kitabmart.in

این اجتماعات مرتب در مکه در حضور امام تشکیل می شد
و هرچه بر مدت توقف آنحضرت افزوده می شد توجه
مردم بامر مسلد جدید یعنی امتناع امام از بیعت بیشتر
منتشر می گشت —

خبر این جریانات توسط کاروانهائی که بمکه می آمدند
بسایر شهرستانها منتقل می شد و هر روز بیش از روز پیش
منتشر می گشت و بعنوان خبر روز در همه جا بحث می گشت
و بیش از هر حادثه دیگری جلب توجه محافل سیاسی را
کرده بود "

به به — یک محامی رسمی حکومت شام در
مجمع بین المللی از جانب یزید بهتر از این چه حمایتی
می تواند بکند و بجای این تصویری که این محامی مجانی
کرده است نتیجه بدست می آید که اگر یزید در این حال
در مکه بر امام سخت می گرفت، چه می کرد؟
آیا حکومت خود از دست می داد. بحسب قاعده
عمومی و عقلائی که حکیم سعدی گفته است:

سر چشمه شاید گرفتن بیل چو پر شد نشاید گذشتن بپیل

www.kitabmart.in

این عجب نویسنده ایست که چیزهائی را که حضرت
بعنوان عذر از جانب خود پیش آورده، این شخص
آنها را لباسی می پوشاند که از جانب حکومت حجت
باشد بر علیه حضرت و عذر تهاجم باشد بر آنجناب.
مثلاً در ص ۲۲۴ که خطبهٔ امام را نقل کرده در حضور حر و
اردوی هزار نفری سوارانی که با او بودند - اصل مضمون خطبه
بعبارت خودش این است :-
"ای مردم! من می خواهم دلیل حرکت خود را بسوی
کوفه در پیشگاه خدا و برای شما بیان کنم. من بسوی
کوفه حرکت نه کردم مگر بعد از آنکه نامه و فرستادگان
شما آمدند و گفتند ما رهبر و زمامدار نه داریم. تو
رهبری ما را بپذیر تا خدا بوسیلهٔ رهبری و زمامداری
تو ما را بر حق و راستی مجتمع سازد، اینک من آمده ام
پس اگر شما هنوز بر همان عقیده هستید و با من
عهد و پیمان می بندید که در یاریم کوشا باشید، در اینصورت
بشهر شما می آیم و اگر پیمان نه می بندید و در یاریم
کوشا نیستید، من از اینجا بر می گردم"

www.kitabmart.in

معلوم است که این خطاب بسوی آن جماعت خصوصا
نیست بلکه چون آنها اهل کوفه هستند، از این جهت
"فرستادگان شما" و "شما هنوز بر همان عقیده
هستید" این همه تخاطبها بنوع اهل کوفه است و در این
هیچ ترغیبی برای این جماعتی که جلو حضرت است و
آنها نظامیان رسمی حکومت اموی اند نیست که آنها
قلاده اطاعت حکومت خویش را از گردن خودشان
بیرون کنند و با حضرت به پیوندند ولی این نویسنده
که قلم برداشته گانه، برای اثبات دعوای حکومت
یزید که حسین "یاغی است و بر ضد حکومت خروج
کرده این خطبه ساده را رخت سیاست پوشانیده
در حاشیه می گوید:-

"می خواهد اگر ممکن باشد حر بن یزید و اردوی او را
بسوی خود جلب کند تا در مبارزه با حکومت یزید
با آنحضرت همکاری کند".

اگر این طور می بود حضرت در خطبه با آن مرتبه فصاحت و
بلاغت هاشمی علوی یکی یکی از معائب یزید را می شمرد

www.kitabmart.in

و فضائل خود و احادیث نبوی که اثبات حقیت او می کرد
و ثواب جهاد و اجر نصرت حق را پیش می نهاد ،
نه اینکه با الفاظ خنک ساده با آنها بگوید که اگر شما
بر آن قرار هستید من می آیم و الا برمی گردم
کسی که تشکیل حکومت و مبارزه عسکری با یزید را
برای خود فریضه لازم بداند آیا همین طریق را اختیار
می کند ؟
ولی نویسنده «شهید جاوید» بخواهد یا نخواهد ،
در دست حکومت یزید یک سندی می دهد برای جلوگیری از
حرکت حسینی که او می خواست در قشون انتشار و
اضطراب پیدا کند و آنها را ترغیب می کرد که بر ضد حکومت
خود راه طغیان اختیار کنند و در این وقت بر ما لازم
بود که برای صیانت نظام حکومت خود هرچه بتوانیم بکنیم

www.kitabmart.in

## باز ابداء عذر از جانب یزید در تهاجم بر امام پیش از تمامیت حج

شهید جاوید ص ۲۰۶ " بدو علت پس از رسیدن نامهٔ مسلم امام حسین ع فوراً بسوی کوفه حرکت نکرد

۱- امام می توانست در موسم حج با مردم مختلفی که از اطراف کشور وسیع اسلامی برای انجام حج می آمدند تماسهای حاصل کند و مذاکرات لازم را که بهدف وی کمک می کرد با آنان بنماید و می توانست در این تماسها مردم یمن و افریقا و آذربایجان و خراسان و سایر اقطار اسلامی را بطور کامل از تصمیم خود آگاه سازد و در تشکیل حکومت از آنان کمک بخواهد و بدون تردید با آن محبوبیت بی نظیری که فرزند پیغمبر داشت افکار مردم مختلف بیش از پیش بوی متوجه می شد و دعوت آنحضرت را با خرسندی می پذیرفتند و در این صورت امام حسین ع با وضعی مطمئن تر و موقعی محکم تر بسوی کوفه حرکت می فرمود

۲- شاید این نکته هم در نظر آنحضرت بوده که میخواسته است پیش از انجام حج بکوفه نرود تا وسیلهٔ تبلیغات سوء بدست دشمن ندهد و عمال حکومت نگویند حسین ابن علی برای طلب حکومت از خانهٔ خدا اعراض کرده و از انجام مراسم حج که از شعائر بزرگ اسلامی است سر باز زده است

www.kitabmart.in

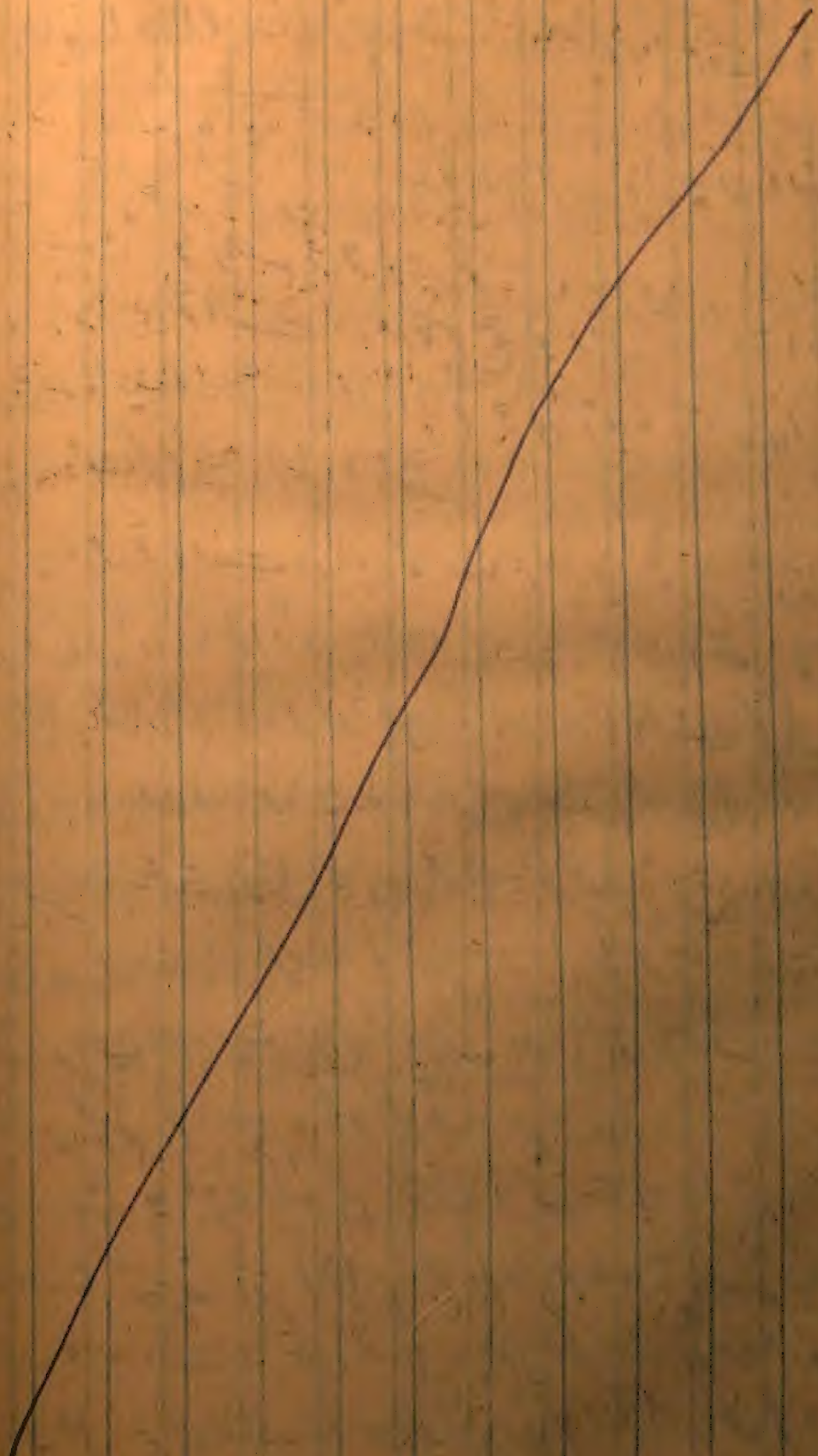

www.kitabmart.in

# نکتهٔ لائق تامل

بحسب نظر فراموش شده، تشکیل حکومت برای امام فریضه لازم است پس اگر امام برای ادای این فریضه امسال این حج را که برای حضرت فریضه واجبی نیست (چون معلوم است که آنحضرت پیش از این چندین بار حج بعمل آورده بود) ترک بکند بحسب اصول عقلائی و موازین شرعی عیبی ندارد و نظیرش در تاریخ اسلام پیش از این موجود است که کسانیکه تشکیل حکومت را یک فریضه اهم می دانستند او را بر کارهای دیگر حتی بر دفن حضرت خدا صلی الله علیه و آله و سلم مقدم کردند —

ولی صاحب تعمیر شهید جاوید گفته "امام خواست که پیش از انجام حج بکوفه نرود تا وسیله تبلیغات بدست دشمن ندهد و عمال حکومت نه گویند حسین بن علی برای طلب حکومت از خانهٔ خدا اعراض کرده"

لازمش این است که حضرت این معنی را برای صفحهٔ اخلاقش یک لکه سیاه می داند که طلب حکومت را مقدم بر حج کرده باشد — معلوم می شود که تشکیل حکومت

www.kitabmart.in

چیزی نیست که از فرائض امام باشد و هرگاه این
تبلیغ حکومت را امام برای اخلاق بلندش نکند لکه سیاه
می داند پس کسی که می خواهد این تبلیغ بکند یا می کند که
اصل مقصود امام علیه السلام از قیام خود تشکیل حکومت بود
آیا امام از آن راضی خواهد بود ؟ ؟

www.kitabmart.in

# شگفت آور

نویسنده ای که در صفحه ۲۲۴ نوشته که امام می خواست
حر بن یزید و اردوی او را بسوی خود جلب کند تا در
مبارزه با حکومت یزید با آنحضرت همکاری کند"
در ص ۲۳۰ یعنی بفاصله کمتر از شش صفحه هنگامیکه
بعد از مصادفت با حر امام تصمیم مراجعت بحجاز
فرمود می نویسد :-
" آنحضرت با این دستور جدی که درباره برگشتن
کاروان صادر کرد با حر بن یزید می فهماند که امام
تمام قوی از جنگ پرهیز می کند و شایسته است
این مرد صلح و اصلاح را آزاد بگذارند و اگر خواست
مراجعت کند مزاحم وی نشوند "
حالا نسبت بکسی که میلش بمبارزه ساعتی پیش
حسب نوشته همین نویسنده ظاهر شده باشد چطور
می فهمد که حضرت با تمام قوی از جنگ پرهیز می کند؟
حل این مسئله بر عهده این نویسنده است

www.kitabmart.in

## حمایت یزید بنوع دیگر

چیزهائی را که سبب دفاع از حضرت سید الشهداء ع است و اثبات می‌کند که آنحضرت جنگ طلب نبود مثل بردن زنان و کودکها با خود حتی دکتور اقبال که از مفکرین اهل سنت است گفته:

مدعایش سلطنت بودی اگر خود نکردی با چنین سامان سفر

این شخص رختی می‌پوشاند که اینها دلیل این مطلب نباشد چنانکه می‌گوید:

ص ۲۸۲ "آنچه درباره خاندان امام می‌توان گفت اینست که چون مسافرت آنحضرت بمکه بقصد توقف در حرم خدا و ارزیابی اوضاع سیاسی و قدرت نظامی خویش بود و معلوم نبود که مدت اقامت امام حسین ع در مکه چقدر خواهد بود برای اینکه از نزدیک از حال خاندانش آگاه باشد و در نگهداری و صیانت آنان بکوشد عائله خویش را بمکه برد و پس از چهار ماه و پنج روز توقف در مکه وقتیکه احساس خطر کرد بسوی کوفه حرکت کرد و از قرائن

www.kitabmart.in

# حمایت یزید بنوع دیگر

چیزهائی را که سبب دفاع از حضرت سید الشهداء ع است و اثبات می‌کند که آنحضرت جنگ طلب نبود مثل بردن زنان و کودکها با خود حتی دکتور اقبال که از مفکرین اهل سنت است گفته:

مدعایش سلطنت بودی اگر خود نکردی با چنین سامان سفر

این شخص رختی می‌پوشاند که اینها دلیل این مطلب نباشد چنانکه می‌گوید:

ص ۲۸۲ "آنچه در بارهٔ خاندان امام می‌توان گفت اینست که چون مسافرت آنحضرت بمکه بقصد توقف در حرم خدا و ارزیابی اوضاع سیاسی و قدرت نظامی خویش بود و معلوم نبود که مدت اقامت امام حسین ع در مکه چقدر خواهد بود برای اینکه از نزدیک از حال خاندانش آگاه باشد و در نگهداری و صیانت آنان بکوشد عائله خویش را بمکه برد و پس از چهار ماه و پنج روز توقف در مکه وقتیکه احساس خطر کرد بسوی کوفه حرکت کرد و از قرائن

www.kitabmart.in

# یک نکته

نگارنده‌ای که رضا ندارد گفته شود که بشهادت امام حسین اسلام زنده شد و در ضمن رد این می گوید:-

"امام حسین پس از برخورد با حر بن یزید تصمیم گرفت به حجاز برگردد و وی این مطلب با فشاری را بازگرد تا آنجا که از آن هنگام تا شروع جنگ حد اقل پنج دفعه پیش نهاد مراجعت و ترک خصومت نمود و نیز در عاشورا، قشون دشمن را از کشتن خود برحذر داشت و برای جلوگیری از جنگ خونریزی کوشش بسیار کرد.

آیا اینکه امام تصمیم گرفت به حجاز برگردد و چند دفعه پیشنهاد ترک خصومت کرد و نیز قشون ابن سعد را از کشتن خود برحذر داشت نمی خواست با کشته شدن وی اسلام زنده گردد؟ آیا آنحضرت از زنده شدن اسلام ناراضی بوده است" (۱)

بعد از یک صفحه می نویسد:-

(۱) شهید جاوید ص ۳۳۱

www.kitabmart.in

«آنچه حقیقت است اینست که مقاومت و مبارزه مردانه امام حسین علیه السلام تا سرحد شهادت در راه اسلام و برای زنده کردن احکام قرآن بود» (۱)

حالا باید پرسید آیا اینکه امام تصمیم گرفت به حجاز برگردد و چند دفعه پیشنهاد ترک خصومت کرد و نیز قشون ابن سعد را از ریختن خون خویش برحذر داشت، نمی خواست با مبارزهٔ مردانه اش تا سرحد شهادت سودی برای اسلام شود و احکام قرآن زنده گردد؟

## جواب حلّی

جواب این مسئله از معروضات قبلی معلوم می شود. اصلاً موقف حسینی امتناع از بیعت یزید بود بهر نحوه که باشد. اگر یزید و ابن زیاد بگذارند که در مدینه بماند و گوشه نشین باشد امام برای این حاضر است، ولی می داند که آنها بواسطهٔ شقاوت خویش نمی گذارندش.

(۱) شهید جاوید ص ۳۳۲

www.kitabmart.in

اگر بگزارندش که ثغری از ثغور ملحق شود چنانکه
در تواریخ است که امام پیش نهاد این معنی کرد یا از حدود
عرب بیرون رود و در افقی از آفاق دنیا حتی مثل هند برود
چنانکه مابین مردم هند ~~[illegible]~~ اشتهار دارد که حضرت
فرمود مرا بگزارید که بسر زمین هند بروم و بوسندی برای
این در کتب تواریخ متداوله تا حال بنظر نه رسیده باز هم
حضرت ببقاء خود سبب بقاء اسلام می شود و اگر نگزارند
و امام بعقل و نظر خود که چکیده عقل و نظر پیغمبر بود —
نه تنها بعلم لدنی بلکه بملاحظه درجه عناد و شقاوت آنها
که از حال آنها ظاهر بود می دانست که نمی گزارند
پس بعد از آن همه تصمیمها امام تصمیم داشت که تا حد
آخر که مرتبه شهادت است بر همین امتناع از بیعت یزید
قائم خواهد ماند چنانکه ماند و بمرتبه شهادت رسید پس حالا سبب
حیات اسلام شهادت حضرت شد یعنی بقای حضرت
بر موقف خود تا حدیکه بشهادت رسید

www.kitabmart.in

# منطق بسیار انتیکه

نویسنده محترم بعنوان "شکست علمی" می نویسد
"بعضی از بزرگان فرموده اند:
"در سراسر شیعه حدیثی از امام حسین نقل نشده
و بعضی فرموده اند فقط یک حدیث از آنحضرت
نقل شده است"
"اگر امام در این قیام شهید نمی شد و خلافت اسلامی
را بمرکز اصلی خود باز میگرداند در اینصورت مثل پدر
بزرگوارش در مسجد کوفه خطبه ها می خواند و برای عزل و
نصب حکام و فرمانها صادر می نمود و در پرتو شناسائی
از حقایق قرآن و اسلام پرده برمی داشت و شاگردان
فراوانی در تفسیر و حدیث و سایر علوم اسلامی تربیت
می کرد و جهانی را از علوم قرآن و حدیث پر می نمود"
(باز می گوید)
اگر امام حسین علیه السلام نیز مثل پدر بزرگوارش زمام امور را
بدست می گرفت و حداقل ده سال بر مردم حکومت
می کرد صدها خطبه از وی بیادگار می ماند و آثار

www.kitabmart.in

گران بهائی بصورت خطبه ها و نامه ها و فرمانها و
اخبار و احادیث اسلامی از حضرت در اختیار
مردم قرار می گرفت (۱)
بعد از این می سراید :-
" اگر در مرحله سوم قیام بهمانطور که خواست
امام بود ترک خصومت می شد و پسر پیغمبر ص بمدینه
برمی گشت و پس از مرگ یزید یا خلافت اسلامی را
بمرکز اصلی خود باز میگردانید و یا در وضعی مشابه وضع
حضرت سجاد و امام محمد باقر علیهما السلام بسر میبرد
و در هر دو صورت آثار گرانبهائی از علوم
اسلامی از آنحضرت بیادگار می ماند . ولی
هزار افسوس که آن وجود مقدس بشمشیر ظلم و استبداد
کشته شد و جهان اسلام از فیض وجودش
محروم گشت (۲)
ببینید این منطق شگفت آور را که در تمام
زندگانی حضرت امام حسین ع که مجموعاً پنجاه و هفت
سال است و بعد از وفات امیرالمؤمنین علیه السلام

(۱) شهید جاوید ص ۳۴۵ (۲) ایضاً ص ۳۴۶

www.kitabmart.in

بیست سال و بعد از وفات حضرت امام حسن ع در دورهٔ
امامت خودش ده ۱۰ سال، در همه مدت از امام حسین ع
هیچ حدیثی یا بجز یک حدیثی نقل نشد که آنحضرت پس از
بیست سال یا ده سال کشته شدنی بود. ولی فوراً بعد
از شهادتش از حضرت سجاد و امام محمد باقر علیهما السلام
با اینکه ایشان بر سریر حکومت نبودند آثار گرانبهائی
از علوم اسلامی یادگار می ماند.
آیا از این حقیقت ثابته این نتیجه برخلاف مطلوب مستدل
بر نمی آید که پیش از شهادت حضرت امام حسین ع چنان
اختناق شدیدی از حکومت معاویه بوجود آمده بود که
رجوع مردم بحضرت امام حسین ع اینقدر کم بود اما
بعد از شهادتش چنان شد که خلق باین درجه باهل
بیت پیغمبر ص مایل شد که از جانشینان آنحضرت که سید
سجاد و امام محمد باقر علیهما السلام بودند چنان آثار گرانبها
یادگار ماند.

www.kitabmart.in

## محصول بررسی

در این بخش اول کتاب آنچه گفته شد از هر کسی
می تواند بفهمد که در میان نظر مقبول متداول راجع بقیام
حضرت سید الشهداء که پیش از قرن چهارم و مابعد قرن
چهارم با حال در میان علماء شیعه مرکز اتفاق بوده و هست
و نظر دیگری که در قرن چهارم هجری از یک دو نفر بوجود
آمده و کمی نگذشت که خان بجان آفرین واجب سپرد
و بگور بی اعتنائی و فراموش شدگی آرمید و بتازگی یک نفر
آمده او را از گور بیرون آورده بمنظر عام آورد
چه فرق است

### فرق اساسی

نظر مقبول این است که حضرت امام حسین برای صیانت
دین جدش از بیعت یزید انکار نمود و در اول امر چون
انکار فرموده بود نه تنها می دانست نه تنها بعلم لدنی
بلکه بعلم عادی نظر بقرآن هم که نتیجه این انکار چه
بوقوع خواهد رسید ولی او حفظ نوامیس دین را از
جان و مال و اولاد خود همه مقدم داشت برای نگهداری دین برای
آنچه در این راه بر سرش بگذرد حاضر بود و تا آخر
بر آن استوار ماند تا اینکه بسر حد شهادت رسید.

www.kitabmart.in

نظر فراموش شده این است که آنحضرت برای
تشکیل حکومت بامید پیروزی قیام فرمود ولی جریان
احوال برخلاف امیدش شد و بالاخره همین اشتباه
بود که سبب کشته شدن وی و کشته شدن اصحاب و
اقربا و اولاد وی و تاراجی خانه وی که خانه پیغمبر بود
و اسیر شدن خاندان وی گردید.

حالا هر صاحب عاطفه شیعی می تواند حکم نماید که وجدان
او با این نظر فراموش شده موافقت دارد یا نه.

ما بفضل خداوندی در این بخش اساس این نظر دوم
را کنده خشت های او را یکی یکی از زمین در چیده دور
انداخته ایم. اما تفصیل نظر اول که مقبول است
از کتاب بزرگ ما که باسم "شهید انسانیت"
در هند و پاک معروف و متداول است و تا بحال
چهار دفعه در لکهنو (هندوستان) و لاهور (پاکستان)
بچاپ رسیده است معلوم می شود.

www.kitabmart.in

اگر توفیق خدا ادعای مساعد شود در بخشهای بعدی خلاصه
مندرجات «شهید انسانیت» را برای برادران ایرانی
بفارسی خواهیم نوشت والله المستعان
و علیه التکلان

علی نقی التقوی
(علی گره - هند)
۲ر سرطان ۱۳۹۶ ه

www.kitabmart.in

# تتمه مهمه

## نظر علم الهدی سید مرتضی علیه الرحمه

### با نقد آن

چون عمده بنای «شهید جاوید» بر نظر سید است که مصنف آن کتاب آن را دو تا می شمارد و می گوید: «نظری را که دو عالم بزرگ شیعه مرحوم سید مرتضی علم الهدی و مرحوم شیخ طوسی قدس سرهما در «تنزیه الانبیاء» و «تلخیص الشافی» درباره نهضت مقدس امام حسین علیه السلام اظهار کرده اند و صورتی مفصل تر منعکس نموده تا تحقیق تاریخی دانشمندان بزرگ شیعه با اسلوبی تازه و زنده در دسترس مردم فارسی زبان قرار گیرد پس آنچه در این کتاب آمده همانست که دو عالم بزرگ نامبرده گفته اند»

(شهید جاوید ص ۴۳۸)

ولی معلوم است که تلخیص الشافی تصنیفی مستقل از قلم مرحوم شیخ طوسی نیست بلکه اصل شافی تصنیف مرحوم سید مرتضی است که از همان جهت عبارتی که در تنزیه الانبیاء است بعیون الفاظ آن در تلخیص الشافی درج شده معلوم است که اگر شیخ الطائفه خودش نویسنده آن کتاب باشد ممکن نیست که عبارت او عبارات مصنفی دیگر متحد باشد.

از این جهت این نظر نظر دو نفر نیست بلکه همان نظر سید است که

www.kitabmart.in

## سید و انظار سید

www.kitabmart.in

باید در فقه فتاوای ابن جنید اسکافی و ابن عقیل عمانی
را نسبت بفتاوای شیخ الطائفه و محقق و علامه بیشتر اهمیت بدهیم
و نظر ابن قبه رازی را و نظر ابن قبه رازی را در اصول فقه است
بنظر شیخ مرتضی انصاری و آخوند خراسانی و میرزای نائینی اقرب بواقع بدانیم
و معلوم است که این طور نیست بلکه انظار قدماء زعما در این زمینه‌ها مردود و
متروک گردیده و عمده اعتماد بر انظار متأخرین است که ذهن آنها نسبت بقدماء
بیشتر در اعماق می‌رسد و این سیر در انظار اینها بسیار آشکار است

## ایرادی که در دفع آن
## سید نظر خود را ابداء نموده

این ایراد را سید بعبارات پهناوری بیان فرموده که شاید خود
ایراد کنند "با این قوت بیان و ذلاقت لسان نمی‌توانست آن را
وارد کند. پس اولاً ما آن اغلاطی را که در ایراد هست یکی یکی می‌نویسیم
سپس می‌رویم سر نظریکه سید ابراز فرموده و مسافتی که در آن است
بقلم می‌سپاریم و چون ما راجع باین موضوع کتابی مستقل بعربی
نوشته‌ایم "السبطان فی موقفیهما" و هم بسیاری
از اجزاء مهم آن در کتاب "شهید انسانیت" نوشته شده
از این جهت اینجا مجملاً نگاشته می‌آید و تفصیل را حواله آن دو کتاب می‌نمائیم
حالا شروع به تقریر اغلاطی که در ایراد است لازم می‌نماید تا

www.kitabmart.in

# غلط اوّل

"بچه علت روش سیاسی حسین بن علی علیه السلام مخالف روش برادرش حسن علیه السلام بود و چگونه می توان روش این دو امام را یکسان دانست با اینکه ظاهرا یکسان نبود؟"

# جواب آن

بدان علت که روش سیاسی حضرت پیغمبر ص در مکه با روش خودش که بعد از هجرت بمدینه بود مخالف بود و روش حضرت ص در بدر و احد و خندق و خیبر مخالف روش خودش در حدیبیه بود و همین طور روش سیاسی حضرت علی مرتضی ع در مکه پیش از هجرت رسول ص مخالف روش خودش در مدینه پیش از حدیبیه بود و روش او در مدینه پیش از حدیبیه مخالف روش خودش در حدیبیه بود و روش او در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مخالف با روش او بعد پیغمبر ص تا بیست و پنج سال بود و روش او در این بیست و پنج سال مخالف با روش او در پنج سال اخیری از عمر خودش بود پس هرگونه روش پیغمبر ص را در ادوار حیات وی و روش حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را در دوره های زندگانی وی می توان یکسان دانست بهمان طور روش این دو امام را در دوره های هر یک می توان یکسان دانست بتفصیلش موکول است بهمان دو کتاب نامبرده ما که پیش از این ذکر نمودیم

www.kitabmart.in

## غلط دوم

امام حسینؑ وقتی با خانوادهٔ خود بسوی کوفه حرکت کرد که دشمنانش بر آن شهر مسلط بودند و حاکم یزید بر کوفه فرمان می راند. با اینکه آنحضرت دیده بود مردم کوفه با پدر و برادرش چه کردند و آنان بی وفا و خائن هستند

## دفع آن

حضرت پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم هم با خانوادهٔ خود بسوی مدینه حرکت کرده بود در حالیکه بنو امیه بر آن شهر از حیث ثروت و قدرت مسلط بودند چون جماعتی از اهالی آن شهر آنحضرت را برای آمدن به آنجا و راه نمائی دینی طلب کرده بودند همین طور جماعتی از اهل کوفه حضرت امام حسین را برای آمدن راه نمائی طلب کرده بودند. حضرت پیغمبر هم مقصودش اقوال و یا اتفاقات از بین بردن ثروت و اقتدار مادی بنو امیه که در آن شهر بودند نبود، ولی چون آنها مزاحمت در راه اصلاحات دینی حضرت فرضا از این جهت مانع آنها و حضرت تصادم واقع شد که منجر بهلاکت آنها شد، همین طور اقوال مقصود حضرت امام حسین از اول استیصال حکومت مادی یزید نبود و از این جهت جناب مسلم بن عقیل رضوان اللہ علیہ که مامور از طرف حضرت بود تعرض با نعمان بن بشیر نفرمود و نتیجه اش این شد که نعمان هم وجهی برای مزاحمت در مقابل آنان نمی دید و کسانیکه حضرت امام را طلبیده بودند هیچ غدر و خیانتی از آنها

www.kitabmart.in

نه رسیده بود و بعد اهم از آنها غدری بظهور نرسید . ولی باستیلای
عبید الله بن زیاد بر کوفه اوضاع چنان تغییر یافت که آنها نتوانستند
عوام اهل کوفه را از متابعت ابن زیاد جلوگیری کنند و معلوم است که
علم لامحاله و لو حاوی همه این انقلابات بعدی می باشد ولی
پیغمبر و امام مکلف می باشند که باسباب و آثار حالیه عمل کنند
و بر پیش آمدهائی که هنوز در پرده غیب مستور است ترتیب
آثار نمودن داخل وظیفه ایشان نیست .

## غلط سوم

چگونه نظر او با نظر همه اصحابش مخالف بود زیرا ابن
عباس او را از رفتن کوفه پرحذر می داشت چون می دانست در این راه
هلاک است و عبد الله عمر وقتیکه با او وداع کرد گفت ترا بخدا می سپارم
ای کشته و برادرش محمد نیز مخالف بود و غیر از این عده همه افرادی
که با وی در این باره سخن گفتند با این سفر مخالف بودند .

## جواب

آنها نظری که داشتند از جهات مادی بود چون آنها خیال می کردند که
مقصود حضرت غلبه عسکری است و استیصال حکومت یزید و استیلاء
بر بلاد اسلام پس می گفتند که اوضاع مقتضی این معنی نیست و حضرت
هیچ وقت تخطئه نظر آنها از این وجه نکرد بلکه غالبا تصدیق فرمود که
شما راست می گوئید و نظر شما درست است و بحسب موازین عقلائی

www.kitabmart.in

از آن جهاتی که شما در نظر دارید رای شما درست است ولی با این
از عزیمت خودش منصرف نگشت. از این جا باید فهمید که نظر
حضرت از جهاتی که آنها در نظر داشتند با رای آنها مخالف نبود ولی
جهات دیگری بنظر حضرت بود که آنها ملتفت بآن نبودند و ظرف
زمان مساعد نبود که حضرت پرده از آن جهات بردارد از این جهت
سربسته اقدام خود را مبنی بر مشیت الهی و تقدیر حق سبحانه
قرار می داد و معنی حواله دادن بمشیت الهی همین است که
این اقدام من مبنی بر مصالحی است که شما نمی توانید پی بآن ببرید

## غلط چهارم

وقتیکه دانست نماینده اش مسلم بن عقیل کشته شده چرا
برنگشت با اینکه بی وفائی مردم کوفه معلوم شده بود؟

## جواب

اگر عزیمت مسیری کوفه بامیدهای زرق برق می بود، باید بعد از
اطلاع بر کشته شدن مسلم مراجعت فرماید. ولی عزیمت بنابر دعوت دوستان
مخلص بوده و هنوز بحسب موازین ظاهری معلوم نیست که آنها از دعوت
خودشان منصرف شده اند و ممکن است آنها منتظر قدوم حضرت باشند
و بعد از تشریف آوردن حضرت آنها در نصرت وی جدیت نمایند و حالا
اگر اوضاع مساعد هم نشد و آنها نتوانند حق نصرت ادا کنند. باز هم چون
حضرت بدعوت آنها آمد و رسید باو آنچه رسید، لابد یک آتش سوزانی

www.kitabmart.in

در دل آنها افروخته می‌شود که بعداً شاید خان و مان سلطنت یزید را بسوزاند
چنانکه شد و همین جماعت توابین را وادار نمود که در مقابله حکومت یزید
پافشاری کنند و همین بود که مختار بن ابی عبیده ثقفی بآن نیرو یافت که
قاتلان حضرت امام حسین را بکیفر کردار برساند و عراق را تصرف نماید
و همین خورده خورده رسید بنقطه که حکومت از دست بنی امیه بیرون رفت

## غلط پنجم

چرا با عده‌ای کم بجنگ سپاه عظیم دشمن رفت سپاهی که
حکومت مرکزی شام پشتیبان آن بود؟

## جواب

نخیر - امام حسین بجنگ نرفت بلکه بدعوت اهل کوفه با زن و بچه
بیرون آمد تا کسی خیال نکند که بجنگ می‌رود و تا آخر وقت امکان سعی
فرمود که آتش جنگ افروخته نگردد، اما وقتیکه سپاه عظیم دشمن برایشان
هجوم آورد، دیگر در مدافعت نه تنها از نفس و عیال خود بلکه از مبدأ دینی
خود که بنظرش از نفس و عیال اهم‌تر بود در مقابله آن سپاه عظیم بحد
امکان جنگ فرمود و همچنین جنگ مدافعانه مقید بعدد همراهیان
نیست و همچنین جنگی مدافعانه که مقصود از او یک تضحیه ثمر آور بود
وظیفه شخص حضرت بود چنانکه آن عده کم را هم که فراهم شده بودند در خطبه
شب عاشورا اذن داد که آنها از او جدا شوند و هر جائی که خواهند بروند

www.kitabmart.in

و معنایش غیر از این نیست که کار من محتاج بشما هم نیست
بلکه من تنها این مهم را بانجام می رسانم. حالا چه عقلیست که در این
مقام مسئله کثرت و قلت را در بین آورد.

## غلط ششم

چرا وقتیکه ابن زیاد برادر عرض امان کرد و گفت اگر با یزید بیعت
کنی در امان هستی برای حفظ خون خود و همراهانش بیعت نکرد و خود را
به هلاکت انداخت و در حالیکه برادرش امام حسن حکومت را به معاویه واگذاشت
با اینکه کمتر از امام حسین ع گرفتار خطر بود؟
خلاصه روش سیاسی این دو برادر را چگونه می توان یکسان دانست

## جواب

اگر بیعت با یزید را حضرت امام حسین ع برای خود جائز می دانست چرا
در مدینه وقتیکه ولید خواستار بیعت شد حضرت بیعت نمی فرمود با اینکه
آن وقت وعده های نصرت از اهل کوفه در بین نبود. از این معلوم می شود
که انکار بیعت یزید منوط بامیدهائی نبود که حالا چون آن امیدها مبدل
به ناامیدی شد باید حضرت بیعت با یزید بکند.

بعد از انکار از بیعت با یزید که حضرت در مدینه نمود، عبدالله بن عباس و امثال
او از کسانیکه سابقا در همین ایراد نظر ایشان را بسیار مهم دانسته شده، هیچ
کدام از آنها با اینکه حضرت را از رفتن بکوفه پرهیز می داشتند، نگفت که چرا بیعت

www.kitabmart.in

با یزید نمی کنی و اصل خط های که حالا در دست است همه ناشی از انکار
بیعت است پس با آن خط ها خود حضرت و هیچ کس از اربابان
نظر و سیاست بیعت حضرت را با یزید چون در اول جائز نبود
چرا حالا جائز باشد و حقیقت این است که از اول روزی که حضرت
امتناع از بیعت با یزید فرمود برای این خط ها حاضر بود و بهمین
معنای این که حضرت خودش را بکشتن داد . ولی این برای حفظ
دین و حیاتی ناموس الهی بود که بهیچ گونه امام نمی توانست از آن
انحراف نماید

اما اینکه روش سیاسی این دو برادر را چگونه می توان یکسان
دانست ، ما می گوئیم از این جهت که در موقع امام حسن معاویه کاغذی
ساده فرستاده بود که هرچه خواهید شرائط مصالحه شما بنویسید من
قبول می کنم پس امام حسن شرائطی را نوشت که صیانت مبدأ اقدس
اسلام و حفظ قوانین کتاب و سنت باشد تمام معنی الکلمه می نمود و اینجا
حضرت امام حسین خودش شرائط صلح را عرضه داد و طرف امام قبول
نکرد پس هر فرقی که هست در روش کسانی هست که مقابل هر دو برادر
بودند . در روش خود دو برادر هیچ گونه اختلاف نیست .

www.kitabmart.in

# مسامحات سید در جواب آن

## مسامحهٔ اول

سید انیم اگر امام ظن قوی پیدا کرد که می تواند خلافت را قبضه کند و به وظائف زمامداری بپردازد، واجب است برای گرفتن خلافت اقدام کند و اگر هم برای او مشقتی قابل تحمل دارد باید آن را تحمل نماید.

## دفع آن

اوّلاً می گوئیم که هیچ عالمی از غیر معصومین علیهم السلام حق ندارد فتوی دهد بر معصوم که این کار بر او واجب است و این کار بر او حرام است، چه او حاوی نیست بر مصالح و مفاسدی که علم امام بر آن حاوی است پس چه حق دارد که فتوائی بر اشخاص اصدار نماید.

و اگر در صورت ظن قوی بر این که خلافت را می تواند قبضه کند، تحصیل خلافت بر او واجب است، چرا حضرت امیر مؤمنان، فتنکه بعد از عثمان مردم خواستند با وی بیعت کنند اوّلاً امتناع فرمود؟ آیا در این امتناع خود ش می خواست ترک واجب کند؟

و حضرت امام حسن، که نه تنها ظن بحصول خلافت داشت بلکه خلافت بر ایش حاصل بود؛ خلافت را بمعاویه سپرد و خود حضرت امام حسین، در وقتیکه والد ازوی طلب بیعت کرد و آن وقت والد، هیچ قوهٔ لشکری با خود نداشت حضرت

www.kitabmart.in

تمام شیران بیشه دغا را از بنی هاشم با خود داشت و ظن قوی چه باشد
بحسب اسباب ظاهر هم متیقن بود که می تواند ولید و مروان را بکشد
و لازما این وقت خلافت وی در مدینه بلکه تمام حجاز مسلم می شد
و بعد اقطعی بود که عراق و ایران و یمن هم تحت تصرف او می آمد
پس چرا حضرت ترک واجب فرمود و مقدمه آن واجب را که کشتن آن
دو شخص بود بعمل نیاورد؟ آیا نظر سید را قبول کنیم که امام ترک
واجب فرمود یا بگوئیم که نظر سید درست نیست و خلافت را
قبضه کردن بر امام واجب نیست.
بعد از این وقتیکه امام در مکه بود سه ماه تا نامه های اهل کوفه
بحضرت رسید چرا خاموش ماند؟
اگر قبضه کردن خلافت را بر امام واجب باشد چرا باید انتظار بکشد
که اهل کوفه نامه ها بنویسند؟ چرا خودش باهل کوفه بلکه بهمه اطراف
دیگر نامه ها نه فرستاد و چرا در مکه در مدت سه ماه سخن رانیهای هیجان آور
ننمود و چرا عمال یزید را از مکه بیرون کرده استیلاء حاصل نکرد که باین طریقه
هم تمام حجاز در دست او می شد و بعد از آنکه عراقیها نامه ها نوشتند چرا بآنها
ننوشت که عمال یزید را از کوفه بیرون کنند؟ آیا امام در ادای واجب
باید محتاج بتحریک دیگران باشد و خودش در ادای این واجب سعی ننماید؟
سپس وقتیکه مسلم بن عقیل را بکوفه فرستاد چرا امر نفرمود که چون
مردم دور وردی اجتماعی نمایند اول حاکم کوفه نعمان بن بشیر را از
قصر بیرون کند و بر کوفه مستولی شود بعد از آن حضرت امام حسین را

www.kitabmart.in

به کوفه دعوت دهد.

اگر کسی بداند که مقصود حضرت امام حسین قبضه کردن خلافت را بود که بر وی بخیال وی واجب بود پس باید بگوید که از ادای واجب بر وی بود نعوذ بالله مدتی تهاون کرد یا اشتباهاتی مسلسل فرمود که هیچ عاقلی چه برسد بامام که از همه عقلای عالم باید بالاتر بود این اشتباهات را نمی‌کند.

اما اینکه امام حسین بسوی کوفه حرکت نکرد مگر وقتیکه مردم کوفه داد طلبانه بطور ابتدائی بوی نامه نوشتند و از روی رغبت با عهد وفاداری بستند" — می‌گوئیم این راست است اما وقتیکه حضرت انکار بیعت با یزید فرموده بود بچه عهود و مواثیق بود وقتیکه از مدینه بمکه هجرت کرد بچه عهود و مواثیق بود؟ و معلوم است که اصل نهضت حسین عبارت از همان انکار است. اما حرکت ایشان بسوی کوفه پس یکی از حلقه‌های وسطی زنجیر نهضتش بود و آن بدعوت اهل کوفه بود.

خود سید می‌فرماید:—

"قبلاً هم در زمان معاویه بعد از صلح حضرت مجتبی بزرگان کوفه حضرتش را دعوت بقیام کرده بودند و جواب لازم را بآنان داده بود"

می‌گوئیم که اگر حالا نهضت حضرت به سبب دعوت اهل کوفه بوقوع آمد چرا آنوقت دعوت ایشان را قبول نفرموده بود با آنکه آنوقت جماعت اهل کوفه منتظم‌تر از حالا بود و عده ایشان هم زیادتر بود و اسلحه و اسباب هم نسبت بآنوقت مهیاتر بوده است.

www.kitabmart.in

۲

# مسامحهٔ دوم

آنگاه که معاویه مرد و برای بار سوم مردم کوفه نامه نوشتند و اظهار اطاعت کردند و بطوری مشتاقانه از امام خواستند که دعوت آنان را برای زعامت بپذیرد و آن حضرت دید حاکم کوفه ضعیف است و نیروهای داوطلب ملی بر او غلبه دارند و چنین شرائطی ظن قوی پیدا کرد که حرکت وی سوی کوفه برای قبض کردن خلافت واجب عینی است و تصور نمی کرد که بعضی از مردم کوفه بی وفائی می کنند و بعضی دیگر از کمک امام ناتوان می گردند و آن حوادث عجیب پیش می آید

## دفع آن

اگر حضرت بواسطه ضعف حاکم کوفه قیام فرمود پس پیش از این حاکم مدینه ولید بن عقبه که ضعیف تر از حاکم کوفه بود چون هیچ ارتشی از حکومت شام در مدینه نبود و از همین جهت وقتیکه اهل مدینه خلع حکومت یزید کردند ارتشی از شام فرستاده شد و همچنین حاکم مکه عمرو بن سعید ضعیف تر از حاکم کوفه بود و از این جهت عبدالله بن زبیر توانست استیلاء بر مکه نماید چرا حضرت قیام در ضد آنها نفرمود و اما کوفه که از اول مستقر مهمی از ارتشهای حکومت بوده و از این جهت عسکری که با عمر بن سعد در کربلا آمد تماما از اهل کوفه بود و بتصریح اهل تاریخ هیچ کس از شامیها در آن نبود پس چرا حضرت از ضعف حاکم مدینه و حاکم مکه استفاده نکرد

www.kitabmart.in

و بر ضد حاکم کوفه قیام فرمود که چندان ضعیف نبود.
چه طور درست توان دانست این حرف که آنحضرت دید حاکم کوفه ضعیف است
و نیروهای داوطلب ملی بر او غلبه دارند. با اینکه حاکم کوفه بر قصر امارت استیلا
داشت و رؤسای قبائل و عشائر همه حلقه اطاعت او در گردن و معلوم است که
مردم قبائل همه تابع رؤسای آن قبائل می باشند. پس چه طور حضرت او را ضعیف
دانست و اینها را غالب؟ بلی آنچه در تاریخ ثابت است این است که
او آنقدر قساوت و شدت نداشت که بی سبب حضرت مسلم را بکشد
و همین بود که دوستان بنی امیه به یزید نوشتند که نعمان بن بشیر
ضعیف او یتضاعف یعنی نعمان واقعا ضعیف است یا اظهار
ضعف می کند. پس این ضعف ضعف مادی نبود بلکه
ضعف ارادی بود که ناشی از جبن بود یا از میلانی بسوی
اهل بیت پیغمبر یا مقداری از خوف الهی و خوف محشر.

---

باید دانست که خبر دادن دوستان بنی امیه از ضعف یا تضاعف نعمان بن
بشیر و معزول داشتن یزید نعمان را از حکومت کوفه و مرتب ساختن
عبید الله بن زیاد و بیوفائی بعضی از مردم کوفه و ناتوانی بعضی از
کمک. هیچ کدام از این چیزها از مجاری عادات دور نبود که آن را
از حوادث عجیبه شمرده شود و از اول نتوان آرا بحساب آورده شود
با اینکه مردمان عادی اینها را از اول می فهمیدند و بر حضرت اظهار

www.kitabmart.in

می داشتند پس چه طور امام که عقلش باید فوق عقل کل باشد
آنها را (نعوذ بالله) نفهمید. با اینکه حضرت حرف بعضی را که
اینگونه پیش آمدها را اظهار کردند تصویب فرمود و گفت که
راست می گوئی و هر چه گفتی موافق عقل گفتی ولی خدا هر چه می خواهد
می کند. با اینکه من تابع رضائے الٰهی هستم.
از اینها باید فهمید که هیچ یکی از این پیش آمدها برای حضرت
حادثهٔ عجیبی نبوده و حضرت همه اینها را می دانست. با این همه
قیامش از روی نظر بر نتائجی بوده که هنوز در پردهٔ غیب بود و مردمان
عادی آن را نمی توانستند بفهمند و حضرت بحسب آن نتائج این صفت را
برای خود لازم می دانست.

www.kitabmart.in

# مسامحهٔ سوم

در بیان حوادث عجیب می فرماید:

وقتیکه عبیدالله بن زیاد به کوفه آمد و شنیده بود که مسلم در خانهٔ هانی بن عروه مرادی است بشرحی که در تواریخ هست و شریک بن اعور نیز در خانهٔ هانی بود ابن زیاد برای عیادت شریک آمد و شریک با مسلم موافقت کرده بود نه که وقتی ابن زیاد می آید مسلم او را بکشد و برای او امکان داشت ابن زیاد را بکشد ولی نکشت و به که ابن زیاد رفت عذر خود را برای شریک چنین بیان کرد که پیغمبر خدا فرموده، ایمان مانع اینست که مومن کسی را بطور غافلگیر بکشد و اگر مسلم عبیدالله را کشته بود نقشه های ابن زیاد باطل می شد و امام حسین ع بدون مزاحم وارد کوفه می گشت و همه مردم آشکارا بکمک وی می شتافتند و هر کس در دل خواهان یاری آن حضرت بود به نیروهای وی می پیوست و با دشمنانش مبارزه می کرد

## نقد آن

می گوئیم میزان حادثهٔ عجیبه چیست؟ این که از نظام طبیعی که غالباً عادی است خارج باشد، حالا باید دید عاملی که در تتمیم مقاصد حکومت تهاون کند معزول شود خلاف عادت است یا اینکه باقی بماند آیا اینکه

www.kitabmart.in

خلاف عادت می باشد. ؟ جوابش واضح است که معزول شدنش
طبیعی است و اگر باقی بماند عجیب است.

کسی که بجای او نصب می شود مانند اولی متهاون باشد، عجیب است
یا بنهایت سخت گیر باشد، عجیب می ماند ؟ جوابش باز واضح است
که چون اول بسبب تهاون معزول شد، پس دومین باید بنهایت سخت گیر
نباشد و اگر نباشد و مانند اول متهاون باشد، عجیب است.

شریک بن اعور که ظاهرا از اصحاب عبید الله بن زیاد بود و از این جهت با او
از بصره به کوفه آمده بود اگر در قصر امارت نزد خود ابن زیاد رحل اقامت می انداخت
یا در جائی دیگر پیش یکی از رؤسای قبائل کوفه که از موافقان ابن زیاد بودند عجیب
بود یا اینکه او پیش هانی بن عروه منزل بگیرد که همانجا مسلم بن عقیل است از اتفاقات
حسنه است که از پیش نمی توان بحساب آورده شود ؟ البته این دومین
از اتفاقات غریبه بود، و همین طور ناخوش شدن شریک که وقتی از بصره
با ابن زیاد حرکت کرده، هیچ ناخوشی نداشته و الا چرا سفر می کرد، اگر چاق بماند
و هیچ ناخوشی نداشته باشد، امر غریبی نیست. ولی اینکه چون بخانه
هانی منزل گرفت ناخوش شد. اینها از اتفاقاتی است که او را می توان
بغریب تعبیر نمود. حالا اگر ابن زیاد که حاکم بود در همچنین هنگام
دل گرفتگی و مشغولیت بعبادت شریک نیاید آیا امر غریب است یا اینکه
بخانه هانی آمد اتفاق غریبی بوده است ؟

حالا مسلم بن عقیل که پرورده بیت رسالت بود و از ثقات معتمدین

www.kitabmart.in

امام معصوم بود بر حدیث رسول عمل نمی کرد و ابن زیاد را غافلگیر می کشت، غریب بود یا اینکه او بر حدیث پیغمبر عمل کرد و او را نه کشت، این غریب است؟ هر کسی که بمقام مسلم در ورع و تقوی و اتباع کتاب و سنت پیغمبر مطلع باشد عملش را بر حدیث رسول هیچ مورد شگفتی قرار نمی دهد و اگر نه کشتن مسلم ابن زیاد را عجیب باشد، پس قبل از این نه کشتن حضرت امام حسین مروان و ولید را در مدینه عجیب تر بنظر می آید و معلوم است که اگر امام در این حال مروان و ولید را می کشت، نقشه های یزید باطل می شد و امام حسین بدون مزاحم حاکم حجاز می شد و آن وقت از اهل عراق هم هر کس در دل خواهان یاری آن حضرت بود، به نیرو های وی می پیوست و با دشمنانش مبارزه می کرد.

از اینها باید دانست که این بزرگان خطوطی داشتند برای کار که با مبادی مقدسه آنها مطابقت داشته باشد و هیچ وقت اینها دست بدامن اتفاقات حسنه نمی زدند

باید دانست که نهضت حسینی (نعوذ بالله) مبنی بر این دو غلط اندیشیها نبود که حاکم کوفه ضعیف است و نیرو های دلو طلب ملی بر او غلبه دارند و در چنین شرائطی ظن قوی پیدا کرد که حرکت وی بسوی کوفه برای قبضه کردن خلافت واجب عینی است و تصور نمی کرد که بعضی از مردم کوفه بی وفائی کنند و بعضی دیگر از کمک امام ناتوان می گردند و آن حوادث عجیب پیش می آید.

www.kitabmart.in



چرا حضرت بآن ظن قوی پیدا کرد و چرا اینها را تصور نمی کرد
با اینکه مردمان عادی این چیزها را در نظر داشتند و این همه را از اول
بگوش حضرت می رسانیدند و می گفتند که مردم کوفه بی وفائی خواهند کرد
و بعضی دیگر از کمک ناتوان می گردند. اگر اینها عجیب می بود چرا آنها
باین خطرها ملتفت می شدند و طوریکه اولا گفتیم هیچ وقت حضرت
تخطئه آنها نکرد بلکه ببعضی از آنها فرمود که آنچه می گوئی راست است
و موافق عقل است. پس چرا کسی گمان برد که چیزهائی را که مردمان
عادی می فهمیدند حضرت بآن عقل امامت که باید فوق عقول
عامه باشد آنها را (عیاذاً بالله) نمی فهمید حاشاه عن ذلک
هرچه در آخر سنه ۶۱ هجری بوقوع آمد و تا آغاز سنه ۶۱ ه بانجام رسید
هیچ از عجائب و غرائب نبود. ولی اینکه همچون سید مرتضی علم الهدی
نسبت بحضرت سید الشهداء سلام الله علیه این معنی را ملتفت نباشد که
اینها کسانی بودند که بر خطوط رضای الهی گام می زدند و مانند سیاستمداران
از اتفاقات زمانه و از این که دشمن حالا ضعیف است و بعداً قوی می شود استفاده
نمی کردند و الا ارتش حر را در حالیکه تشنه بود آب نمی داد و از
ضعف آنها استفاده می کرد. لاجرم مثل سید این معانی را ملتفت
نباشد. البته از عجائب و غرائب است.

www.kitabmart.in



# مسامحهٔ چهارم

می فرماید :- "منظور از ذکر این مطالب اینست که معلوم کنیم اسباب پیروزی امام حسین ع فراهم بود ولی پیش آمد نامطلوب بود که اوضاع را دگرگون ساخت و شد آنچه شد

## گذارش ما

آنچه سابقاً بعرض رسانیدیم منظور ما از ذکر آن اینست که ظاهر شود که پیش آمد نامطلوب که بظهور رسید، هیچ غرابتی نداشت که حضرت امام حسین ع از پیش ملتفت آن نباشد. با آنکه مردمان دیگر آنحضرت را ملتفت هم نمودند و حضرت تصدیق آنها فرمود که راست می گویند. بعلم عادی هم آنچه شد از احاطهٔ اطلاع حضرت بیرون نبود پس نهضت حضرت لازماً برای مقاصدی بود غیر از قبضه نمودن بر حکومت و استیلاء بر مملکت اسلامیه بنحو مادی.

www.kitabmart.in



## مسامحهٔ پنجم

هنگامیکه خبر قتل مسلم به امام رسید و با یارانش مشورت کرد
بفکر افتاد برگردد ولی برادران مسلم نظر دادند که باید به کوفه برویم
تا انتقام خون برادر ما را بگیریم و یا آنچه او چشید ما هم بچشیم آنگاه
امام فرمود زندگی بدون این عموزادها ارزشی ندارد.

## این یک مسامحه مجموعهٔ مسامحه ها است

۱ اولا اینکه امام با یارانش مشورت کرد، از روی تاریخ درست نیست
بلکه بعض یاران بخودی خود گفتند که چون امیدی برای ما در کوفه نیست باید
برگردیم.

۲ دوم هیچ شاهدی بر این نیست که امام بفکر افتاد که برگردد بلکه حضرت
برای معارضه برای این بعض خودش بفرزندان عقیل نظر فرمود که شما چه می گوئید

۳ سوم - برادران مسلم از خود نظر ندادند بلکه حضرت نظر بر آنها نموده
از آنها خواست که ابدای نظر خود بکنند.

۴ چهارم معلوم است که اگر حضرت فریضهٔ خود در برگشتن می دید بنظر
برادران مسلم از آن فریضه انحراف نمی جوید بلکه لازم بود که حضرت
آنها را از نظرشان منصرف نمایید. لازما باید فهمید که خود حضرت
همین نظر داشت که نباید برگشت. اما چون رأی آن اصحاب
از روی فکر و تأمل نبود بلکه از شنیدن خبر قتل مسلم تأثری در عواطف

www.kitabmart.in



آنها پدید آمده بود که بعنوان آن نظر بظهور رسید، پس حضرت خواست مقابلهٔ
آن تاثر بیک نوع تاثر دیگر یکه در فرزندان عقیل پیدا شده بود بنماید. ولی
اقدام حضرت مبنی بر این تاثرات نبود بلکه بر مصالحی مبتنی بود که مردم
آنوقت نوعاً پی بآن مصالح نمی بردند. والا معلوم است زندگانی
امام و حجت حق چندان ارزش دارد که ممکن نیست بنظر چند نفر از
عموزادها که ناشی از تاثر وقتی است در معرض تلف آورده شود.

www.kitabmart.in



# مسامحهٔ ششم

«بعد از حر بن یزید با سربازانش رسیدند و نگذاشتند آنحضرت به حجاز برگردد»

به به

الآن آقا فرموده بود که «برادران مسلم نظر دادند که باید به کوفه برویم تا انتقام خون برادر ما را بگیریم یا آنکه آنچه او چشید ما هم بچشیم. آنگاه امام فرمود زندگی بدون این عموزادها ارزشی ندارد» و حالا می فرماید که «حر بن یزید با سربازانش نگذاشتند آنحضرت به حجاز برگردد» — آیا این دو حرف باهم تناقض ندارد؟ یعنی حرف اول این بود که حضرت بعد از نظر برادران مسلم دیگر نمی خواست بحجاز برگردد — و حاصل حرف دوم این است که می خواست به حجاز برگردد. ولی حر و سربازان او نه گذاشتند.

www.kitabmart.in



# مسامحهٔ هفتم

## بسیار اسفناک

در هنگامی که دید نه برگشتن باجاز میسر است و نه رفتن به کوفه، راه شام را پیش گرفت تا با یزید بن معاویه ملاقات کند. چون میدانست یزید با همهٔ خباثتی که دارد از ابن زیاد و یارانش نیست. آنحضرت امید بان تر است و امام بحرکت خود بسوی او ادامه داد تا آنکه عمر بن سعد با سپاه عظیمی آمد و شد آنچه شد که در تواریخ مسطور است

## دفع آن

هیچ سندی از تواریخ در دست نیست که حضرت راه شام را پیش گرفته بود. آنچه صحت این است که وقتی حضرت امام از مقصود حرکه گفته بود من فرستاده شده ام برای اینکه شما را نزد عبیدالله بن زیاد ببرم، استنکاف نمود و فرمود این نخواهد شد و از خواسته حضرت که بحجاز برگردد، حر جلوگیری کرد و قریب بود شمشیرها کشیده شود، و گفت من مامور نیستم که با شما جنگ نمایم، ولی حالا که شما نمی خواهید کوفه بروید و من نمی توانم شما را بگذارم که بسوی حجاز برگردید، پس راه سومی اختیار کنید که نه به کوفه رفته باشد، و نه بحجاز، تا اینکه من به ابن زیاد بنویسم و شما اگر

www.kitabmart.in



خواسته باشید به یزید بنویسید. آنوقت حضرت بخواسته حر
این راه را گرفت که بکربلا رسید. اگر حضرت راه شام را پیش
می گرفت، حر چرا می گفت شما اگر خواسته باشید به یزید بنویسید
شگفت آور بلکه اسفناک است این که عالمی مثل سید بفرماید:
«یزید با همه خباثتی که دارد از ابن زیاد و یارانش نسبت
به آنحضرت مهربان تر است!»

با اینکه حقیقت تاریخی این است که یزید هر عاملی را که با حضرت
امام حسین ع طریق مجاملت اختیار نمود از حکومت معزول کرد
مثل ولید بن عقبه که نظر دوران را که همان وقت که حضرت در خانه
یزید بود و بیعت یزید نه فرموده بود بقتل رساند قبول نکرد و
وگفت ان الذی یلقی الله بدم الحسین فخفیف المیزان
یوم القیامة (یعنی) هر کسی که پیش خدا رود در حالیکه خون حسین را ریخته
باشد، نامه حسناتش بسیار سبک خواهد بود روز قیامت، او را یزید معزول کرد
چرا؟ چون حضرت امام حسین ع را نه کشت. نعمان بن بشیر را
که بر حضرت مسلم بن عقیل سخت نه گرفت وگفت تا اقدامی بر ضد ما
نشده، من جائز نمی دانم که او را حبس کنم یا خون او را بریزم، یزید
معزول کرد، چرا؟ چون مسلم را نکشت. ولی ابن زیاد که اول
مسلم را بآن قساوت کشت و بعد حضرت امام حسین ع را کشت و
خانه آل رسول ص را تاراج کرد و عترت رسول ص را اسیر کرد، او را یزید

www.kitabmart.in



تا آخر نفس از زندگانی خود معزول نه کرد. پس چه طور جائز است
کسی بگوید که یزید از ابن زیاد و یارانش نسبت به آنحضرت مهربان‌تر
بود. چه کاری ابن زیاد کرد که یزید نه کرد یا باو راضی نه شد؟
حتی اینکه ابن زیاد چوب به دندان حضرت زد که زید بن ارقم بخروش
آمد. یزید هم در مجلس خود همین کار را کرد که ابو برزه اسلمی و
بروایتی انس بن مالک بخروش آمد. پس حالا چه طور می‌توان
گفت که یزید از ابن زیاد بر حضرت امام حسین مهربان‌تر بود؟

www.kitabmart.in



# مسامحهٔ هشتم

## اسفناک تر

هنوز سید بر این صدمه‌ها که بمقام رفیع حضرت سید الشهداء از نظرهای وی رسیده اکتفا نمی‌کند بلکه از این جلوتر رفته می‌فرماید:

"آنحضرت به عمر بن سعد فرموده بود یکی از چند پیشنهاد را از من بپذیرید:

۱- برگردم به حجاز

۲- دست بدست یزید بدهم تا او که پسر عم من است نظر خود را درباره من بدهد

۳- مرا بیکی از سرحدات بفرستید تا مثل مردم آنجا و طبق مقررات آنان زندگی کنم"

## دفع آن

این همان افترائیست که اولیای یزید بر حضرت امام بسته بودند که غلام با اختصاص خانوادهٔ حسینی عقبه بن سمعان رد آن لازم دانسته گفت که من همیشه با آنحضرت بوده‌ام و هیچ وقت از حضرت جدا نشدم. هیچ وقت حضرت این حرف بر زبان نیاورده که من بروم نزد یزید و دست بدست وی بدهم و مورخ

www.kitabmart.in



بزرگ ابن جریر طبری این رد عقبه را چنان ارزشی سنجید
که آن را در تاریخ کبیر خود آورد، اما چه گوئیم این سید جلیل را
که از آن اغماض نموده همان افتراء امویین را برگ و بار داده
در مقام استدلال ایراد می کند انا لله و انا الیه راجعون ،

www.kitabmart.in



## مسامحهٔ نهم ۹

می فرماید:

"اما اینکه تشخیص امام با تشخیص همهٔ ناصحان از قبیل ابن عباس و دیگران مخالف بود، برای اینست که پیدائش ظن در موضوعات بوسیلهٔ قرائن است و گاهی نزد کسی قوی است و نزد دیگری ضعیف و شاید ابن عباس از نامه‌ها و پیام‌ها و میثاقهای مردم کوفه آگاه نبود و این قرائن از اموری است که احوال مردم در مورد آن مختلف است و تنها بطور سربسته بدان می‌توان اشاره کرد نه بتفصیل"

## دفع آن

اول اینکه هیچ سندی نیست براین که تشخیص امام با تشخیص دیگران از قبیل ابن عباس مخالف بود، چون هیچ وقت آنحضرت ابطال نظر آنها ننموده بلکه در جواب بعضی تصدیق فرمود که آنچه گفتی راست گفتی و بمقتضای عقل حرف زدی، ولی می‌فرمود که منظور خدا همین است که من بعمل می‌آرم. پس چگونه می‌توان گفت که نظر حضرت با نظر آنها مخالف بود.

ثانیاً نظر آنها بچه قرائنی بود که از حضرت مخفی بود و نظر حضرت بچه قرائنی بود که از آنها مخفی باشد. و اما نامه‌ها و پیام‌ها و میثاقهائی که

www.kitabmart.in



اهل کوفه فرستاده بودند، پس آنها سری نبوده در حالیکه صدمین
صد نامه از اعیان اهل کوفه رسیده باشد چه طور ممکن است کسی گمان
کند که اینها همه از مثل ابن عباس پوشیده بود و آنها خبر از آن
نامه ها و پیامها و میثاقها نه داشتند.

اگر بفرمائش سید رح باور کنیم که ظن آنحضرت ع با ظن آنها
مخالف بود و بالاخره آنچه مظنون آنها بود بوقوع انجامید
پس باید گفت که نظر امام (عیاذاً بالله) خطا کرد و نظر آنها
بنقطهٔ صواب رسید.

نه می دانیم سید بزرگوار این را موافق شان امام می بیند
یا خلاف شان امام. اما ما که عقل امام را از عقول عامهٔ
بشر کامل تر می دانیم، نمی توانیم آن را قبول کنیم.

www.kitabmart.in



# مسامحهٔ دهم

ابن زیاد اگر درباره امام نیت خیر داشت می توانست بطوریکه متهم به مخالفت یزید هم نشود، بگذارد امام برای ملاقات یزید بشام برود و نیروهای نیز همراه وی بفرستد. ولی کینه‌هائی که از زمان جنگ بدر از رسول خدا در دل داشتند در این زمان بظهور رسید.

## می گوئیم :-

بعد از اینکه آغاز پیش از این فرموده که یزید نسبت بآنحضرت از ابن زیاد و یارانش مهربان تر بود، حالا چرا از کینه‌های جنگ بدر یادآوری می نماید؟ آیا کینه‌های جنگ بدر در دل ابن زیاد که هیچ ربطی بمقتولین بدر نداشت بیشتر بود یا در دل یزید که خودش بعدا در مجلس خود بزرگان خودش را که در بدر کشته شده بودند یادآوری نمود.

www.kitabmart.in

# مسامحهٔ یازدهم

" امکان دارد که امام در آن حال احتمال می داد یک عده از کسانیکه با وی بیعت کردند ولی از یاریش دریغ نمودند بوی بپیوندند و صبر و شکیبائی و کمی یاوران آنحضرت آنان را تحت تاثیر قرار دهد و بخاطر دین یا له روی غیرت تکلیک وی بشتابند چنانکه عده ای چنین کردند و در یاری امام شهید شدند و پیشه در موارد سختی چنین انتظار می رود "

## معرض محدسانیم

اگر نهضت حسینی بسته بود باین که کسانی بوی بپیوندند، چرا جماعتی را که در بین راه مکه و کوفه با وی پیوسته بودند، بعد از خبر شهادت مسلم بن عقیل اجازه داد که از او جدا شوند و چرا در کربلا شب عاشور سخن رانی فرمود که در این شب تاریک هر جائی بخواهید بروید.

جناب سید ما که تضمیه را قیمتی نمی داند و شهادت شهید را شهادتی برای اسلام و مسلمانها می داند چرا تجویز کند که امام می خواسته عده ای از کسانیکه با وی بیعت کردند بوی بپیوندند؟ چون اگر ما بفرض عده از انها بوی می پیوستند، باز هم نمی توانستند که

www.kitabmart.in

در مقابلهٔ ارتشهائی ابن زیاد فیروزی یابند - نتیجه غیر از این
نبود که عدد شهیدان بیشتر شود. پس خسارتی که بکشته شدن
شهیدان بر اسلام و مسلمین وارد می آید زیادتر می شد، کما اینکه
بر طبق رای سید باید گفت کسانیکه چنین کردند و در یاری امام
شهید شدند (عیاذاً بالله) کار خوبی نه می کردند چون آنها تعداد شهیدان
را افزون می کردند پس صدمه باسلام و مسلمین بیشتر می رسانیدند

www.kitabmart.in

۱۲

# مسامحهٔ دوازدهم

«در بارهٔ اینکه روش امام حسن و امام حسین علیهما السلام با هم موافق بود یا نه؟ باید گفت روش این دو امام بطور واضح با هم موافق بود. زیرا حضرت مجتبی وقتیکه دید یارانش برای خیانت کردند برای جلوگیری از فتنه و حفظ جان خود و خاندان و شیعیانش تسلیم شد و امام حسین وقتیکه نظر قوی پیدا کرد که کسانیکه با وی مکاتبه نمودند یارش خواهند کرد دید بطوری طرفداران حق قوی و طرفداران باطل ضعیف هستند که واجب است (برای تسخیر کوفه) حرکت کند پس آنگاه که نشانه های بیوفائی ظاهر گشت و حوادث نامطلوب اتفاق افتاد تصمیم گرفت برگردد و مسلم برادرش حکومت را به دیگران واگذار کند ولی عمال حکومت قبول نکردند.

## وجوهی از فساد

۱/ اول اینکه از اکثر اصحاب حضرت امام حسن مثل حجر بن عدی و قیس بن سعد بن عباده و امثال آنها، هیچ ظهور خیانتی نشده بود و اینها اصرار داشتند بر ادامه حرب و ظهور خیانت از بعضی مرتب نمی شود برای اینکه امام از حق خود دست بردارد و بلکه بسبب

www.kitabmart.in

نظر سید ره در ادای فریضهٔ خود که بقاء بر حکومت است تهاون نماید
با این که انصارشان بحسب عدد و عُدد بیشتر از اصحاب
حضرت امام حسین ع بوده اند.

۲ دوم اینکه حضرت امام حسین ع بهیچ کس از کسانیکه در این
باره با حضرت صحبت کردند و اظهار بی اعتمادی بر اهل کوفه نمودند
نه فرمود که من ظن قوی دارم که اینها یاریم خواهند کرد یا
اینکه طرفدارانم قوی اند و طرفداران یزید ضعیف هستند
بلکه حضرت روی هم رفته بعنوان تقریر تصدیق حرف آنها
فرموده نهضت خودش را مبتنی بر امر الهی قرار داد پس
پس سید ما چرا می فرماید که حضرت ظن قوی پیدا کرد که کسانیکه
با وی مکاتبه نمودند یاریش خواهند کرد.

۳ سوم اینکه حقیقت امر آنست که چون نشانه های بی وفائی
ظاهر و مسلم و پائی کشته شدند باز هم حضرت تصمیم برگشتن
نه گرفت بلکه در همان راه جلو رفت تا آنکه حر بن یزید ریاحی با
ارتش ابن زیاد رسید و خواست حضرت را بقسر و قهر بکوفه ببرد
آن وقت حضرت تصمیم برگشتن گرفت چون نه می خواست بنحو
اجباری کوفه برود یا

www.kitabmart.in

# نتیجهٔ آخرین

بلی راست است که روش این دو امام یکی است. ولی نه بطوریکه آقای سید تقریر فرموده بلکه بنحویکه ما در کتاب "السبطان فی موقفیهما" تقریر نموده ایم. و خلاصه اش آنکه در مرحلهٔ حضرت امام حسن سلام الله علیه معاویه کاغذی فرستاده بود که هرچه می خواهید از شرائط در این کاغذ بنویسید من قبول دارم و آنحضرت شرائطی نوشت که معاویه بحسب آن متقید گردید که موافق مطلوب حضرت اتباع کتاب و سنت بنماید. پس فی الحقیقه حضرت با معاویه بیعت نکرد بلکه از او بیعت گرفت که بر طبق رضای ایشان عمل می کند و در مرحلهٔ امام حسین ع یزید از ایشان می طلبید که بی شرط و قید فرمان روائی او را قبول کنند و این چیزی بود که اگر بر حضرت امام حسن ع عرضه می داشتند او هم ابا و انکار می ورزید و بر آن صورتی که حضرت امام حسن ع با معاویه مصالحت فرمود، اگر یزید هم آن صورت را به پیشگاه حضرت امام حسین ع عرضه می داشت، ایشان هم مثل برادر خود مصالحت می فرمود پس روش این دو امام یکی است و هیچ گونه اختلافی ما بین آنها نیست والسلام خیر ختام

۳ شعبان ۱۴۰۰ (علیگره) علی فقی النقوی

www.kitabmart.in